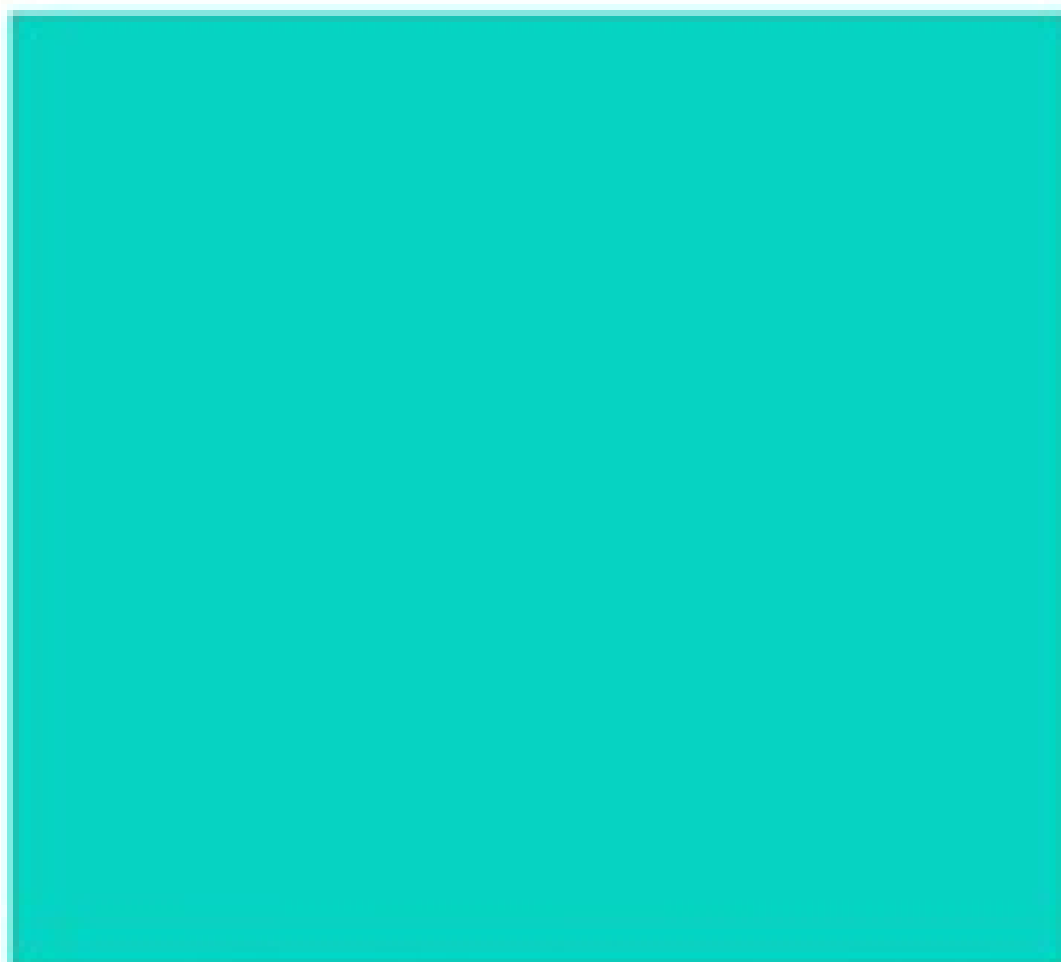


رسالت شعر دینی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی

محمود سوری



بسم الله الرحمن الرحیم

رسالت شعر دینی درجنبش های اجتماعی و سیاسی

نویسنده:

محمود سوری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
رسالت شعر دینی درجنبش های اجتماعی و سیاسی ۱۱
مشخصات کتاب ۱۱
اشاره ۱۱
دیباچه ۱۴
پیش گفتار ۱۷
فصل نخست:کلیات ۲۰
۱. طرح موضوع ۲۰
۲. اهمیت پژوهش ۲۲
۳. اهداف پژوهش ۲۳
۴. پیشینه پژوهش ۲۴
۵. مفهوم شناسی شعر ۲۶
۶. تفاوت شعر و نظم ۲۹
۷. شعر خوب ۳۰
۸. شعرهای مرتبط با دین ۳۲
اشاره ۳۲
الف) شعر مذهبی ۳۳
ب) مدیحه مذهبی ۳۵
ج) مرثیه مذهبی (شعر شهادت) ۳۶
د) شعر عرفانی ۳۶
هـ) حماسه دینی ۳۷
و) شعر پایداری ۳۸
ز) شعر اخلاقی ۳۹
۹. مفهوم شناسی جُنبش ۳۹

اشاره ---------- ۳۹
الف) تعریف جنبش ---------- ۴۰
ب) انواع جنبش ---------- ۴۰
ج) ویژگی های جنبش ---------- ۴۰
د) مراحل جنبش ---------- ۴۱
هـ) کارکرد جنبش ---------- ۴۱
و) اهداف جنبش ---------- ۴۲
۱۰. رابطه شعر و جنبش ---------- ۴۲
فصل دوم: جایگاه و چیستی شعر دینی ---------- ۴۵
۱. جایگاه شعر و شاعری در دین اسلام ---------- ۴۵
الف) شعر جاهلی ---------- ۴۵
ب) شعر در قرآن ---------- ۴۶
ج) شعر در کلام معصومان ---------- ۴۹
اشاره ---------- ۴۹
یک ــ شعر متعهد ---------- ۵۰
دوــ شعر مبتذل ---------- ۵۱
سه ــ شعر و آل الله ---------- ۵۳
چهارــ شاعران نمونه ---------- ۵۴
۲. چیستی و تعریف شعر دینی ---------- ۵۵
۳. چارچوب نظری ---------- ۶۱
اشاره ---------- ۶۱
الف) هنر برای هنر ---------- ۶۲
ب) نقد هنر برای هنر ---------- ۶۳
ج) نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین» ---------- ۶۵
اشاره ---------- ۶۵
یک ــ تعهد ---------- ۶۵

دو_ هدفمندی ---------- ۶۷
سه _ جنبش آفرینی ---------- ۶۸
فصل سوم: شعر دینی و جنبش آفرینی ---------- ۷۰
اشاره ---------- ۷۰
۱. ویژگی های شعر دینی ---------- ۷۰
اشاره ---------- ۷۰
الف) پیوند با قرآن و حدیث ---------- ۷۰
ب) ولایت محوری (غدیر) ---------- ۷۲
ج) حماسه و شهادت طلبی (عاشورا) ---------- ۷۵
د) کمال گرایی و آرمان خواهی (انتظار موعود) ---------- ۷۸
ه_) مبارزه با رفاه طلبی و نمایندگی طبقه محروم ---------- ۸۱
و) دوری از ابتذال و بحران هویت ---------- ۸۳
۲. بررسی مصداقی شعر جنبش آفرین ---------- ۸۴
اشاره ---------- ۸۴
الف) شعر پیش از مشروطه ---------- ۸۵
اشاره ---------- ۸۵
یک _ حافظ ---------- ۸۸
دو_ عبید زاکانی ---------- ۹۰
سه _ سیف فرغانی ---------- ۹۱
ب) شعر مشروطیت ---------- ۹۴
اشاره ---------- ۹۴
یک _ عشق به دین و وطن ---------- ۱۰۱
دو_ مبارزه با ستم شاهان با بهر ه گری از معارف دین ---------- ۱۰۵
سه _ اتحاد مسلمانان ---------- ۱۰۷
چهار_ انقلاب ---------- ۱۱۱
پنج _ شهادت ---------- ۱۱۲

ج) شعر در عصر پهلوی اول ----- ۱۱۳
د) شعر در عصر پهلوی دوم ----- ۱۱۷
یک _ ادبیات مطلوب رژیم ----- ۱۱۷
دو _ شاعران روشن فکر ----- ۱۱۸
اشاره ----- ۱۱۸
اول _ مرگ و نومیدی ----- ۱۱۹
دوم _ پناه بردن به افیون ----- ۱۱۹
سوم _ ستیز با اخلاقیات حاکم بر جامعه ----- ۱۲۱
سه _ انواع شعر سیاسی دوره پهلوی دوم ----- ۱۲۱
اشاره ----- ۱۲۱
اول _ اشعار سیاسی چپ گرا ----- ۱۲۱
دو م _ اشعار سیاسی ملی گرایانه ----- ۱۲۲
سوم _ اشعار سیاسی اسلامی ----- ۱۲۲
چهارم _ اشعار سیاسی سلطنت طلب ----- ۱۲۳
ه_) شعر دینی پیش از انقلاب اسلامی ----- ۱۲۳
اشاره ----- ۱۲۳
یک _ مبارزه با استبداد و اختناق ----- ۱۲۷
اشاره ----- ۱۲۷
اول _ نکوهش کودتای ۲۸ مرداد ----- ۱۲۸
دوم _ انتقاد از برنامه های فرهنگی رژیم ----- ۱۳۰
سوم مخالفت با انقلاب شاه و مردم ----- ۱۳۲
چهارم _ مخالفت با ساواک ----- ۱۳۴
پنجم _ انتقاد از حضور مستشاران خارجی در ایران ----- ۱۳۶
ششم _ مخالفت با تشکیل حزب رستاخیز ----- ۱۳۸
هفتم _ انتقاد از برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله ----- ۱۴۰
دو_ امام خمینی(ره) در شعر پیش از انقلاب ----- ۱۴۳

سه ــ وصف آزادی و زندانیان دربند ---- ۱۴۹
چهار ــ بزرگداشت شهیدان نهضت و برخی مخالفان رژیم ---- ۱۵۳
اشاره ---- ۱۵۳
اول ــ جهان پهلوان غلام رضا تختی ---- ۱۵۹
دوم ــ جلال آل احمد ---- ۱۶۴
سوم ــ شهید آیت الله محمدرضا سعیدی ---- ۱۶۴
چهارم ــ دکتر علی شریعتی ---- ۱۶۶
پنجم ــ جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی ---- ۱۶۸
پنج ــ قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ ---- ۱۷۰
شش ــ قیام هفده شهریور ۱۳۵۷ ---- ۱۷۲
و) شعر دینی پس از انقلاب اسلامی ---- ۱۷۶
اشاره ---- ۱۷۶
یک ــ حضور مذهب و نمادهای آن ---- ۱۸۰
اشاره ---- ۱۸۰
شب های کوفه ---- ۱۸۱
فقط شبیه خودت هستی ---- ۱۸۲
خورشید و ماه ---- ۱۸۳
ممنوع! ---- ۱۸۳
ستایش ها ---- ۱۸۵
یا علی موسی الرضا(ع) ---- ۱۸۷
غزل بهار ---- ۱۹۰
با تمام انتظار ---- ۱۹۱
دوــ مردمی شدن ---- ۱۹۲
سه ــ پرهیز از نمادگرایی ---- ۱۹۳
چهارــ غفلت ستیزی و دعوت به بیداری ---- ۱۹۴
پنج ــ مبارزه با طبقه روشن فکر غرب زده ---- ۱۹۴

شش ـ به کارگیری قالب های مختلف شعری ---------- ۱۹۵
هفت ـ ورود مسائل سیاسی ـ اجتماعی به شعر انقلاب ---------- ۱۹۵
اشاره ---------- ۱۹۵
اول ـ امام خمینی(ره) ---------- ۱۹۶
دوم ـ مقام معظم رهبری ---------- ۱۹۹
سوم ـ دفاع مقدس و شهیدان انقلاب اسلامی ---------- ۲۰۱
چهارم ـ حج خونین ۱۳۶۶ ---------- ۲۱۵
پنجم ـ هم دردی با دیگر مسلمانان ---------- ۲۲۵
نکته پایانی: وظایف شعر انقلاب ---------- ۲۳۳
فصل چهارم: همراه با برنامه سازان ---------- ۲۳۵
اشاره ---------- ۲۳۵
معرفی کارشناسان ---------- ۲۳۶
موضوع های پیشنهادی ---------- ۲۳۶
پرسش های کارشناسی ---------- ۲۳۸
کتاب های مناسب برای معرفی در رسانه ---------- ۲۴۱
پنج مناسبت؛ پنج گونه شعر دینی ---------- ۲۴۳
کتاب نامه ---------- ۲۴۵
الف) کتاب ها ---------- ۲۴۵
ب) نشریه ها ---------- ۲۵۷
درباره مرکز ---------- ۲۵۹

رسالت شعر دینی درجنبش های اجتماعی و سیاسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : سوری، محمود، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور : رسالت شعر دینی درجنبش های اجتماعی و سیاسی/ محمود سوری؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : [۶]، ۱۸۲ ص.: جدول.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۵۴۷.

شابک : ۲۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۴۵-۰ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (برون سپاری).

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۷۱] - ۱۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : شعر مذهبی فارسی -- جنبه های اجتماعی

موضوع : شعر فارسی -- جنبه های اجتماعی

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- جنبه های اجتماعی

موضوع : ادبیات فارسی -- جنبه های سیاسی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : PIR۳۶۰۴/س۹ر۵ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۸فا۱/۰۰۹۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۳۱۰۹۰

ص: ۱

اشاره

دیباچه

همـان گـونه که رسول خـدا(ص) فرمود: «اِنَّ مِنَ البیـانِ لَسِحْراً»،(1)برخی سـخنان، افسونگرنـد. بی گمان، مصـداق آشـکار یا برترین مصداق «بیان افسونگر»، شـعر یا نثر آهنگین و موسـیقیایی است؛ چرا که در این گونه از سخن، زیبایی «ظاهر» و «معنا» و گیرایی «ساختار» و «مفهوم» یک جا کنار هم گردآمـده است. پس می توانـد بسـی اثرگـذارتر از بیانی باشد که ساختارش، دل انگیز، ولی تهی از معناست یا مفهومش، دلکش است، ولی ظاهری زیبا ندارد. پس شـعر و نثر ادبی می تواند اثر بگذارد، تغییر ایجاد کند و در اوج اثربخشی خویش، به جنبش دامن زند.

به تعبیر یکی از اندیشـمندان، «طبق نـاموس طبیعی، این چگونگی که خداونـد در طبیعت انسـان نهاده است که به سوی زیبایی جذب می شود از جمله کلام زیبا، پس هر فکر و اندیشه و مکتبی که از عنصـر بلاغت، بیشتر استفاده کند، از ادبیات قوی تر و غنی تر برخـوردار خواهـد بود و پیروزی بیشـتری کسب می کنـد. حـتی مکتب هـایی را می توان یـافت که بیشـتر از هر چیز به خاطر ادبیاتشان نفوذ کرده و مانده اند. در این باره بیشتر متفکران غربی چنان از نیروی بلاغت و تأثیر ادبیات اسـتفاده کرده اند که در موارد متعددی، یک عرضه ادبی استادانه، صورت یک مکتب فلسفی یافته است و بسیار تأثیر نموده و طرفدار پیدا کرده است... . متفکران... از اهمیت ادبیات و

ص: 4

1- متقی هندی، کنزالعمال، عمان، بیت الافکارالدولیّه، 2005م، ج 3، ص 394، ح 8005.

کیفیت سخن و بهره برداری از آن غفلت نکرده اند. همین گونه پیروان مکاتب جدید، همواره کوشیده اند تا افکار خویش را از طریق خلق آثار ادبی نشر دهند. علت عمده نفوذ این مکاتب، ادبیات آن مکاتب است، نه ابتکار، یا اصالت، یا عمق تفکر». (۱)

شاعران بزرگی همانند فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی، حافظ، حسان، کمیت اسدی، فرزدق و لبید، جاودانگی و مانایی خود و اندیشه هایشان را وامدار «افسون شاعری» خویش هستند؛ افسونی که اگر با تبیین درست اندیشه ورزان و آن گاه اقبال شایسته جامعه روبه رو شود، بی اختیار دل ها را به سوی خویش جذب می کند و به هر کس به اندازه ای که از این جام های سرشار نوشیده اند، پویایی، حرکت و جنبش می بخشد. دراین باره می بینیم قرآن کریم بسی بیشتر و فراتر از شاعران بلیغ و فصیح، قانون بلاغت و فصاحت را رعایت کرده است و بدین گونه، سببی مستقل و یکی از اثرگذارترین عوامل کشش دل های ذوق مند و سلیم را به سوی زیبایی های سرشار نهفته در خویش، شکل داده است.

به تعبیر زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب:

مسلمین به ترجمه شعر و درام یونانی علاقه ای نشان ندادند؛ نه فقط بدان سبب که شعر و درام یونانی، با اساطیر و عقاید قوم، مخلوط بود و نمی توانست مورد توجه اهل اسلام باشد، بلکه نیز بدان جهت که هدف از تعلّم آن، بلاغت یونانی بود که با وجود بلاغت قرآن، نزد مسلمین طالب نداشت. (۲)

۱- محمدرضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۴، چ ۱۳، ص ۷.

۲- عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰، چ ۷، ص ۴۹.

اثر ارزشمند رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی به خامه پژوهشگر ارجمند و توانا، آقای محمود سوری، کاوشی است در سیر ادبیات دینی و مروری است بر برخی مصداق های اثرگذاری آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی.

بی گمان، چهره کهن ادبیات میهن ما، با وجود استغنایش و بهره داشتن از ژرف ترین جان مایه ها، هنوز چنان که درخور آن است، غبارروبی نشده و به طور کامل از حاشیه نشینی و انزوا برون نیامده است. تردیدی نیست که یکی از شیوه های غبارروبی این تندیس ملی و اسلامی و از عوامل رهانیدن این شاهد بازاری از پرده نشینی، تهیه و تنظیم آثاری است که در آن به تأثیرگذاری و فرهنگ سازی ادب فارسی اشاره شده است. کتاب گران سنگ رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی، گامی است ارزشمند در راه نزدیک شدن به این هدف مبارک. به امید دست یابی کامل به چنان هدف خیزش آفرین.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند (۱)

انه ولی التوفیق

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

۱- دیوان حافظ، تصحیح: غنی ـ قزوینی، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۸۶، غزل ۱۸۲.

پیش گفتار

طرح اصلی این کتاب، مربوط به سال های ۸۲ ـ ۸۳ است و نوشتن آن نیز در سال های ۸۵ و ۸۶ پایان پذیرفت، ولی در مرحله ارزیابی و چاپ، گاه به مشکلاتی برمی خورد، که مجال پرداختن به آن نیست. غرض اینکه به یقین اگر اکنون قصد نوشتن مطلبی درباره شعر دینی داشتم، به لون دیگری در می آمد و سر و شکل دیگری می یافت؛ چراکه در طول این مدت که نوشتن کتاب به اتمام رسید و در انتظار چاپ بود، کتاب ها و مقاله های خوبی در موضوع شعر دینی نوشته شده است که صاحب این اثر، دیگر فرصت استفاده از آنها را جهت بازنگری در کتاب خود به دست نیاورد و آن را به شکلی که ملاحظه خواهید کرد، تقدیم خوانندگان می کند. در اینجا، فرصت را مغتنم می شمرم و از چند عزیز که در طول مدت تحقیق و نگارش، از حمایت ها، راهنمایی ها و خدماتشان بهره برده ام، سپاس گزاری می کنم:

ـ از مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، که با اعتماد به صاحب این قلم، فرصت نوشتن این کتاب را فراهم آ ورد؛

ـ از دکتر سید حسین اسحاقی، مدیر کل پژوهش زمان نوشتن این کتاب، که اگر پی گیری ها و البته راهنمایی های ایشان نبود، این نوشته به ثمر نمی رسید؛

ـ از جناب حجت الاسلام نصرالله آقاجانی، مدیر وقت گروه جامعه شناسی مرکز، که در فراهم آوردن طرح نامه مقدماتی اثر، یاری ام کردند؛

ـ از استاد محقق و شاعر ارجمند، محمدعلی مجاهدی (پروانه) که زحمت ارزیابی این اثر را پس از نگارش متحمل شدند؛

ـ از رفیق شفیقم، سید محمود طاهری، مدیر گروه ادبیات و اقتصاد مرکز، که با بازخوانی کتاب، نکات سودمندی را یادآور شدند و زحمت نوشتن دیباچه را متقبل گردیدند؛

ـ از دوست گرامی، علی حائری، مدیر محترم چاپ و نشر و همکارانشان، به ویژه ویراستاران محترم، محمدصادق دهقان و رقیه چاوشی که بر ویراستاری این جانب نظارت کردند؛

ـ از سرورم، محمد شبستری، مدیر کتاب خانه تخصصی ادبیات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، که منابع مورد نیاز را بی دریغ در اختیارم نهاد؛

ـ در پایان و از همه مهم تر، از همسرم، که اگر حمایت ها و فراهم آوردن محیطی مناسبِ تحقیق از سوی او نبود، این کتاب هیچ گاه به ثمر نمی نشست.

والحمدالله رب العالمین

محمود سوری ـ زمستان ۱۳۸۸

ص: ۸

فصل نخست:کلیات

۱. طرح موضوع

بشـر از دیرباز با شـعر سـروکار داشته است و در تمامی جریان های زندگی او، ردپایی از شعر دیده می شود؛ در شادی ها، غم ها، جنگ ها، پیروزی ها، انقلاب ها و... به قول زنده یاد جلال آل احمد:

شعر، چاشـنی نوشـته و گفتارمـان است، موضـوع سـخن است، وسـیله مـدح و ثنـا و دریوزگی است، آن را حفـظ می کنیم، از راهش نان می خوریم، به آن مَثَل می زنیم، سرنوشت خود را در آن می بینیم. (۱)

و خلاصه، شعر، سراسر زندگی ما ایرانی ها را تسخیر کرده است. جالب اینکه نخستین شعر را آدم ابوالبشر(ع) سروده، و جالب تر آنکه شـعر سـروده شده او، مرثیه، یکی از گونه های شـعر دینی بوده است. امیر دولت شاه سـمرقندی، در تذکره الشعراء می نویسد:

علمـای آثار اتفاق کرده انـد که اول کسـی که در عالم شـعر گفت، آدم صـفی(ع) بود و سـبب آن بود که چون به فرمان ربّ الاربـاب، آن مظهر پـاک به عالم خاک هبوط فرمود، ظلمت این زنـدان فانی به چشـمش ناخوش نمود. گِرد عالم به نـدامت و ماتم می گردید و «رَبّنا ظَلَمنا» گویان، جویای

۱- جلال آل احمد، هفت مقاله، تهران، رواق، تابستان ۱۳۵۷، چ ۳، ص ۳۸.

عفو کریم منّان می بود، و بعد از خلقت غفران، به دیدار زوجه و بعد از آن قدوم اولاد کرام، متسلّی شد. در آن حال، هابیل مظلوم را قابیل میشوم بکشت و آدم را باز داغ غربت و ندامت تازه شده، در مذمّت دنیا و مرثیه فرزند شعر گفت. (۱)

از حضرت علی(ع) هم درباره نخستین سراینده شعر پرسیدند. ایشان فرمود: آدم(ع) بود که وقتی از آسمان به زمین هبوط کرد و خاک و گستردگی آن را دید و قابیل هم هابیل را کشت، سرود:

تَغَیَّرَتِ الْبِلادُ وَ مَنْ عَلَیْها

فَوَجْهُ الاَرْضِ مُغَبَّرٌ قَبیح

تَغَیَّرَ کُلُّ ذی لَوْنٍ وَ طَعْمٍ

وَ قَلَّ بَشاشَهُ الوَجْهِ المَلیح (۲)

پس شعر دینی، پیشینه ای به گستردگی تاریخ حیات بشر روی این کره خاکی دارد. حال باید دید آیا این شعر، در جنبش های گوناگون دینی و اجتماعی، خود را کنار کشیده و تنها به نظاره نشسته، یا اینکه به طور فعّال در این جنبش ها دخالت کرده است؟

به نظر می رسد رابطه این شعر و اجتماع مردمان، دو سویه است؛ زمانی شعر دینی بر مردم و رفتار اجتماعی شان اثر گذاشته، و گاه مردم بر شعر دینی، که حاصل آن، پدید آمدن انواع شعر با سبک های گونه گون است.

۱- امیر دولت شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به همت: محمد رمضانی، تهران، پدیده خاور، آبان ۱۳۶۶، چ ۲، ص ۱۸.

۲- سرزمین ها و ساکنان آنها دگرگون شده، و روی زمین، غبارآلود و زشت گشته؛ هر آنچه رنگ و بویی دارد، تغییر کرده، و شادی چهره نمکین کم شده است. (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، برگردان: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، پاییز ۱۳۷۹، چ ۲، ج ۶، صص ۲۷۶۶ و ۲۷۶۷) البته روشن است که در زمان حضرت آدم(ع)، زبان عربی وجود نداشت و امام علی(ع)، مضمون شعر جناب آدم(ع) را به عربی نقل کرده است.

شاهد این تأثیرپذیری شعر از اجتماع، در تعریف ملک الشعرای بهار از سبک شعر نمود پیدا می کند، آنجا که می نویسد:

سبک شعر، یعنی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آنها، از لحاظ قواعد زبان و مفاد معانی هر کلمه در آن عصر، و طرز تخیّل و ادای آن تخیّلات از لحاظ حالات روحی شاعر، که وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم زندگی مادی و معنوی هر دوره باشد. آنچه از این کلیات حاصل می شود، آب و رنگی خاص به شعر می دهد که آن را «سبک شعر» می نامیم. (۱)

ما در این نوشتار، برآنیم افزون بر شناخت گونه های شعر دینی و تعریف و ویژگی های آن، نقش این نوع شعر را در جنبش های اجتماعی و سیاسی بررسی کنیم.

۲. اهمیت پژوهش

در پدید آمدن هر جنبش، عوامل گوناگونی دخالت دارد. یکی از عواملی که کم و بیش در تمامی جنبش های اجتماعی و سیاسی، سهمی ـ گرچه اندک ـ به خود اختصاص داده، ادبیات و به ویژه شعر است. از میان گونه های شعر نیز شعر دینی در قالب های گوناگون خود، به شکل روشنی در این جنبش ها نقش داشته است. برای نمونه، شورآفرینی هایی که شعر در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و نیز جنگ تحمیلی در جامعه پدید می آورد، هنوز در خاطر کسانی که آن زمان را درک کرده اند، زنده و پابرجاست.

از سوی دیگر، با گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب شکوهمند اسلامی و دست و پنجه نرم کردن آن با انواع تنگناها مثل جنگ تحمیلی، تحریم های

ص: ۱۲

۱- محمدتقی بهار، بهار و ادب پارسی، به کوشش: محمد گلبن، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۷۱، چ ۳، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

گوناگون اقتصادی و شبیخون فرهنگی، لزوم کار فرهنگی و از جمله آشناسازی جامعه جوان ایران اسلامی با عوامل نقش آفرین در پیروزی انقلاب، بیش از پیش آشکار شده است. در این میان، نباید از رسالت صدا و سیما در تبیین این عوامل و چگونگی پدید آمدن این جنبش دینی ـ اجتماعی غافل ماند. بدون تردید، در میان این عوامل، باید سهمی هم برای هنر و ادبیات به ویژه شعر دینی در نظر گرفت.

نکته پایانی آنکه ضرورت پرداختن به این بحث زمانی ملموس می شود که می بینیم کمتر مقاله و کتابی به شعر دینی (۱)پرداخته است. نه آن را تعریف کرده اند و نه ویژگی هایش را برشمرده اند؛ چنان که نویسنده ای معتقد است: «هیچ قلمی در تعریف شعر دینی به گردش درنیامده است.»(۲) بحث از رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی نیز که جای خود دارد و اصلاً به آن پرداخته نشده است. ازاین رو، با توجه به اهمیت و ضرورت پیش گفته، در این نوشتار، به بحث از شعر دینی و نقش آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی می پردازیم.

۳. اهداف پژوهش

هدف کلی نوشتار حاضر، «بررسی رسالت شعر دینی در جنبش های اجتماعی و سیاسی» است.(۳) اهداف جزئی زیر نیز در این نوشته، پی گیری می شود:

ص: ۱۳

۱- منظور، عنوان «شعر دینی» است. بدیهی است استادان بارز ادبیات، انواع شعر مرتبط با دین، مثل شعر مذهبی، شعر آیینی و ...را تعریف کرده اند که نباید به سادگی از کنار آن گذشت.

۲- صادق رحمانی، «کوتاه درباره شعر دینی»، روزنامه جام جم، ۲۳/ ۸ / ۱۳۷۹.

۳- البته بدیهی است که منظور، شعر دینی فارسی است، نه زبان های دیگر مثل عربی، ترکی، تاجیکی و...، که هر کدام تحقیق های جداگانه ای می طلبد.

۱. تبیین و توضیح چیستی شعر دینی؛

۲. بررسی ویژ گی های شعر دینی؛

۳. نشان دادن جایگاه شعر و شعر دینی در دین مبین اسلام؛

۴. بررسی نظریه «هنر برای هنر» و نقد آن؛

۵. تبیین نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین»؛

۶. بررسی مصداقی برخی از جنبش های اجتماعی و سیاسی و نشان دادن نقش شعر دینی در آن.

۴. پیشینه پژوهش

با کمال تأسف، در طول سالیان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چندان به طور جدّی به بحث از شعر دینی و نقش آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی پرداخته نشده است. البته در مورد زیرشاخه های این گونه شعر، مثل شعر مذهبی، شعر پایداری و دفاع مقدس و نیز شعر عاشورایی، تک نگاری هایی ارجمند صورت گرفته و بضاعت تحقیقی اندکی فراهم آمده است. برای نمونه، به برخی از آنها اشاره می کنیم:

کتاب ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات (۱)که مجموعه مقالات کنگره «بررسی تأثیر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر» را در بر گرفته، به تفصیل در دو جلد به جنبه های گوناگون ادبیات و شعر انقلاب اسلامی پرداخته است.

ص: ۱۴

۱- کنگره بررسی تأثیر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، مهر ۱۳۷۷ و جلد دوم: بهار ۱۳۷۸.

در کتاب شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم(۱) نوشته احمد درستی، راجع به شعر سیاسی بحث شده است. نویسنده در فصلی از کتاب با عنوان «اشعار سیاسی اسلامی» به شعر دینی جنبش آفرین در دوران پهلوی دوم می پردازد.

شاعر محترم محمد علی مجاهدی (پروانه) در کتاب شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، (۲)به ادبیات و شعر عاشورایی پرداخته و از آن بحث کرده است.

ضیاءالدین ترابی در کتاب شکوه شقایق،(۳) به نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس می پردازد. نویسنده در این کتاب، هشت مجموعه شعر شاعران دفاع مقدس را نقد می کند و در پایان هر فصل، یکی از بهترین اشعار هر شاعر را به چالش می کشد.

فصلنامه شعر، شماره ۳۹ خود (دی ماه ۱۳۸۳) را ویژه نامه دفاع مقدس و پایداری قرار داده است و در آن، استادان شعر فارسی، به طور مفصّل به شعر جنگ، مقاومت و دفاع مقدس پرداخته اند.

با وجود این ذخایر گران بها که باید از همه نویسندگان آن سپاس گزاری کرد و نیز نوشته های دیگری که مجال پرداختن به آنها نیست، هنوز در مورد عنوان عام شعر دینی، تعریف آن، بیان ویژگی های این نوع شعر و نقش آن در جنبش های اجتماعی و سیاسی، قدمی برداشته نشده است.

۱- احمد درستی، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۲- محمد علی مجاهدی(پروانه)، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم، مرکز تحقیقات سپاه، چاپ نخست، ۱۳۷۹.
۳- ضیاء الدین ترابی، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

این نوشته، خود را موظف می داند با پرهیز از دوباره کاری و با جبران نقص های احتمالی نوشته های پیشین و کامل تر کردن آن، به شعر دینی بپردازد و آن را به تفصیل بررسی کند.

۵. مفهوم شناسی شعر

ادب پژوهان گیتی، فراوان، شعر را تعریف کرده اند، ولی این تعریف ها، هیچ کدام موردپسند همه آنها قرار نگرفته است. علت آن است که شعر، پدیده ای معنوی است و ما که پدیده های دیدنی و مادی را هم نمی توانیم کامل و درست تعریف کنیم، چگونه می توانیم به حقیقت شعر برسیم و از عهده تعریف آن برآییم. به قول شاعر متعهد، زنده یاد قیصر امین پور:

چه خوش خیالند آنان که با فرمول ساده «جنس قریب + فصل قریب»، خیال می کنند به حدّ تام تمام اشیا رسیده اند! و خیال می کنند با گذاشتن کلاه نطق بر سر حیوان، می توانند آن را به انسان تبدیل کنند! و خیال می کنند که انسان، چیزی نیست جز همان حیوان کلی باف! (۱)

به همین دلیل است که می بینیم زنده یاد منوچهر آتشی، درباره تعریف شعر معتقد است: «امروز نیز ما در هیچ منبعی، تعریفی موجز و همه پسند از شعر نداریم». (۲)

شعر، تجلّی الهام درونی است که گاه از الهام ربّانی و گاه از الهام شیطانی سرچشمه می گیرد. منتقدی شعرشناس در توضیح این مطلب می نویسد:

شعر، جوهر هنر و مادر همه هنرهاست. شعر، تجلّی حقیقتی والا و ازلی در قالب «کلمه» و ظرف «کلام» است... شعر، تجسم و ثمره نسبت یافتن با

۱- . قیصر امین پور، مقاله: «نظام ارباب و رعیتی در روستای شعر، لغو شده است»؛ شعر چیست؟، به کوشش: عزیز الله زیادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۵۹.

۲- . منوچهر آتشی، «شعر چیست؟»، همان، ص ۱۵.

عـالم بالاـ و قابـل شـدن برای پـذیرفتن انوار خیـالی حقیقت است. امـا این نکته و نکـات دیگر که گفتیم، فقـط در مورد «شـعر حقیقی» و شـعری است که ثمره «الهام ربّانی» باشد، و گرنه، شعری که تمثّل اوهام نفسانی و تخیّلات شهوانی و نشئت گرفته از «الهام شـیطانی» باشد، به هیچ روی بیانگر معنایی حِکْمی و قرب به حقیقت نبوده و نیست و جز بر گمراهی و غفلت نمی افزاید و البته جز گمراهان نیز کسی از این شعرا تبعیّت نمی کند: «وَ الشُّعراءُ یَتَّبِعُهُم الغاوُونَ (۱)». (۲)

بـه هر حـال واژه «شـعر»، برگرفته از «شـعور» تـازی و به معنـای «دانش، فهم، درک، وقـوف و دانـایی» (۳)است. در مورد شـعر اصطلاحی نیز به گفته دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی:

باید کوشـید و تعریف جامعی از شـعر به دست داد که هم بر قصاید ناصرخسـرو، و هم بر شاهنامه فردوسـی و خمسه نظامی، و هم بر غزلیـات شـمس مولانـا و غزلیـات حافظ، و هم بر غزلیات صائب و بالاخره، شـعرهای نیما و اخوان ثالث و بامـداد منطبق شود، و حـتی نمونه هـای درجه دوم و سوم شـعر هر دوره را نیز به تنـاسب اشـتراکی که در عوارض و ذاتیـات بـا حقیقت شـعر دارنـد، در شـمول خود بگنجاند؛ به گونه ای که شـعرهای امثال قاآنی و سـروش ــ در قرن سـیزدهم ــ و شـعرهای گویندگان عصر مشروطیت را ــ با تفاوت درجاتشان ــ شامل شود.(۴)

ایشان سپس شعر را در اصطلاح، چنین تعریف می کند:

ص: ۱۷

۱- . «و از شاعران، گمراهان پیروی می کنند». (شعراء: ۲۲۴)

۲- . شهریار زرشناس، مقاله «شعر، زبان ملکوت»، کیهان فرهنگی، بهمن ۱۳۷۸، ش ۱۶۰، ص ۱۲.

۳- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا (دوره چهارده جلدی)، تهران، موسـسه انتشارات و چاپ دانشـگاه تهران، بهار ۱۳۸۳، چ ۱، ج ۹، ص ۱۲۶۰۷، ذیل واژه «شعر».

۴- محمدرضا شـفیعی کدکنی (م. سـرشک)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، (ویراست دوم)، تهران، سخن، چ ۱، ۱۳۸۰، صص ۸۵ و ۸۶.

شعر، گره خوردگی عاطفه و تخیّل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است. (۱)

و در توضیح عناصر این تعریف، استادانه می نویسد:

در این تعریف، پنج عنصر اصلی دیده می شود که هر شعر، به گونه ای از هر کدام از آن پنج عنصر برخوردار است؛ با این تفاوت که در بعضی از شعرها عنصر تخیل چشمگیر است، مانند شعرهای خاقانی و صائب؛ و در بعضی شعرها عنصر عاطفه، مانند قصاید ناصرخسرو و شعر اکثر صوفیه و بسیاری از گویندگان مشروطه و در حوزه عواطف عشقی، شعر گویندگانی مانند شهریار و عماد خراسانی؛ و در بعضی شعرها آهنگ، مانند بسیاری از قصاید قاآنی و از معاصران، بعضی کارهای تولّلی در قالب غزل که فقط آهنگ شعر می تواند تا حدی خواننده را به خود بکشد؛ و در بعضی شعرها زبان، مانند بعضی از قسمت های شاهنامه یا غزلیات سعدی و در عصر اخیر، ایرج؛ و در بعضی دیگر، شکل شعر. البته شاعران بزرگ _ مثل حافظ _ همیشه آنها بوده اند که مجموع این عناصر را به کمال و در حد اعتدال داشته اند. (۲)

سید محمدحسین شهریار نیز در مورد شعر سروده است:

شعر، فکر ظریف را گویند

نظم نغز و لطیف را گویند

شعر، نظمی بُوَد به سحر حلال

که کند اهل ذوق، حال به حال

شعر، آمیخته است با دل و جان

شیر و شکر بُوَد به کام جهان

با تو ای شعر، عالم است بهشت

ور بهشت است، بی تو باشد زشت

۱- همان، ص ۸۶.

۲- نک: همان.

بی تو انسان نمی تواند زیست

وآن که بی شعر زیست، انسان نیست (۱)

۶. تفاوت شعر و نظم

هر شعری، نظم و هر نظمی، شعر نیست. «ارسطو از جمله کسانی است که بین کلامی که موزون و خیال انگیز باشد و کلامی که تنها وزن داشته باشد، تمایز قائل شده و دومی را از زمره شعر به حساب نیاورده است». (۲)

جالب اینجاست که شعر و نظم، حتی در موضوع هم با هم تفاوت دارند. استاد علی اکبر دهخدا در این باره معتقد است:

موضوع شعر، عارضه مضمونی و معنوی کلام است و موضوع نظم، عارضه ظاهری کلام. به عبارت دیگر، موضوع شعر، در احساس انگیزی و تأثیرات بی شائبه شاعر خلاصه می شود، ولی نظم فقط سخن موزون و مقفّی است. در حقیقت، همان گونه که سخن موزون مقفّی را که احساس انگیز نباشد، نظم می نامیم نه شعر، سخن خیال آفرین و احساس انگیز را نیز که عاری از وزن و آهنگ باشد، شاید بتوان نثر لطیف شاعرانه یا شعر منثور نامید، نه شعر منظوم کامل؛ زیرا موزونی، خود، از برترین شرایط تأثیر شعر است. (۳)

ملک الشعرای بهار نیز در شعر معروف خویش، حوزه شعر را از نظم جدا می داند و می سراید:

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دنیای عقل

شاعر آن افسونگری کاین طُرفه مروارید سُفت

۱- نک: سید محمد حسین شهریار، دیوان شهریار، تهران، انتشارات زرّین و انتشارات نگاه، تابستان ۱۳۷۵، چ ۱۷، ج ۱، صص ۴۸۲ و ۴۸۳.

۲- میمنت ذوالقدری (میرصادقی)، واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۱۴۴.

۳- . لغت نامه دهخدا، واژه «شعر».

صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر

ای بسا شاعر که شعرش نیست الّا حرف مُفت

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب

باز در دل ها نشیند، هر کجا گوشی شِنفت

ای بسا شاعر که اندر عمر خود نظمی نساخت

وی بسا ناظم که اندر عمر خود شعری نگفت (۱)

۷. شعر خوب

سرودن شعر، لحظه جذبه و شور می خواهد؛ شاعری، با اصرار و الحاح نیست. گاه این حالت جذبه، مدت ها سراغ شاعر نمی آید و او شعری نمی سراید. شعر، خود می آید و به زور نمی توان شعر سرود. به همین دلیل است که گاه شعری کوتاه، اثرگذار می شود و زمانی هزاران بیت شعر، پشیزی نمی ارزد. استاد فروزانفر در مورد ویژگی شعر حقیقی معتقد است: «صفت کلام و شعر حقیقی این است که در خواننده تأثیر کند و خواننده را به عالم شعر ببرد». (۲)

نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله، یکی از مقاله های چهارگانه این کتاب را به شعر اختصاص داده و حکایت هایی درباره آن آورده است.(۳) او در این کتاب در مورد شاعر و شعر خوب می نویسد:

اما شاعر باید که سلیم الفطره،(۴).عظیم الفکره:(۵)صحیح الطبع:(۶) :جیدالرّویه (۷)

ص: ۲۰

۱- محمدتقی بهار، دیوان ملک الشعرای بهار، تهران، آزادمهر، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۱۰۵۹.

۲- مقاله های بدیع الزمان فروزانفر، مقدمه: عبدالحسین زرین کوب، به کوشش: عنایت الله مجیدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۳۵۴.

۳- این چهار مقاله از این قرار است: مقاله اول دبیری، مقاله دوم شعر، مقاله سوم نجوم، و مقاله چهارم طب.

۴- سلیم الفطره: پاک سرشت.

۵- عظیم الفکره: بزرگ اندیشه.

۶- صحیح الطبع: درست قریحه.

۷- جیّدالرّویّه: نیکو تفکر و تأمّل.

جیّدالرّویّه: (۱)ن [و] دقیق النظر(۲)باشد. در انواع علوم، متنوع(۳) باشد و در اطراف رسوم،(۴) مستطرف؛ (۵)زیرا چنان که شعر در علمی به کار همی شود، هر علمی در شعر به کار همی شود. و شاعر باید که در مجلس محاورت،(۶) خوش گوی بُوَد و در مجلس معاشرت،(۷) خوش روی. و باید که شعر او بدان درجه رسیده باشد که در صحیفه روزگار، مسطور (۸)باشد و بر السنه احرار، مقروء، (۹)بر سفائن (۱۰)بنویسند و در مدائن(۱۱) بخوانند که حظّ اوفر(۱۲) و قسم افضل (۱۳)از شعر، بقاء اسم است و تا مسطور و مقروء نباشد، این معنا به حاصل نیاید. و چون شعر بدین درجه نباشد، تأثیر او را اثر نَبُود و پیش از خداوند خود بمیرد، و چون او را در بقاءِ خویش اثری نیست، در بقاء اسم دیگری چه اثر باشد؟ (۱۴)

ملك الشعرای بهار نیز درباره شعر خوب و بد می نویسد:

هر شعری که شما را تکان ندهد، به آن گوش ندهید... تا شما را یک هیجان و حسی حرکت ندهد، بیهوده شعر نگویید... . شاعر آن است که در وقت تولّد، شاعر باشد. به زور علم و تتبع نمی توان شعر گفت. تقلید الفاظ

ص: ۲۱

۱- جیّدالرّویّه: نیکو تفکر و تأمّل.

۲- دقیق النَّظر: باریک بین.

۳- متنوع: صاحب نظر.

۴- رسوم: سنت ها

۵- مستطرف: آگاه

۶- محاورت: گفت و گو.

۷- معاشرت: هم نشین.

۸- مسطور: نوشته شده

۹- بر السنه احرار مقروء: بر زبان آزادگان خوانده شود.

۱۰- سفائن: کشتی ها.

۱۱- مدائن: شهرها.

۱۲- حظّ اوفر: بهره تمام.

۱۳- قسم افضل: بخش مهم.

۱۴- نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، به اهتمام: محمد معین، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۶، چ ۱۰، صص ۴۸ و ۴۹.

و اصطلاحات بزرگان و دزدیدن مفردات و مضامین مختلفه مردم و با هم ترکیب کردن، کار زشت و نالایقی است و نمی شود نام آن را شعر گذاشت. کسی که طبع ندارد، کسی که از کودکی شاعر نیست، کسی که اخلاق او از مردم عصرش عالی تر و بزرگوارتر نیست و بالاخره کسی که هیجان و حس رقیق و عاطفه تکان دهنده ندارد، آن کس نمی تواند شاعر باشد، ولو مثل قاآنی، صد هزار شعر بگوید یا مثل فتحعلی خان صبا، چند کتاب پر از شعر از خود به یادگار بگذارد. (۱)

جالب اینکه گوته، شاعر پرآوازه آلمانی نیز در کلامی زیبا، درباره جاودانگی شعر شاعران، چنین می نویسد:

پس بدانید که سخن شاعران، پیوسته تا در آستانه بهشت بر می شود و در تمنای زندگی جاوید، آهسته بر در می کوبد. (۲)

منوچهری هم درباره شعر خوب سروده است:

شعر ناگفتن بِهْ از شعری که باشد نادرست

بچه نازادن به از شش ماهه بفکندن جنین (۳)

۸. شعرهای مرتبط با دین

اشاره

ادبیات را از نظر شکل و قالب، به دو قسم شعر و نثر و از نظر محتوا و مضمون، به شش دسته ادبیات غنایی، ادبیات تعلیمی، ادبیات حماسی، ادبیات نمایشی، ادبیات داستانی و ادبیات عامه پسند تقسیم کرده اند. (۴)

ص: ۲۲

۱- . بهار و ادب فارسی، ج ۱، ص ۱۷.
۲- . یوهان ولفگانگ فون گوته، دیوان غربی ـ شرقی، برگردان: محمود حدادی، تهران، بازتاب نگار، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۰.
۳- . دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲، چ ۵،
۴- نک: سید رضا باقریان موحد، میراث ادبی علمای شیعه: برگزیده متون نظم و نثر، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۱۱ و ۱۲.

شعر هم از نظر شکل و قالب، به اقسامی مانند مثنوی، قصیده، غزل، قطعه، مسمّط، مستزاد، ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی، دوبیتی و نیز قالب های آزاد، مثل شعر نو نیمایی و شعر سپید،(۱) و از نظر معنا و محتوا، به چهار دسته نوع حماسی، رزمی یا قهرمانی؛ نوع غنایی، بزمی یا تغزّلی؛ نوع تعلیمی و نوع نمایشی، تمثیلی و وصفی تقسیم می شود. (۲)

در طول تاریخ، در هر کدام از شکل ها و قالب های پیش گفته و نیز معناها و محتواهایی که برشمردیم، شعرهایی با مضامین دینی سروده شده است؛ مثل شعر مذهبی، مرثیه مذهبی، مدیحه مذهبی، شعر پایداری، شعر اخلاقی. اکنون به چند گونه از آنها اشاره می کنیم.

الف) شعر مذهبی

مذهب تشیع، ادبیات و شعر خاص خود را پدید آورده است. «بعد از ماجرای سقیفه بنی ساعده، به موجب بعض روایات، دوازده تن از اجلّه صحابه...طی بیاناتی مستدل، علناً با خلافت ابوبکر مخالفت و از علی(ع) جانبداری کردند. نطق های ایشان و اشعار احتجاج آمیز سایر مهاجران و انصار در این باره، فصل نخستین تاریخ ادبیات تشیع را تشکیل می دهد». (۳)

طُرفه آنکه شاعران شعر شیعی، مورد توجه پیشوایان معصوم(ع) نیز بوده اند. «از عواملی که موجب شد شاعران شیعی مورد عنایت و توجه

۱- . نک: حسین رزمجو، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، چ ۲، صص ۲۱ _ ۴۵.
۲- . نک: همان، ص ۴۸؛ محمدرضا روزبه، ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران، روزگار، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۱۵.
۳- دایره المعارف تشیع، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، انتشارات شهید سعید محبی، ۱۳۷۵، چ ۳، ج ۲، ص ۳۵، واژه «ادب شیعه».

ائمه و بزرگان دین قرار گیرند، موضع گیری های فکری و سیاسی ای بوده که شاعران در شعرشان علیه دستگاه اموی و عباسی داشته اند. هم ازاین روست که حاکمان در برابر شعر مذهبی واکنش نشان می دادند». (۱)

علامه امینی در کتاب شریف الغدیر، حدود سی صفحه به بررسی این نوع شعر اختصاص داده، (۲)و استاد محمدرضا حکیمی، آن مطالب را چنین خلاصه کرده است:

[شعر مذهبی،] شعری است که سرشار است از معارف قرآن و سنت، همراه با پندها و حکمت های عالی و یادآوری های اخلاقی، به جز دیگر فنون ادبی و مواد لغوی و نهادهای تاریخی ... شعر مذهبی، آرمان هایی دارد که مهم ترین عنصر شعر شاعران پیشین شیعه را تشکیل می دهد؛ یعنی استدلال درباره تشیع و فراخواندن جامعه به حق و پراکندن فضایل و مناقب والای آل الله و سرایت دادن اخلاق و روحیات ائمه طاهرین به جان ها و روان ها به صورتی جذّاب و سبکی بدیع به زبان شعر، تا با ارواح درآمیزد و جان ها و خردها را زیر تأثیر تربیتی گیرد. (۳)

به طورخلاصه، درباره شعر مذهبی می توان گفت:

یک _ اقلیت شیعه، همواره حق خود را غصب شده می پنداشته است. ازاین رو، روحیه حماسی و انقلابی در این نوع شعر موج می زند. (۴)

دو_ شاعران شیعی برای رسیدن به هدفی تلاش می کنند و می کوشند باورهای مذهبی خود را در این شعر بازتاب دهند. آنها قلم و فکر خود را برای صورت پردازی به کار نمی اندازند. (۵)

۱- مقاله «کوتاه درباره شعر دینی»، جام جم، ۲۳/۸/۱۳۷۹.

۲- نک: عبدالحسین امینی نجفی، الغدیر، برگردان: محمدتقی واحدی، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، تابستان ۱۳۶۲، چ ۲، صص ۸ _ ۴۱.

۳- محمدرضا حکیمی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۱.

۴- نک: دایره المعارف تشیع، ج ۲، واژه «ادب شیعه»، ص ۳۷.

۵- همان.

سه ــ از مضامین عمده شعر شیعه، مسئله خلافت و ولایت امام علی(ع) و شرح آیات و احادیثی است که جانشینی آن حضرت را اثبات می کند. (۱)

چهارــ از ویژگی های این گونه شعر، جنبه های نیرومند عاطفی، به ویژه در مورد مصایب اهل بیت(ع)، واقعه طَف و نیز مدح هایی است که در مواقع جشن و سرور شیعیان می سرودند.(۲)

ب) مدیحه مذهبی

مدیحه، در لغت به معنای «ستایش» است (۳)و در اصطلاح، «شعری ستایش آمیز است که موضوع آن می تواند شخص، گروه، بانیان حکومت، یا حتی یکی از حالات و خلقیات نفسانی انسان باشد». (۴)

مدح بر دو قسم است: مدیحه درباری و مدیحه مذهبی. «در مدیحه مذهبی، شاعر به ستایش مناقب و مکارم حضرت رسول ختمی مرتبت(ص) و امامان معصوم(ع) می پردازد. این قسم مدیحه، در دوره های نخستین شعر و شاعری و به طورکلی، در دوره قبل از مغول و حتی در شعرای متوسط، زیاد معمول و مرسوم نبوده است. درعین حال، گاه شعرای متقدم، مثل ناصرخسرو یا سنایی هم به مدح روی می آوردند. به طورکلی، مدیحه مذهبی از قرن نهم هجری به ویژه در دوره صفوی رواج یافت». (۵)

۱- همان، ص ۳۸.
۲- نک: محمد علی تسخیری، مقاله: «شعر انقلابی پس از صدر اسلام»، کیهان فرهنگی، ش ۲۰۵، آبان ۱۳۸۲، ص ۵۵.
۳- مهشید مشیری، فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش، ۱۳۷۸، چ ۳، ص ۹۷۷.
۴- سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۴۳۱.
۵- نک: همان، صص ۴۳۲ و ۴۳۳.

از دیگر مدیحه های مذهبی، چاووش خوانی، مولودیه ها، غدیریه ها و اشعاری است که در ستایش اعیاد و شخصیت های دینی و بارگاه و فرزندان آنها سروده می شود.

ج) مرثیه مذهبی (شعر شهادت)

مرثیه، در لغت به معنای «نوحه سرایی» است (۱)و در اصطلاح، «شعری است که در ماتم درگذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسّف بر مرگ شاهان و بزرگان و سران قوم و ذکر مصایب پیشوایان دین سروده شده باشد». (۲)

مرثیه بر سه قسم است: مرثیه تشریفاتی، درباری و رسمی؛ مرثیه شخصی و خانوادگی و مرثیه مذهبی که به آن شعر شهادت نیز می گویند. «شعر شهادت، نمونه اعلای مرثیه سرایی در ادب پارسی است. در این شعر، فرض بر آن است که خواننده، با رخداد آشناست و وظیفه شاعر در این میان، تحریک عواطف و احساسات خواننده است تا اشک و اندوه وی، زمینه ساز توجه هرچه بیشتر وی به پاکی، بی گناهی و حقانیت خاندان پیامبر باشد و در رسیدن به این هدف، زمین و آسمان را در خدمت شعر می آورد». (۳)

د) شعر عرفانی

این نوع شعر، «شاخه ای از شعر فارسی دری است که به وسیله شاعران عارف، یا عارفان شاعر، تحت تأثیر مشرب تصوف به وجود آمده است. شعر عرفانی، به بیان حال و عوالم خاص عارفان یا شرح اصول یا تفسیر یا

۱- فرهنگ زبان فارسی، ص ۹۸۰.

۲- فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۴۳۴.

۳- منوچهر اکبرلو، «دارم اندر دست، خونین جامه ای؛ نگاهی اجمالی به مرثیه سرایی در ادب پارسی»، جوان، ۸/۱/۱۳۷۸.

تأویل افکار آنان اختصاص دارد.»[(۱)] در شعر عرفانی، «آنچه شاعر می گوید، ثمره الهامات و واردات قلبی است و این، یکی از وجوه تشابه شعر حقیقی و عرفان است». [(۲)]

استاد شهید مطهری در کتاب عرفان حافظ، در مورد مصداق های شعر عرفانی در زبان فارسی می نویسد:

البته دواوین عرفانی در شعر فارسی،... به آن معنا که گوینده واقعاً مرد عارفی بوده و ادراکات و احساسات عارفانه خود را در شعرش منعکس نموده،... زیاد نیست؛ غالباً مقلدند تا عارف، ولی البته هست. دیوان عطار، مسلّم دیوانی عرفانی است. اشعار عراقی، اشعاری است عرفانی. دیوان مغربی، دیوانی عرفانی است و از همه معروف تر و شاخص تر، دو دیوان است در زبان فارسی: یکی، دیوان مثنوی و دیگری، دیوان حافظ. [(۳)]

ه_) حماسه دینی

حماسه، در لغت به معنای «دلیری، شجاعت و پهلوانی» است[(۴)] و در اصطلاح، «نوعی شعر است که از دلاوری های رزم آوران سخن می گوید.»[(۵)] حماسه را به سه قسم تقسیم می کنند: حماسه های اساطیری و پهلوانی؛ حماسه های تاریخی و حماسه های دینی که به زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی مربوط است.[(۶)]

«چنان که از آثار شیعه در قرن ششم برمی آید، دسته ای خاص به نام مناقب خوانان یا مناقبیان، ظاهراً از عهد آل بویه به بعد، قصاید و اشعاری در

۱- واژه نامه هنر شاعری، ص ۱۵۳.

۲- شهریار زرشناس، مقاله «شعر، زبان ملکوت»، کیهان فرهنگی، بهمن ۱۳۷۸، ش ۱۶۰، ص ۱۲.

۳- . مرتضی مطهری، عرفان حافظ (تماشاگه راز) مباحثی پیرامون شناخت واقعی خواجه حافظ، تهران، صدرا، زمستان ۱۳۶۹، چ ۷، ص ۱۵.

۴- فرهنگ زبان فارسی، ص ۳۷۴.

۵- همان.

۶- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۵۷.

ذکر مناقب امامان شیعه می خواندند و مردم بر گرد آنها اجتماع می کردند و به اشعاری که می خواندند، گوش فرا می دادند. همراه این مناقب ها، حکایاتی هم نقل می شد که در آنها، از شجاعت های حضرت علی(ع) سخن می رفت. این کار، مقدمه ایجاد داستان های قهرمانی و منظومه های حماسی دینی درباره ایشان گردید».(۱)

و) شعر پایداری

بشر در طول تاریخ حیات خویش بر روی کره خاکی، همواره با یکی از سه عامل طبیعت، حکومت یا دشمن بیگانه، در حال نزاع و کشمکش بوده است. این تلاش ها، اندک اندک نوعی ادبیات و شعر را به وجود آورد. شاعر معاصر، عبدالجبار کاکایی در مورد این گونه شعر می نویسد:

شعر پایداری به شعری اطلاق می شود که محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه ای از تجاوز طبیعت بشری است. بدون شک، نام این رویداد عظیم، «جنگ» است، اما جنگ، تنها بستر شعر پایداری نیست. به بیانی دیگر، واقعیت این است که موضوعات پایداری و مفاهیم شعر مقاومت، دلالت عام در زندگی بشر دارد و دوره های خاصی از نزاع انسان با طبیعت، حکومت و بیگانه را شامل می شود. (۲)

در جوامع دینی، گاه پدیده پایداری، با باورهای مقدس دین باوران گره می خورد و بدین سان، معادله ساده حق و باطل و خیر و شر سر بلند می کند. دراین حال، رزمندگان از مرگ نمی هراسند و جانانه در برابر هر دشمنی می ایستند. نمونه هایی از این ایستادگی را در ادبیات انقلاب اسلامی ایران و ادبیات ضد اسرائیلی، در شعر شاعرانی چون

ص: ۲۸

۱- همان، صص ۶۲ و ۶۳

۲- عبدالجبار کاکایی، مقاله: «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۰.

نزار قبّانی، محمود درویش و دیگر شاعران مبارز عرب به عیان می توان مشاهده کرد.

ز) شعر اخلاقی

شعر اخلاقی، شعری است که دعوت به پاکی ها و زیبایی ها را اساس کار خویش قرار می دهد و در کنار آن، انسان ها را از ناپاکی ها و زشتی ها بازمی دارد. در حقیقت، مهم ترین ویژگی معنوی شعر، اخلاقی بودن آن است و اساساً بدون این ویژگی، شعرهای مذهبی و عرفانی و پایداری شکل نخواهد گرفت و از مضمون هایی درست برخوردار نخواهد شد. ملک الشعرای بهار در تعریف اشعار اخلاقی چنین می نویسد:

اشعار اخلاقی، اشعاری هستند که تشویق و ترغیب به پیروی از اصول خوب، احساسات سالم، حُرّیت افکار و آزادی عقیده، وطن پرستی و شرافت دوستی، راستی و نیکوکاری و اجتناب از صفات رذیله بنماید. (۱)

۹. مفهوم شناسی جُنبش

اشاره

در این قسمت، به تعریف جنبش و نیز انواع، ویژگی ها، مراحل، کارکردها و اهداف آن می پردازیم.

۱- بهار و ادب فارسی، ج ۱، صص ۶ و ۷.

الف) تعریف جنبش

«جنبش، حرکت یا رفتار گروهیِ نسبتاً منظم و بادوام، برای رسیدن به هدف اجتماعی ـ سیاسی معیّن و بر اساس نقشه معیّن است که می تواند انقلابی یا اصلاحی باشد». (۱)

ب) انواع جنبش

جنبش ها، انواع گوناگونی دارند که در این بحث، به تعریف جنبش اجتماعی و نیز دو جنبش از زیرمجموعه های آن؛ یعنی جنبش انقلابی و جنبش دینی بسنده می کنیم.

یک ـ جنبش اجتماعی: کوشش جمعی که برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعیِ خارج از حوزه نهادهای رسمی عمل می کند. (۲)

دو ـ جنبش انقلابی: جنبشی که می کوشد بنیان نظام موجود جامعه را درهم بریزد و نظام اجتماعی جدید را جای گزین آن سازد. (۳)

سه ـ جنبش دینی: نهضت اجتماعی که هدف دینی داشته باشد. (۴)

ج) ویژگی های جنبش

همه جنبش ها، سه ویژگی مشترک دارند:

یک ـ مشخص بودن هدف؛

دو ـ داشتن برنامه هایی برای رسیدن به این اهداف؛

سه ـ ایدئولوژی (مسلک). (۵)

۱- علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۳۶۹.

۲- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، برگردان: منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۹، چ ۶، ص ۶۷۹.

۳- بروس کوئن، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، بهار ۱۳۷۶، چ ۸، ص ۴۲۱.

۴- فرهنگ علوم سیاسی، ص ۴۹۸.

۵- مبانی جامعه شناسی، ص ۴۰۴.

د) مراحل جنبش

هر جنبشی، چهار مرحله دارد:

یک ــ مرحله ناآرامی (نارضایتی عمومی که می تواند سال ها ادامه یابد)؛

دو ــ مرحله برانگیختگی (جمع شدن مردم و به پاخاستن رهبران و دادن آگاهی)؛

سه ــ مرحله قالب ریزی (ظهور ساختار سازمان یافته رسمی یا سلسله مراتبی از مسئولان و بیان ایدئولوژی برای اعضا)؛

چهار ــ مرحله نهادی شدن (ایجاد نوعی دیوان سالاری در جنبش و جای گزینی افراد منضبط و حرفه ای به جای شخصیت های فرهمند پیشین). (۱)

ه ــ) کارکرد جنبش

جنبش ها معمولاً سه کارکرد دارند:

یک ــ کارکرد رابط یا میانجی بودن بین افراد و ساخت های اجتماعی (شناساندن آنها و وسیله ارتباطی مؤثر در مشارکت عمومی بودن)؛

دو ــ کارکرد ایجاد و بالابردن آگاهی های جمعی (بالا بردن شعور جمعی سیاسی)؛

سه ــ کارکرد ایجاد فشار بر نخبگان قدرت که مهم ترین کارکرد جنبش به شمار می آید. (۲)

۱ــ نک: همان، ص ۴۱۱.

۲ــ نک: گی روشه، تغییرات اجتماعی، برگردان: منصور وثوقی، تهران، نی، ۱۳۷۹، چ ۱۰، صص ۱۳۳ ــ ۱۳۵.

و) اهداف جنبش

هـدف همه جنبش ها، برانداختن حکومت، انقلاب و مانند آن نیست. گاه جنبش ها، مسائل بسیار خرد و کوچک، مثل ممنوع بودن سقط جنین(۱) را در نظر می گیرند و برای رسیدن به هدف تلاش می کنند. «اهداف جنبش ها بسیار است و برای مثال، می تـوان از دگرگونی یـا واژگـونی نظم موجود، تـا موضـوع منع مجـازات اعـدام یـا منع اسـتفاده از سـلاح اتمی را برای آن برشمرد». (۲)

۱۰. رابطه شعر و جنبش

فیلسوفـان اجتماع بر این عقیـده انـد که انسان، ذاتاً اجتماعی است و به تنهایی نمی توانـد روزگار بگذرانـد. (۳)این زندگی در جمع، در جنبه هـای گونـاگون رفتـار سیاسـی و اقتصادی، آدمی نمود پیـدا می کنـد. در این میان، گاه به دلایل مختلف، انواع جنبش های انقلابی در جوامع پدیـد می آید و زندگی انسان ها را دسـتخوش تغییر می کند. نمونه آن، بعثت رسول خدا(ص)، انقلاب صـنعتی در اروپا یا انقلاب اسـلامی در ایران است که در تغییر یافتن شـیوه زنـدگی مردم بر اثر این جنبش ها نمی توان تردید کرد.

این جنبش های اجتماعی که گاه رنگ دینی نیز می یابد، زندگی تک تک افراد بشـر را دگرگون می کند و بر افکار و عقاید آنها تأثیر می گذارد. در این میان، شاعران نیز که در بعضـی زمان ها، گروه های تأثیرگذاری در جوامع به شمار می آمده اند، از دایره این تغییرات بیرون نیسـتند و زندگی و افکار آنها نیز دسـتخوش دگرگونی می شود و این دگرگونی در شعرشان نمود می یابد. (۴)

۱- نک: جامعه شناسی، ص ۶۸۱.

۲- نک: تغییرات اجتماعی، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۳- برای آگاهی از منشأ اجتماعی از دیدگاه فیلسوفان اجتماع اسلامی و غیر اسلامی، نک: گروهی از نویسندگان، مبانی جامعه شناسی، تهران، سمت، زمستان ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۲۵۵ _ ۲۹۸.

۴- نمونه آشـکار این تغییر، نزار قبّانی (۱۹۲۳ _ ۱۹۹۸) شـاعر سـوری است که پیش از شـکست اعراب از اسـرائیل در جنگ ۱۹۶۷ _ بر اثر آنکه عمده شعرهایش درباره زن و ویژگی های احساسی و فیزیکی او بود _ شاعر زن لقب داشت، ولی پس از آن، به شـعر سیاسـی و انقلابـی روی آورد و شاهکارهـایی چون بلقیس را آفریـد. برای آشـنایی بیشتر بـا او، نـک: محمدرضـا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، تهران، توس، خرداد ۱۳۵۹، صص ۹۶ _

برای نمونه، پس از بعثت پیامبر اعظم(ص)، دوگانگی محسوسی میان شاعران عرب ـ که از تأثیرگذارترین افراد در میان آنها به شمار می آمدند ـ به وجود آمد. گروهی به مخالفت با آیین جدید و هجو رسول خدا(ص) پرداختند و عده ای نیز ایمان آوردند و با عنوان شاعر اسلام، به دفاع از آیین جدید مشغول شدند؛ به طوری که گاه حضرت رسالت(ص) درباره بعضی از ایشان می فرمود که از سوی جبرئیل یاری می شوند. (۱)

این شاعران، سهم بسیار مهمی در استواری جامعه نوپای اسلامی ایفا می کردند؛ زیرا در آن محیط بیگانه با دانش، اشعار شاعران که به راحتی از سوی مردم حفظ و منتشر می شد و در خاطره ها می ماند، وسیله گسترش آیین جدید را فراهم می آورد و پیام روح بخش و آسمانی آن را به همگان می رساند.

به هرحال، می بینیم که شعر، این هدیه آسمانی حضرت حق به شاعر، با رویدادهای اجتماعی بیگانه نیست و همراه با هر تغییر در جامعه، تغییری

۱- مانند این حدیث درباره حسان بن ثابت: «عن عائشه قالت: سَمِعتُ رسول الله(ص) یقول لحسّان: انَّ روح القُدُس لا یزال یُؤیِّدک مانا فَحتَ عن رسول الله؛ عایشه گوید: شنیدم که پیامبر خدا(ص) به حسان بن ثابت فرمود: همانا جبرئیل همیشه تو را تأیید می کند، تا وقتی از رسول خدا(ص) دفاع می کنی و رویاروی مشرکان قرار می گیری». صادق احسان بخش، آثار الصادقین، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، تابستان ۱۳۶۹، چ ۱، ج ۹، ص ۴۱۶، ش ۱۳۵۹۶.

محسوس، ماندگار و تأثیرگذار در آن دیده می شود. ازاین روست که دکتر پرویز ناتل خانلری، در مورد ارتباط هنرمند و اجتماع می نویسد:

هنرمند، پیش از آنکه هنری بنماید، عضو اجتماع است و ناچار از سود و زیان جامعه سهمی می برد. پس نمی تواند ادعا کند که با امور و حوادث اجتماعی ارتباط ندارد و این ارتباط، خواه ناخواه در آثار او به وجهی ظاهر می شود. (۱)

ص: ۳۴

۱- پرویز ناتل خانلری، هفتاد سخن، تهران، توس، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱، ص ۵۹.

فصل دوم: جایگاه و چیستی شعر دینی

۱. جایگاه شعر و شاعری در دین اسلام

الف) شعر جاهلی

آدمی برای ابراز شادکامی ها، مصیبت ها، دلاوری ها و دیگر مسائل خود، به ناچار به شعر پناه می برد و عرب جاهلی هم از این قاعده بیرون نبود. او نیز شعر می سرود، ولی شعرش آب و رنگی دیگر داشت. استاد محمدرضا حکیمی درباره اهمیت شعر در آن دوران و نیز جایگاه والای شاعران نزد عرب جاهلی می نویسد:

دین اسلام در سرزمینی ظهور کرد شعرپرور و شاعرخیز. قوم عرب در سخن و سخنوری چیره دست بود؛ در سخن شناسی، توانا بود و به شعر و شاعری قدر فراوان می نهاد. شاعرانی که مقارن ظهور اسلام در جزیره العرب می زیستند، از اهمیت شایانی بهره مند بودند و در نزد قوم خویش، گران مایه و عزیز، روزگار می گذراندند. (۱)

عرب بدوی صبحگاهان که از خواب برمی خاست و چشم می گشود، چیزی جز بیابان شن و رمل و ماسه و گاه گَوَن های خشکیده نمی دید. ازاین رو، هرچه در نظرش می آمد، طبیعت محض بود. پس شعرش نیز در نهایت سادگی و پیراستگی به نظر می آمد. به همین دلیل، ادب جاهلی که ثمره اندیشه، عاطفه و خیال او بود، رنگ صحرا داشت.

به طورکلی، شعر دوران جاهلیت، از پنج ویژگی بهره می برد:

۱. جنگ و انتقام جویی؛

۱- محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۴۱.

۲. عشق به زن، در مقام محبوب و معشوق؛

۳. وصف مُسکرات و شراب؛

۴. وصف مفاخر قبیله ای؛

۵. هجو دشمنان.

در آن زمان، شاعر، زبان توانای قوم و قبیله خود به شمار می آمد. عرب جاهلی، روحیه جنگاوری، خشونت، بی قراری و همیشه درگیری داشت و در این میان، وظیفه شاعر، وصف دلاوری های قهرمانان قبیله و هجو کردن و منفور جلوه دادن هر آن کس بود که با قبیله شان دشمنی می کرد. البته روشن است که این مسئله، از تعصب جاهلی، پیروی و دفاع کورکورانه از سران قبیله و نیز دور بودن آنها از مظاهر اخلاق، سرچشمه می گرفت.

پس می بینیم که تعهد و والایی، هیچ جایگاهی میان شاعران عصر جاهلی نداشت و آنها به این گونه مسائل بی توجه بودند. در این میان، خورشید عالم آرای اسلام، در اوج شکوفایی این نوع شعر تابش آغاز کرد و با این بی بندوباری های فکری و رفتاری به مبارزه برخاست و شعر اصیل و موردپسند دین مبین محمدی(ص) را معرفی کرد.

ب) شعر در قرآن

خداوند در قرآن کریم، دو نوع برخورد متفاوت با شعر و شاعری دارد: گروهی از آنها را که شعرشان حاصل الهام ربّانی است، تأیید می کند و شعرشان را می ستاید، و گروهی دیگر را که شعرشان از الهام شیطانی سرچشمه می گیرد، گمراه می داند و از مردمان می خواهد از ایشان پیروی نکنند:

ص: ۳۶

وَ الشُّعَراءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغاوُونَ. أ لَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فی کُلِّ وادٍ یَهیمُون. وَ أَنَّهُمْ یَقُولُونَ ما لا یَفْعَلُونَ. إلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ ذَکَرُوا اللَّهَ کَثیرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا. (شعرا: ۲۲۴ _ ۲۲۷)

و از شاعران، گمراهان پیروی می کننـد. آیا نمی بینی که آنان در هر درّه ای سـر گردانند؟ و چیزهایی می گویند که خود نمی کننـد؟ جز آنان که ایمان دارنـد و کارهای شایسـته انجام می دهنـد و خداوند را بسـیار یاد می کنند و پس از آنکه سـتم دیده باشند، داد می ستانند.

«شـعر و شاعران در این آیات، هم به صورت نفی ای و هم به صورت اثباتی مطرح شـده اند. خداوند، از سویی پراکنده گویان و لغوسـرایان سـرگردان و مـدعیان بی عمل را که جز گمراه کردن و به ضـلالت و خسـران افکنـدن ساده لوحان هنری ندارند، سخت ملامت فرموده و از سـوی دیگر، شـاعران مؤمن و صالـح و ذاکر و دادخواه را سـتوده است». (۱)پس شاعر الهی کسـی است که:

۱. ایمان داشته باشد؛

۲. عمل نیک انجام دهد؛

۳. بسیار به یاد خدا باشد؛

۴. ظلم ستیزی کند و از دادخواهی در برابر ستمگران نهراسد.(۲)

آیه «وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا» می توانـد به جنبش آفرین بودن شـاعران مورد نظر قرآن در عرصه های اجتماعی و سیاسـی اشاره داشته باشد؛ چرا که

۱- معظّمه اقبالی(اعظم)، شعر و شاعران در ایران اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۶۶، چ ۲، ص ۲۲.

۲- نک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، درالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶، چ ۱۶، ج ۱۵، ص ۳۷۹.

دادستانی از ستمگر ــ که از جمله در قالب شعر نمود می یابد ــ نوعی جنبش اساسی است که در این آیه شریفه به عنوان یکی از ویژگی های چنین شاعرانی بیان شده است. پس می بینیم که دین اسلام، مخالف شعر و شاعری نیست، بلکه با شعری سر ناسازگاری دارد که با مطرح کردن مفاهیم پست دنیایی، درصدد به ابتذال کشیدن مردمان است. ازاین رو، مبارزه اسلام با مفاهیم شعر بود، نه خود شعر. اسلام با نمودهای بی عفتی و شراب خواری جنگید، شراب را از بین برنده عقل دانست و تحریمش کرد و به زن که در شعر جاهلی به بازیچه تبدیل شده بود، ارزش داد. به همین دلیل، استاد شهید مطهری، ازاین گونه شعرها که اسلام با آن مخالف است، با عنوان «تخیّل بافی» نام می برد و می نویسد:

قرآن، با شعر به معنای آن تخیل بافی ها که فقط یک وسیله تخدیر و سرگرمی برای افراد بشر است، موافق نیست. به عبارت دیگر، اسلام با شعر تخیّلی و شعرهایی که صرفاً جنبه سرگرم کنندگی و در واقع جنبه تخدیری و جنبه انسان فاسدکنی دارد، موافق نیست. ولی پیغمبر فرمود: انَّ مِنَ الشِّعرِ لَحِکمَه. اسلام با کلام منظوم مخالف نیست. ممکن است در شعری حکمت باشد. آن وقت، آن شعر، شعر به آن معنا نیست. قرآن، شعرا را مذمّت می کند؛ همان شعرایی که در آن زمان بودند و در اغلب زمان ها، شعرا، همان جور هستند و در میان آنها، افراد معدودی مثل اقبال لاهوری، شاعر مسلکی پیدا می شود که شعر را در خدمت هدف خودش قرار داده، نه اینکه آن را به عنوان یک هنر، هرجا که شد، مصرف کند. قرآن می گوید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فی کُلِّ وادٍ یَهیمُونَ». در وادی های مختلف حیرانند؛ یک روز مدح این، یک روز مدح آن، یک روز در این موضوع، یک روز یک چیزی را مدح می کند، روز دیگر همان چیز را مذمّت می کند، که مظهر تامّ و تمام بی مسلکی است. ولی «الّا الّذین آمَنُوا»، مگر شُعرای باایمان و به قول

ما، مسلکی و هدفدار که شعرشان در خدمت ایمانشان است.(۱)

یکی از دانشمندان نیز دراین باره می نویسد:

ای شاعر! اگر بزرگی، آرمان توست، عزت با خویشتن داری ات آغاز می شود؛ زیرا شعر، بخشی از وجود شاعر است، و آنچه اوست، سازنده شعرش است. با شخصیت راستین، شعر راستین زاده می شود؛ پس تو ای شاعر! آیین درست رفتاری بیاموز. از خودکامگی بپرهیز؛ چه، آن نابودکننده استعداد توست. اگر توانگری تو را به طعامی دعوت کرد، مغرور باش و آن را رد کن و الهه هنرت را در میان ستایشگران مزدور یا یاوه سرایان بیکار میفکن. ای شاعر! از طریق آموختن از خردمندان، روان خود را درست رفتاری بیاموز و بگذار منطق و استدلال فکری، برنامه کار و راه گشایت باشد. (۲)

ج) شعر در کلام معصومان

اشاره

پیامبر اعظم(ص) و پیشوایان دین، به شعر اهمیت بسیار داده اند و برای شاعران توانا و متعهد، ارزشی ویژه قایل بوده اند. علامه امینی می گوید:

به برکت قرآن و سنت، گروهی شاعر در میان صحابه پیامبر به هم رسیدند که در جلو چشم پیامبر اکرم۹ به دفاع از اسلام می پرداختند. اینان مانند شیران ژیان، در جان و عرض شرک و ضلال می افتادند و مانند بازهای شکاری، دل ها و گوش ها را صید می کردند. آنها با شمشیر شعر و تیر سخن از مبادی اسلام دفاع می کردند و با زبان در راه خدا جهاد می نمودند. این روح اسلامی که از شعر متعهد ایشان می تراوید و دل و جان افراد جامعه را تسخیر می کرد، در اندیشه ها راه می یافت و آنها را می ساخت و با افکار درمی آمیخت. این تأثیر تا آنجا بود که زنان شاعره مسلمان را نیز تحت نفوذ قرار داد و آنان را بسیج کرد تا با شعرهای استوار و زیبایی خویش، از حوزه آرمان و فکر و حماسه اسلام حمایت کنند. (۳)

۱- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، پاییز ۱۳۷۴، چ ۲۶، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.
۲- حسن شهباز، سیری در بزرگ ترین کتاب های جهان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، چ ۴، ج ۳، صص۲۰۶ و ۲۰۷.
۳- عبدالحسین امینی نجفی، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ هـ . ق، ج ۲، صص ۱۶ و ۱۹.

استاد حکیمی نیز درباره جایگاه شعر نزد امامان معصوم(ع) و عالمان شیعه می نگارد:

امامان نیز هر کدام، گروهی شاعر زبده داشته اند و به اهمیت و تأثیر نفوذ شعر توجه می کرده و توجه می داده اند. چنان که از جمله نوشته اند امام جعفر صادق(ع) به شیعه دستور داد شعر شاعر شیعی، سفیان عبدی را به کودکان و نوجوانان بیاموزید تا از سال های کودکی و آغاز سن، شور دینی و حماسه اعتقادی در وجود آنها زنده شود.

عالمان بزرگ نیز مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی، سید رضی و...، درباره شعر کتاب ها نوشته و کارها کرده اند. آیا تفسیر تبیان شیخ الطایفه، طوسی، حاکی از این نیست که بنیان گذار حوزه علمی نجف و عالم بزرگ شیعه و نویسنده کتاب های فقه و دعا، یکی از بزرگ ترین شعردانان و شعرشناسان سده پنجم است؟ آیا کتاب بزرگ مناقب ابن شهرآشوب، سراسر، آکنده از شعر مذهبی نیست. (۱)

به هر حال، احادیث پیشوایان معصوم(ع) را در مورد شعر و شاعری، به چند دسته می توان تقسیم کرد:

یک ـ شعر متعهد

در بعضی احادیث، معصومان، به ستایش شعر مورد نظر پرداخته اند. طرفه آنکه این ستایش ها، گاه درباره بعضی از اشعار زمان جاهلیت نیز دیده می شود که مضامین بلندی در آنها وجود دارد:

 رسول خدا(ص) فرمود: «همانا برخی از شعرها مشتمل بر حکمت است». (۲)

 رسول خدا(ص) فرمود: «بهترین شعر آن است که مَثَل باشد». (۳)

۱- ادبیات و تعهد در اسلام، صص ۲۳ و ۲۴.
۲- قال رسول الله(ص): «اِنَّ مِنَ الشِّعر لَحِکَماً». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و مقدمه: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۱، چ ۷، ج ۵، ص ۸۴)
۳- قال رسول الله(ص): «خَیرُ الشِّعرِ ما کانَ مَثَلاً». (آثار الصادقین، ج ۹، ص ۴۱۷، ح ۱۳۶۰۲).

رسول خدا(ص) فرمود: «شعر، گفتار و کلام است؛ اگر نیکو باشد، کلامی نیکوست و اگر قبیح و زشت باشد، کلامی قبیح و زشت خواهد بود».(۱)

رسول خدا(ص) فرمود: «شعر و نیز صدای زیبا، از زیباترین زیبایی هاست». (۲)

رسول خدا(ص) فرمود: «راست ترین شعری که عرب سروده، این شعر لبید است: هان! هر چیزی جز خدا باطل است». (۳)

دو_ شعر مبتذل

اسلام با شعر مبتذل و نامسئول که معیارهای شعر متعهد در آن نیست، مخالف است و پیشوایان معصوم(ع) نیز در سخنان خود، به صراحت به این مطلب اشاره کرده اند. ایشان، به ویژه با شاعران مداح و درباری که هر روز به دنبال ممدوحی هستند تا ستایشش کنند، به مخالفت برخاسته اند. دکتر شریعتی، از مبارزه پیامبر اعظم(ص) با این نوع شعر نامسئول چنین یاد می کند:

پیامبر در برابر شعر غیرمسئول و شعری که در خدمت هوس های شخصی و احساسات فردی و در خدمت اشرافیت است _ چنان که شعر جاهلی بود _ می ایستد و چنان می جنگد که نسلش را قطع می کند. بعدهاست که خلفا می آیند و دستگاه های دلقک بازی و حاجب سازی و شاعرپروری آغاز به کار می کند، تا جایی که آدمی چون سلطان محمود،

۱- قال رسول الله(ص): «الشِّعرِ بِمَنزِلَه الکلام؛ فَحَسَنُهُ حَسَنُ الکَلام و قَبیحُهُ قَبیحُ الکَلامِ».(نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول با ترجمه فارسی، ترجمه و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ص ۳۸۶، ح ۱۸۲۱)

۲- قال رسول الله(ص): «انَّ مِن اَجمَلِ الجَمالِ الشِّعرُ الحَسَن و نعمَه الصّوت الحَسَنِ». (کلینی، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء، ج ۲، ص ۶۱۵)

۳- قال رسول الله(ص): «اَصدَقُ کلمهٍقالَها شاعِرٌ، کَلِمهُ لَبید: اَلا کلُّ شیءٍ ما خلَا اللهِ باطِلَ». (میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۴۲).

فقط چهل وپنج هزار رأس شاعر در دربار خویش می پرورد. (۱)

اکنون در این مقام، به برخی روایاتی می پردازیم که از پیشوایان معصوم(ع)، درباره شعر و شاعران نامسئول و مبتذل برجاست:

 رسول خدا(ص) فرمود: «شعر، از شیطان است». (۲)

 رسول خدا(ص) فرمود: «درون مرد، از چرک و کثافت پر باشد، بهتر از آن است که با شعر انباشته شود». (۳)

 رسول خدا(ص) فرمود: «دهان [شاعران] مداح را پر از خاک کنید».(۴)

 رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس در اسلام شعر مبتذل بگوید، خونش هَدَر است». (۵)

 رسول خدا(ص) فرمود: «هر گاه [شاعران] مداح و متملق را دیدید، بر صورتشان خاک بپاشید». (۶)

 امام علی(ع) فرمود: «با شاعری عقد برادری مبند که تو را با پول و بها می ستاید و مفت و رایگان هجو می کند و رسوا می سازد».(۷)

۱- علی شریعتی، مجموعه آثار ۷ (شیعه)،تهران، سحاب کتاب، چ ۱، ص ۱۷۵.

۲- قال رسول الله(ص): «الشِّعرُ مِن اِبلیس». (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۴)

۳- قال رسول الله(ص): «لَاَن یَمتلی جَوفُ رَجُل قیحاً خَیرلَه مِن اَن یَمتلی شِعراً». (نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول با ترجمه فارسی، ص ۴۷۰، ح ۲۲۱۵)

۴- قال رسول الله(ص): «اُحثُوا فی اَفواه المَداحینَ التُّراب». (متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه_ .ق _ ۱۹۸۹ م، ج ۳، ص ۵۷۴)

۵- قال رسول الله(ص): «مَن قالَ فِی الِاسلام شِعراً مُقذِعاً فَدَمُهُ هَدَرَ». (همان، ص ۵۷۶)

۶- قال رسول الله(ص): «اِذا رَاَیتُم المداحینَ فَاحثُوا فی وُجُوهِهِمُ التُّراب». (همان، ص ۵۷۴)

۷- قال علی(ع): «لاـ تُؤاخِ شاعراً فاِنَّه یمدَحُک بِثَمَنٍ وَ یَهجوکَ مجّاناً». (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتاب خانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ه_ . ق، چ ۲، ج ۲۰، ص ۳۲۲)

سه ـ شعر و آل الله

پیش تر گفتیم که یکی از مضامین اصلی شعر مذهبی، خاندان رسالت و اهل بیت(ع) هستند. بر این اساس، شاعران مذهبی سرا، به مناسبت های گوناگون ـ چون واقعه غدیرخم یا حادثه سترگ عاشورا ـ به مدح یا مرثیه معصومان(ع) پرداخته اند. در مقابل، آن بزرگواران نیز گاه در سخنان خود، از شعر این شاعران متعهد به نیکی یاد کرده اند که به بعضی از این احادیث اشاره می کنیم:

 امام صادق(ع) فرمود: «هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خدای بزرگ برای او در بهشت خانه ای می سازد». (۱)

 امام صادق(ع) فرمود: «کسی درباره ما شعری نسرود، جز آنکه به وسیله جبرئیل تأیید شد».(۲)

 امام صادق(ع) فرمود: «هیچ کس شعری درباره امام حسین(ع) نگوید که با آن، بگرید و بگریاند، مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و بر او ببخشاید». (۳)

 امام رضا(ع) فرمود: «هیچ شاعر مؤمنی در حق ما شعری نگوید که ما را با آن بستاید، مگر اینکه خدا برایش در بهشت، جایگاهی سازد که هفت مرتبه از دنیا بزرگ تر و فراخ تر باشد و تمام فرشتگان مقرّب و پیامبران صاحب رسالت در آن جایگاه، زیارتش کنند». (۴)

۱- قال ابوعبدالله(ع): «مَن قال فینا بیت شَعرٍ بَنی الله تَعالی له بیتاً فی الجنَه». (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷)

۲- قال الصادق(ع): «ما قال فینا قائلٌ بیتاً مِنَ الشِّعرِ حتی یُویّدَ بِروحِ القُدُس». (میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۳۸)

۳- قال الصادق(ع): «ما مِن اَحَدٍ قال فی الحُسین(ع) شِعراً فبَکی و اَبکی بِهِ الّا اوجَبَ الله لَه الجنَه و غَفَرلَهُ». (حسین طباطبایی بروجردی، جامع احادیث الشیعه، قم، مطبعه علمیه، ج ۱۲، ص ۵۶۴)

۴- قال الرضا(ع): «ما قال فینا مؤمنٌ شِعراً یَمدحُنا الّا بَنَی الله لَه فی الجنَّه اَوسَعَ من الدُّنیا سَبع مراتٍ یزورُهُ فیها کلُّ مَلَکٍ مُقرّبٍ و کُلُّ نبیٍ مَرسَلٍ». (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷)

چهار_ شاعران نمونه

بعضی شاعران، زندگی شعریِ خود را وقف اسلام و آرمان های والای آن کرده بودند. این گروه، همواره از سوی پیشوایان معصوم(ع) تأیید می شدند که به بعضی از این احادیث اشاره می کنیم:

 رسول خدا(ص) فرمود: «مؤمن، با شمشیر و زبان خود جهاد می کند. قسم به آن کس که جانم به دست اوست، گویی که شاعران، با گفتار خود، دشمنان را تیرباران می کنند».(۱)

 رسول خدا(ص) به حسّان بن ثابت فرمود: «مشرکان را هجو کن؛ که جبرئیل با توست». (۲)

 رسول خدا(ص) به حسان بن ثابت فرمود: «همانا جبرئیل همیشه تو را تأیید می کند، تا وقتی از رسول خدا دفاع می کنی و رویاروی مشرکان قرار می گیری». (۳)

 رسول خدا(ص) به کعب بن مالك فرمود: «مشرکان را هجو کن. قسم به آن کس که جانم به دست اوست، شعر بر دشمنان سخت تر و کارگرتر از تیر است». (۴)

۱- قال رسول الله(ص): «انَّ المؤمِنَ یُجاهدُ بِسیفِهِ و لِسانِهِ و الّذی نَفسی بِیدِهِ لَکانَّما بِوجهِهِم مثلُ نَضح النِّبل». (میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۶، ص ۲۷۶۶، ح ۹۴۳۳)

۲- قال رسول الله(ص) لحسان بن ثابت: «اهجُ المُشرکین فِانَّ جبرئیلَ مَعَکَ». (همان، ح ۹۴۳۵؛ کنزالعمال، ج ۳، ص ۵۸۰)

۳- قال رسول الله(ص) لحسان بن ثابت: «انَّ رَوح القُدُس لا یَزال یُؤیِّدکَ ما نافَحتَ عن رسول الله» (آثار الصادقین، ج ۹، ص ۴۱۷، ح ۱۳۵۹۷)

۴- قال رسول الله(ص) لکعب بن مالك: «اُهجُهُم فَوَ الَّذی نَفسی بیَده لَهُوَ اشَدُّ علیهم من النبل». (همان، ص ۴۱۸، ح ۱۳۵۹۸)

...

 امام باقر(ع) به کُمیت فرمود: «تا زمانی که درباره ما شعر می سرایی، از سوی روح القدس تأیید می شوی». (۱)

 امام صادق(ع) فرمود: «امیر مؤمنان علی(ع) روایت و جمع و تدوین شعر پدرش ابوطالب را دوست می داشت و می فرمود: شعر ابوطالب را یاد بگیرید و به فرزندانتان یاد بدهید؛ چرا که بر اساس دین خداست و در آن، دانش بسیاری است». (۲)

 امام صادق(ع) فرمود: «ای گروه شیعه! به فرزندانتان شعر عبدی را بیاموزید؛ زیرا او بر دین خداست». (۳)

 امام صادق(ع) به عبدالله بن غالب فرمود: «فرشته ای است که شعر را به تو القا و الهام می کند، و من آن فرشته را می شناسم». (۴)

 امام رضا(ع) خطاب به دعبل خزایی فرمود: «آفرین بر تو ای دعبل! آفرین بر کسی که ما را با دست و زبانش یاور است». (۵)

۲. چیستی و تعریف شعر دینی

تا نکند شرع تو را نامدار

نامزد شعر مشو زینهار

شعر، تو را سدره نشانی دهد

سلطنت مُلک معانی دهد

۱- قال ابو جعفر للکُمیت: «لا تَزال مؤیّدَ بروحِ القُدس ما دُمتَ تَقولُ فینا». (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۸)

۲- قال الصادق(ع): «کان امیرالمؤمنین(ع) یُعجِبُه اَن یروی شِعر اَبی طالبٍ و اَن یدونَ و قال: تَعَلَّموهُ و علّموه اولادکم فَاِنَّه کان علی دین اللهِ و فیهِ علمٌ کَثیرٌ». (همان، ج ۱۲، ص ۲۴۸)

۳- قال الصادق(ع): «یا معشَرَ الشّیعه! اعلَموا اولادکُم شعر العبدی فَاِنَّه علی دین الله». (آثار الصادقین، ج ۹، ص ۴۱۷، ح ۱۳۵۹۹)

۴- قال الصادق(ع) لِعبد الله بن غالبٍ: «انَّ ملکاً یَلقی الیکَ و انّی لَاَعرف ذلک المَلِکَ». (محمدتقی تستری، قاموس الرجال، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ج ۶، ص ۵۴۸)

۵- قال الرضا(ع) لدعبل الخزائی: «مَرحبا بِکَ یا دِعبل مرحباً بِناصرِنا بیده و لِسانِهِ». (جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۴)

شعر تو از شرع بدانجا رسد

کز کمرت سایه به جوزا رسد (۱)

به نظر می رسد کسی در جهان شمولیِ دین مبین اسلام شک نداشته باشد و از همان آغازین روزهای بعثتِ پیامبر اعظم(ص) نیز ادعای جهانی داشتن و کامل بودنِ این دین مطرح بوده است. این مسئله، از برخی آیات قرآنی نیز فهمیده می شود؛ آنجا که خداوند می فرماید:

وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ اْلإِسْلامِ دیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فی اْلآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرینَ. (آل عمران: ۸۵)

و هر کس جز اسلام، دینی گزیند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در جهان واپسین از زیان کاران است.

هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ. (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)

اوست که پیامبر خود را با رهنمود و دین راستین فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند؛ اگرچه مشرکان نپسندند.

وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاّ کَافَّهً لِلنّاسِ بَشیرًا وَ نَذیرًا وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ. (سبأ: ۲۸)

و تو را جز مژده بخش و بیم دهنده برای همه مردم نفرستاد ه ایم، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

ما کانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِنْ رِجالِکُمْ وَ لکِنْ رَسُولَ اللّهِ وَ خاتَمَ النَّبِیّینَ وَ کانَ اللّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیماً. (احزاب: ۴۰)

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خداوند و واپسین پیامبران است و خداوند بر هر چیزی داناست.

۱- نظامی گنجه ای، کلیات خمسه نظامی گنجه ای، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، چ ۷، ص ۳۴.

اسلام برخلاف بعضی ادیان مثل مسیحیت که دین هایی صرفاً اخلاقی هستند، دین زندگی است و در همه جنبه های فردی و اجتماعی زندگی مردمان اثرگذار است و به ایشان راهکار نشان می دهد. به همین دلیل است که حضرت امام خمینی۴ در وصیت نامه الهی ــ سیاسی خود می نویسد:

اسلام...مکتبی است که برخلاف مکتب های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. (۱)

ایشان در جای دیگری می فرماید:

مذهب اسلام، هم زمان با اینکه به انسان می گوید خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان ها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید. هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. (۲)

اکنون باید ببینیم شعری که می خواهد به این دینِ زندگی منسوب و مورد تأیید آن باشد و «شعر دینی» خوانده شود، چگونه شعری است. به نظر می رسد در تصور عامه و حتی بعضی خواص، شعری، دینی خوانده می شود که موضوعی دینی داشته باشد؛ یعنی درباره انسان، مکان، زمان یا عملی

۱- . نگرشی موضوعی بر وصیت نامه امام خمینی(ره)، تهران، دانشگاه امام حسین(ع) با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، پاییز ۱۳۷۶، چ ۱، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- . امام خمینی(ره)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، زمستان ۱۳۷۹، چ ۳، ج ۵، ص ۳۸۴.

مقدس و دینی سروده شود. شاهد این مطلب، تعریف دکتر حسین رزمجو از شعر دینی است:

اشعار دینی، شامل سروده هایی است که محتوای آنها را موضوعات دینی نظیر توحید باری تعالی، یا سرگذشت پیشوایان مذهب و مناقب و مصائب آنها که به صورت مدایح یا مراثی به رشته نظم کشیده شده است، تشکیل می دهد. (۱)

این تعریف از شعر دینی، درست، ولی ناقص است؛(۲) زیرا دین را موضوع شعر می داند، نه پشتوانه و موضع آن. حال آنکه بی گمان، اگر شعری بخواهد به معنای واقعی کلمه، دینی پنداشته شود، باید ریشه های درخت بارور خود را از زلال آموزه های ناب دین مبین اسلام سیراب کند؛ وگرنه، با انبوهی شعر روبه رو می شویم ــ مثل بیشتر شعرهای عصر صفوی و قاجار ــ که مردمان چند نسل بعد، حتی نام شاعران این شعرها را به خاطر نمی آورند، چه رسد به شعر ایشان.

شاعر شعر دینی باید با توجه به آموزه های والای اسلام شعر بسراید و شاهکار بیافرینند؛ مثل آنچه در شعر سعدی، حافظ، سنایی، عطار، مولوی و دیگر شاعران موفق می بینیم. با مقایسه ای اجمالی میان شعر عصر صفویه و قاجار ــ که شعر با موضوع دین در آن فراوان دیده می شود ــ با شعر پیش

۱- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۸۴.

۲- خانم آنه ماری شیمل، اسلام شناس نامدار آلمانی، در مقاله ای تحت عنوان «Devitionl poetry» در دایره المعارف چهارجلدی انتشارات دانشگاه آکسفورد درباره جهان معاصر اسلام، به طور ناقص به شعر دینی در جهان معاصر پرداخته که نقدهایی جدی به آن وارد است. برای مطالعه مقاله ایشان نک: آنه ماری شیمل، مقاله «شعر دینی در جهان معاصر اسلامی»، برگردان: سید حسن اسلامی، کیهان اندیشه، ش ۶۱، صص ۱۸۴ ــ ۱۹۰.

از آن _ که شعر با موضع دین در آن نمود فزون تری دارد _ به این نتیجه اساسی می رسیم که شعر شاعرانی که با پشتوانه اسلام شعر می سرایند، سرشار از حکمت و دانش است. اصولاً بر اساس شواهد تاریخی ثبت شده،(۱) این گونه شاعران، ابتدا به ملایی و دانش، شهره خاص و عام بودند و سپس گذر ایام، آنان را در مقام شاعری، در اذهان عموم زنده ساخت. از دیگر نمونه های این دست شاعران، به آیت الله میرزا حبیب الله خراسانی، حضرت امام خمینی(ره) و علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) می توان اشاره کرد.

پس به این نتیجه رسیدیم که شیوه برخورد شاعر با دین اسلام، به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بوده و در هر کدام از این دو، شاهکارهایی آفریده شده است؛ اگرچه کفه ترازوی شعر با موضع دین، بسیار سنگین تر به نظر می رسد. به قول شاعر معاصر، محمدکاظم کاظمی، در شعر با موضع دین، «شرط اصلی این نیست که یک اثر ادبی درباره یکی از فرایض یا مراسم یا شخصیت های دینی ایجاد شده و احیاناً مملو از اصطلاحات و نمادهای دینی باشند، بلکه مهم این است که آن اثر، از روح و جوهر دینی برخوردار بوده و منتقل کننده این مفاهیم باشد. با این تعبیر، مثنوی معنوی تقریباً در همه شش دفتر خویش، اثری دینی است. همچنین بسیاری از قصاید سنایی و بسیاری از غزلیات حافظ و بوستان سعدی و حتی بخش های بسیاری از شاهنامه فردوسی، و اینها حتی از بسیاری از مدح و

۱- نک: عبدالحسین زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، چ ۷، صص ۲۲۶ _ ۲۳۱ درباره سعدی، ۲۳۱ _ ۲۳۶ درباره حافظ، ۲۳۷ _ ۲۵۶ درباره سنایی، ۲۵۶ _ ۲۷۰ درباره عطار و ۲۶۲ _ ۳۰۴ درباره مولوی.

منقبت های شاعرانی که به مذهبی بودن شهره اند، درون مایه دینی قوی تری دارند».(۱)

همو در مقاله ای دیگر، به زیبایی، درباره شعر با موضع دینی می نویسد:

اگر با این تلقی از ادبیات دینی با آثار ادبی خویش مواجه شویم، ادبیات کهن فارسی، یعنی از روزگار سنایی و ناصرخسرو تا دوره پایانی مکتب عراقی، یعنی روزگار جامی را دینی تر می یابیم؛ هرچند آثاری مشخصاً با موضوعات دینی در آن دوره ها بسیار نداشته باشیم. سنایی، مولانا، سعدی، حافظ، عطار و دیگران، شاعرانی مذهبی سرا به مفهوم متداول امروزی آن نیستند، ولی شعرشان، پشتوانه ای محکم از معارف دینی دارد، و لاجرم اثر هدایتی چنین شعرهایی، بسیار بیشتر است از شعرهای ستایشی صرف که دیوان ها را در عصر صفوی و بعد از آن فربه کرده اند و بس. (۲)

کاظمی در مورد شعر دینی مولانا، در قالب مثالی ادامه می دهد:

مولانا در ستایش حضرت پیامبر(ص)، فقط چند شعر انگشت شمار دارد، ولی وقتی پای استفاده محتوایی از احادیث آن حضرت به میان می آید، این شاعر، با کیفیت و کمیت حیرت انگیزی به میدان می آید. او می دانسته که جامعه، به بهره مندی از سخنان و سیره حضرت پیامبر بیشتر نیاز دارد، تا ستایش خشک و خالی ایشان. (۳)

با این تفاصیل و بعد از این همه نقل قول، شعر دینی را می توان به سه شکل ـ که البته هر سه در معنا یکی است ـ چنین تعریف کرد:

ـ شعری که درباره دین یا به پشتوانه دین سروده می شود.

ص: ۵۰

۱- محمد کاظم کاظمی، مقاله «ادبیات دینی؛ بایدها و نبایدها»، پگاه حوزه، ش ۶۹ و ۷۲.

۲- همو، مقاله «ادبیات دینی از دیروز تا امروز»، قدس، ۳/۳/۱۳۷۹.

۳- همان.

ـ شعری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دین می پردازد.

ـ شعری که موضوع یا موضعی دینی داشته باشد.

این نوع تعریف شعر دینی، تمامی انواع گوناگون شعری را که به گونه ای با دین سروکار دارد و امروزه نام های مختلفی به آن می دهند، دربرمی گیرد و آنها را «دینی» می نامند؛ شعرهایی مانند: شعر مذهبی، شعر آیینی، مدح مذهبی، مرثیه مذهبی، شعر پایداری و شهادت، شعر تعلیمی، شعر عرفانی و... .

۳. چارچوب نظری

اشاره

پیش از پرداختن به چارچوب نظری این نوشتار، شایسته است از این دیدگاه، هنر و به ویژه شعر را بررسی کنیم که: آیا هنر، خودش هدف است یا وسیله رسیدن به مسئله ای دیگر قرار می گیرد؟ در ادبیات شرق و غرب، دیدگاه هایی دراین باره مطرح شده است. ما در اینجا، یکی از این دیدگاه ها، یعنی دیدگاه «هنر برای هنر» غربی ها را بررسی می کنیم و به نقد آن می پردازیم. سپس نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین» را مطرح خواهیم کرد. (۱)

۱- در اینجا هدف، بررسی مکتب های ادبی غرب و نظر آنها در مورد شعر و رسالت آن نیست، که از قدرت من بیرون است و استادی توانا می طلبد. البته غربی ها در مورد رسالت هنر و به ویژه شعر، قلم فرسایی ها کرده اند و نظریاتی ترتیب داده اند. بعضی از این دیدگاه ها را می توانید در این دو منبع ببینید. ـ منصور رستگار فسایی، انواع شعر فارسی، شیراز، نوید، تابستان ۱۳۷۲، چ ۱، صص ۲۲ ـ ۲۹. ـ عباس ایزدپناه، در قلمرو فلسفه و ادبیات دینی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تابستان ۱۳۷۸، چ ۲، صص ۱۳۰ ـ ۱۳۸. قصد من در اینجا، نشان دادن این مطلب است که شعر، بی هدف نمی شود و دیدگاه «هنر برای هنر» در مورد شعر دینی مردود است. برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه، نک: ـ رضا سیدحسینی، مکتب های ادبی، تهران، نگاه، ۱۳۸۱، چ ۱۲، ج ۱، صص ۴۷۱ ـ ۴۸۵. ـ عبد الحسین سعیدیان، دانشنامه ادبیات، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۳، چ ۱، ص ۲۷. ـ سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۳۳۰. ـ فیلیس شاله، شناخت زیبایی (استتیک)، برگردان: علی اکبر بامداد، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷، چ ۴، ص ۸۵.

الف) هنر برای هنر

در قرن نوزدهم میلادی، بعضـی از ادیبان با شـعار «هنر برای هنر»، معتقد شدند که هنر، وسیله نیست و خودش هدف و مقصود است. آنها عقیـده داشـتند هر هـدفی که برای هنر درنظر گرفته شود، آن را از طبیعت خود دور می کنـد. زنـده یاد اسـتاد رضـا سیدحسـینی در کتاب مکتب های ادبی، ضمن تأکید بر اینکه «هنر برای هنر» نمی تواند عنوان «مکتب» به خود بگیرد؛ زیرا هیچ گاه گروهی گرد هم جمع نشدنـد و مکتبی به این نام پی ریزی نکردنـد، در مورد نخستین جرقه های پیـدایش این دیدگاه می نویسد:

به نظر می رسد بنژامن کنسـتان، نخستین کسی است که در یادداشت های خود (یازده فوریه ۱۸۰۴) می نویسد: هنر برای هنر و بدون هدف؛ زیرا هر هدفی، هنر را از طبیعت خود دور می کند. (۱)

خانم سیما داد نیز در توضیح دیدگاه «هنر برای هنر» می نویسد:

این شـعار، به طور عام در ادبیات و هنر، به گرایش هایی اطلاق می شود که به موجب آنها، هنر، پدیده ای مستقل است و فاقد هر گونه رسالت اجتماعی و اخلاقی تلقی می شود.

به زعم کسانی که صریحاً و تلویحاً این شعار را دنبال می کنند، هنر نباید پاسخ گوی توقعات منفعت طلبانه جامعه ای باشد که هر پدیـده را از دیـدگاه سود و زیان آن می نگرد و ارزش می نهـد. هنر، پدیده ای مسـتقل و خود ـ بَسـند است که هدفی جز رشد و تعالی خود در جهت هرچه زیباتر شدن ندارد. (۲)

۱- مکتب های ادبی، ج ۱، ص ۴۸۵.

۲- فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۳۳۰.

ویکتور هوگو، از بنیان گذاران این نظر هم در مقدمه کتاب شرقیات خود، در مورد بی هدف بودن شعر نوشته است:

اگر با نظری بلند بنگریم، در شعر، موضوع خوب و بد وجود ندارد؛ شاعران، خوب و بد هستند. ازطرف دیگر، همه چیز موضوع شعر است. همه چیز مایه هنر است. هر امری به کشور شعر حق ورود دارد. پس نباید پرسید که علتی، شاعر را به اختیار موضوعی نشاط آور یا غم انگیز، وحشتناک یا دلاویز، واضح یا مبهم واداشته است. باید دید چگونه کار کرده، نه آنکه در چه باب و چرا کار کرده است. (۱)

ب) نقد هنر برای هنر

به نظر می رسد معتقدان این دیدگاه، تمام هنرِ هنر را لذت بردن و زیبایی می دانند؛ یعنی همین که اثری فقط زیبا باشد و بیننده و شنونده را به شگفتی وادارد، رسالت خود را انجام داده است. (۲)

ما هم این دیدگاه را تا اینجا می پذیریم که هنر باید زیبا باشد؛ چون اگر نباشد، دیگر هنر نامیده نمی شود. با این حال، معتقدیم هنر نمی تواند خودش هدف قرار گیرد و این زیبایی، حتماً باید در خدمت رسالتی والا باشد تا همگان از آن سود برند. ازاین رو، دکتر شریعتی در نقد دیدگاه «هنر برای هنر» می گوید:

هنر برای هنر و علم برای علم و شعر برای شعر، فریبی است برای

ص: ۵۳

۱- مکتب های ادبی، ج ۱، صص ۴۷۵ و ۴۷۶.

۲- البته شاید بتوان در شعر فارسی، به طورکلی شعر سبک هندی را تا حدودی در راستای دیدگاه «هنر برای هنر» دانست. در این سبک، شاعر فقط به دنبال زیباسازی بنای شعر خود است و در آن، از انواع صناعات ادبی استفاده می کند و هدف او، رسالتی اجتماعی یا ارشاد نیست. در این مورد نک: فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۳۳۰.

پوشاندن نعش بودن هنرمند و یا دانشمند و آبرومند جلوه دادن گریزش از تعهد و مسئولیت های اجتماعی. (۱)

نویسنده ای دیگر، این گونه هنرمندان را حاشیه نشینان کنج عافیت اجتماع معرفی می کند و در نقد آنها می نویسد:

بر پیروان مکتب هنر برای هنر عیب گرفته می شود که همّ و غمّشان، خلق آثاری است که به هیچ دردی نمی خورد. درحالی که آثارشان از هر حیث، پوچ و توخالی است، ادعا می کنند که زیباست و همین امر، غایت و هدف از هنر و ادب است. اینان در حاشیه جامعه نشسته اند و بی آنکه در خود مسئولیتی احساس کنند، به زیبایی های لفظ و معنا و کیفیت تجانس و هماهنگی آنها توجه دارند، نه به محتوای آنها. (۲)

دکتر شریعتی نیز در جای دیگر، دانشمندان و هنرمندان را سرمایه جامعه می داند که این گونه شعارها، آنها را از مسئولیت اصلی شان دور می کند و رسالت اجتماعی را از یادشان می برد:

سلب مسئولیت از علم، ادب، شعر و هنر، اصل فریب قدرت های مسلط بر بشریت است تا انسان را از بزرگ ترین سرمایهپ ها و عوامل نجات و رفاه و ترقّی محروم کند و دانشمندان و هنرمندان را ــ که بزرگ ترین سرمایه زندگی بشریتند ــ از متن جامعه بیرون برانند و در لابراتوارها و کلاس های دربسته دانشگاه ها محصور کند و به نوعی پارسایی آبرومند به نفع خویش ناگزیرشان سازد. (۳)

ازاین رو، خطاب به شاعران می گوید:

پس تو به عنوان یک شاعر و هنرمند، باید تکلیف خود و مردم را روشن کنی و مرزهای اعتقادی ات را مشخص سازی، که هنرمند آزاد،

۱- مجموعه آثار ۷ (شیعه)، ص ۱۷۱.

۲- انواع شعر فارسی، ص ۲۲.

۳- مجموعه آثار ۷ (شیعه)، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.

فریبی بیش نیست؛ یا بایـد به خلق بپیونـدی و کمر به نجاتشان ببندی، یا به دشـمنان خلق و فضـیلت و آزادی؛ راه سومی نیست. (۱)

جـالب اینجـاست که علامه اقبال لاهوری نیز سال ها پیش، در مقاله ای به نام «نقـدی بر شـعر و شاعری عربی معاصـر حضـرت رسول اکرم(ص)» که در سال ۱۹۱۷ م. نوشت، درباره فریب بودن شعار «هنر برای هنر» می نویسد:

در هنر، هیـچ گونه جای تحذیر نباید وجود داشـته باشد. این شـعاری که می گویند: «هنر برای هنر» یا «هنر قائم به ذات است»، یک حیله غیّارانه برای زوال و انحطاط اجتماعی و فردی می باشد. (۲)

ج) نظریه «شعر متعهد، هدفمند و جنبش آفرین»

اشاره

آیا می توان شـعر دینی را بدون هدف و فقط به قصد زیبایی سـرود؟ پاسخ، منفی است؛ زیرا با توجه به ویژگی های شعر دینی ــ که در فصل بعـد خواهـد آمد ــ در این نوع شـعر، سـخن از حرکت اجتماع، ظلم ستیزی و ویران کردن کاخ های سـتمگران است و می بینیـد که این گونه شـعر نمی توانـد در برابر دین و اجتمـاع، بی اعتنـا باشـد. به نظر ما، شـعر دینی بر سه پایه اسـتوار «تعهد»، «هدفمندی» و «جنبش آفرینی» بنا می شود. اکنون به بررسی هر کدام از آنها می پردازیم.

یک ــ تعهد

شاعر شـعر دینی، چارچوب دیدگاه خود را از آموزه های والای دین می گیرد و خود را در برابر آن مسئول می داند. شعر ناب او نیز حاصل ژرف اندیشـی در قرآن کریم و سخنان والای معصومان(ع) است که از سرچشمه زلال آن سیراب می شود. ازاین روست که در ستایش آنان می خوانیم:

۱- همان، ص ۱۷۵.

۲- جاوید اقبال، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، برگردان: شـهیندخت کامران مقدم (صفیاری)، مشهد، به نشر، ۱۳۷۲، چ ۲، ج ۱، ص ۲۹۱.

شعری که در لسـان پیشوایـان پـاک و امامان معصوم(ع)، حکمت و خیر کثیر خوانـده می شود، بی گمان، قرابتی با قرآن کریم خواهد داشت و شاعری که شـریعه شـعرش، از دجله دل و فرات فطرت سرچشمه می گیرد، پیش تر از آنکه شاعر باشد، حافظ خواهـد بود؛ حافـظ قرآن و بیشـتر از آنکه شـعر بگویـد، قـاری خواهـد بود؛ قـاری قرآن. مگر نه این است که شـاعران بزرگ، شاگردان و حافظان قرآن بوده اند؟ (۱)

بر این اسـاس، اسـتاد محمـدرضا حکیمی، مدایـح مـذهبی پیشوایان معصوم(ع) را نیز که به ظاهر رسالت شورآفرینی در جامعه ندارد، از مقوله شعر متعهد می داند و درمورد آن می نویسد:

مدایح مذهبی، از مقوله شعر متعهد است، نه هنر مجرد. چون در این گونه آثار، حقانیت رهبران الهی و راه آنان را می نمایانند و می کوشـند تـا بـا زبان والای شـعر، حقایق را به فرهنگ جامعه و شـعور اجتماعی منتقل سازنـد و موضع مردان حق و رهبران سعادت و عدالت را در برابر دیگران، به ویژه جبّاران و ستمگران تحکیم بخشند و استوارتر سازند.(۲)

نکته پایـانی اینکه «شـعر متعهـد، همیشه مـورد تـوجه اولیـای اسـلام بـوده است. پیـامبر اکرم(ص) شـاعران را تشویق می کرد و شاعران بسـیاری داشت. امامان نیز همین گونه رفتار می کردند».(۳)ازاین رو، «شـعر و تأثیر هنری و کاربرد تبلیغی آن هیچ گاه نباید مورد غفلت قرار گیرد. شاعران پاک و متعهد که شعر را در راه بیداری جامعه و دمیدن روح اعتقاد و فضیلت در مردم

ص: ۵۶

۱- محمد صحتی سردرودی، مقاله: «شعر و شاعری در آیینه شریعت»، مجله شعر، تابستان ۱۳۷۵، ش ۲۰ ص ۱۰.

۲- محمدرضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تابستان ۱۳۶۸، چ ۷، ۲۳۴.

۳- همو، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۸، چ ۶، ص ۱۳۶

به کار می برند، همواره باید مورد تکریم باشند. البته این امر، مشروط به این است که شعر دارای ارزش هنری و سطح عالی باشد و شاعر علاوه بر ایمان و تعهد، به واقع، شاعر باشد و سخن شناس و خوش قریحه و نیرومند و چیره دست. شعری که خود از ارزش هنری شایسته ای برخوردار است و در حدّ اشعار استادانه است، می تواند به مذهب و فرهنگ مذهبی خدمت کند، نه جز آن». (۱)

دو_ هدفمندی

گفتیم که دیدگاه «هنر برای هنر»، خود، بی هدفی است و نمی توان زیبایی صرف را هدف و غایت شعر دانست. شاعر شعر دینی فقط دنبال زیباسازیِ شکل ظاهری شعر خود نمی رود. او می داند که گرفتن هدف و رسالت از شعرش امکان پذیر نیست؛ زیرا اهداف و رسالت های سرودن این نوع شعر، سال ها و قرن ها پیش از آنکه سروده شود، وجود داشته است. ولایت (غدیر)، پایداری و شهادت (عاشورا) و آرمان خواهی (انتظار) که موضوع های اصلی شعر دینی شمرده می شوند، از قرن ها پیش وجود داشته اند و همواره شعر شاعران دینی را تغذیه معنوی می کرده اند.

شاعر شعر دینی گرچه به زیبایی هنر خود اهمیت می دهد، بیشتر می خواهد پیام خود را به مخاطب برساند. البته این دلیل نمی شود که هر نظم پرداز ضعیفی، خود را شاعر شعر دینی بداند و وارد این عرصه شود. به همین دلیل است که اصل شاعر بودن، از اصول خدشه ناپذیر شعر دینی سرودن است. ازاین روست که استاد محمدرضا حکیمی، هوشمندانه در این باره می نویسد:

۱- همان، صص ۱۳۶ و ۱۳۷

اصولاً شعر سست، هرچه باشد، گفتن آن و شنیدن آن به نام شعر مذهبی، نارواست. شاعران پیشین شیعه که از این همه اهمیت برخوردار بوده اند، برای این است که پیش از هر چیز، شاعر بوده اند و دارای همه امکانات شاعری: امکانات طبیعی و امکانات کسبی... . پس کسی که می خواهد شعر مذهبی بسراید، پیش از هر چیز، باید «شاعر» باشد، با همه مواهب خدادادی و امکانات استعدادی و تحصیلات و اطلاعاتی که برای «شاعر» لازم است. (۱)

از نظر ما، گرچه شعر می تواند در نهایت زیبایی باشد، بدون هدف بودن آن درست نیست؛ چنان که نویسنده ای معتقد است از دیدگاه قرآن کریم هم، با توجه به آیات پایانی سوره شعراء که ویژگی هایی برای شاعران حقیقی در آن آمده است و ما نیز پیش تر به آن اشاره کردیم، هنر برای هنر مردود است:

از نظر قرآن، هنر برای هنر، شعر برای شعر و جامعه شناسی برای جامعه شناسی مردود است و آن هنری مقبول است که بر پایه تعهدات مکتبی باشد. شعری که برای دل گفته شود و هیچ مسئولیتی از آن برنخیزد، بهتر آن است که در دل همان شاعر بماند.(۲)

سه ـ جنبش آفرینی

شعر دینی، شعری ناسازگار با ستم و ستمگری، و فعّال است، نه منفعل؛ به طوری که گاه شاعر آن، از جان می گذرد و سال ها چوبه دار خویش را بر پشت خویش حمل می کند. دکتر شریعتی در این مورد می گوید:

تشیع که هزار سال یک نهضت انقلابی بود، در پیرامون خویش،

۱- شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۵۴.

۲- داود بهرامی سیاوشانی، مقاله: «هنر مقبول و تعهدات مکتبی»، پیام آزادی، ۷/۷/۱۳۷۸.

فرهنگ و شعر و ادب انقلابی نیز داشت. دعبل ها و...، شاعرانی بودند که در خدمت انقلاب و در مبارزه با ستم زمان، به تعبیر خودشان، تمام عمر، دار خویش را بر پشت خویش حمل می کردند و این چنین می زیستند. (۱)

این شاعران، خود را دربرابر اجتماع، مسئول می دانند و هر صبح و شام، به دنبال ویران کردن پایه ای از پایه های فساد حاکم بر سرزمینشان هستند. به قول استاد جواد محدثی:

این گونه شعرها که در دفاع از حق و موضع امامان و رسوا ساختن غاصبان ستمگر و کافران مسلمان نما، برنده تر از شمشیر و سوزنده تر از آتش بود، مورد تشویق و حمایت ائمه قرار می گرفت و برای شاعران، حرمتی خاص قائل می شدند و پاداش ها و جوایزی بزرگ می دادند. اگر شعری، شکوفه شوق را در دل پیامبر و امام می شکوفاند، این گونه شعر است، و نه غیر. اگر رسول الله(ص) از شاعران تقدیر کرده و آنها را می ستاید، این گونه شاعران موضع دارند که با سروده خود در میدان «بیان» در راه عقیده دینی و اسلام عزیز، به جهاد برخاسته اند. (۲)

ازاین روست که در آخرین آیه سوره شعراء، وظیفه مبارزه با ستم و ستمگران بر عهده این شاعران نهاده شده است؛ آنجا که خداوند بزرگ می فرماید: «وَ انتَصَرُوا مِن بعد ما ظُلِمُوا؛ و پس از آنکه ستم دیده باشند، داد می ستانند». (شعراء: ۲۲۷)

۱- علی شریعتی، مجموعه آثار۲ (خودسازی انقلابی)، تهران، الهام، تابستان ۱۳۷۷، چ ۶، ص ۱۸۲

۲- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، زمستان ۱۳۷۶، چ ۳، ص ۱۷۸.

فصل سوم: شعر دینی و جنبش آفرینی

اشاره

در پایان فصل پیش، پایه های استوار شعر دینی را برشمردیم و به تفصیل درباره تعهد، هدفمندی و جنبش آفرینی این نوع شعر سخن راندیم. در این فصل، ابتدا ویژگی های شعر دینی را بیان می کنیم و سپس به صورت مصداقی، به برخی از نقش آفرینی های شعر دینی در جنبش های اجتماعی می پردازیم.

۱. ویژگی های شعر دینی

اشاره

شعر دینی، افزون بر تعهد، هدفمندی و جنبش آفرینی که پایه های اصلی اش به شمار می آید، با ویژگی هایی شناخته می شود. این ویژگی ها را می توان در شش عنوان برجسته کرد که اکنون برمی شماریم:

الف) پیوند با قرآن و حدیث

به یقین، اگر شعری می خواهد دینی خوانده شود، نمی تواند از آموزه های ناب کلام جاودان الهی و نیز گفتار و رفتار معصومان(ع) تهی باشد و رنگ و بوی خدایی به خود نگیرد؛ زیرا دینی که این شعر می خواهد به آن منتسب شود، بدون قرآن و حدیث، چیزی تهی است و اصلاً این جدایی امکان ندارد. خداوند متعال، خود نیز کلام پاکش را بدون خدشه و برای هدایت بندگان می داند و می فرماید: «ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فیهِ هُدًی لِلْمُتَّقینَ؛ این (آن) کتاب (است که) هیچ تردیدی در آن نیست، رهنمودی برای پرهیزکاران است». (بقره: ۲)

کلام معصومان(ع) نیز که سرشار از حکمت و مایه هدایت آفریدگان است، دیگر الهام بخش شاعران شعر دینی شمرده می شود. ازاین رو، با جست وجویی اندک در آثار بزرگ ترین شاعران شعر دینی، مثل مولوی، عطار، حافظ، سعدی، بیدل و...، استفاده فراوان آنها از این دو منبع گران مایه

را می بینیم، به گونه ای که در مورد این کاربردها، کتاب ها و مقاله ها نوشته شده که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. سید عبدالحمید سجادی، گزیده ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۲. محمدرضا راشد محصل، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۰.

۳. علی ابوالحسن (منذر)، بوسه بر خاک پی حیدر(ع) (بحثی در ایمان و آرمان فردوسی و پرتوگیری شاهنامه از قرآن و احادیث معصومین(ع) همراه با نقد نظریات آرای برخی از شاهنامه پژوهان معاصر)، تهران، عبرت، چاپ نخست، تابستان ۱۳۷۸.

۴. بهاء الدین خرمشاهی و سیامک انصاری، قرآن و مثنوی، تهران، قطره، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۵. بدیع الزمان فروزانفر، احادیث و قصص مثنوی، ترجمه کامل و تنظیم مجدد: حسین داوودی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۷۶.

۶. کاظم محمدی، مولانا و ترجمه آیات قرآن، کرج، نجم کبری، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۶.

۷. ماشاء الله جشنی آرانی، تجلی قرآن در معارف اسلامی در اشعار بیدل دهلوی، تهران، هستی نما، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۳.

۸. حکیمه دبیران، مقاله «تأثیر قرآن و حدیث در آثار سعدی»، مجموعه مقالات ذکر جمیل سعدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۶۹، چ ۳، ج ۲، صص ۲۵ _ ۴۰.

۹. محمدحسین یاسایی، «تأثیر قرآن در آثار سعدی»، همان، ج ۳، صص ۳۲۹ _ ۳۴۴.

ب) ولایت محوری (غدیر)

واقعه غـدیرخم، یکی از مهم ترین حـادثه هـای تاریـخ صـدر اسـلام و به تعـبیر معصومـان(ع)، عیـد بزرگ الهی است که همه پیامبران به پاسداشت حرمت آن مأمور بودند، چنان که امام صادق(ع) می فرماید:

یَوم الغَدیر عیدُ الله الاَکبر و ما بَعَثَ الله نبیّاً الّا عرَّفَه حرمَتَهُ و انَّه عیدٌ فی السَّماء و فی الاَرض. (۱)

روز عید غدیر، عید بزرگ خداست و خدای تعالی هیچ پیغامبری نفرستاد جز اینکه به او حرمت این روز را شناساند.

رسول گرامی اسلام(ص) نیز این روز بزرگ را برترین عیدهای امت خویش معرفی می کند و می فرماید: «یَوم غَدیرخُم اَفضَلُ اَعیاد امَّتی؛ روز غدیر خم، برترین عید امت من است». (۲)

به راستی در غدیرخم چه گذشت؟ اجازه دهید پاسخ این پرسـش مهم را از قلم شـیوای زنده یاد اسـتاد احمد احمدی بیرجندی بجوییم که می نویسد:

روز پنج شنبه ای از سال دهم هجرت بود. درست هشت روز از عید قربان می گذشت. سال آخر عمر پیامبر والامقام فرا رسیده بود. کـاروان به سوی مـدینه ره سپار بود. بیش از صـدهزار نفر در آن کاروان همراه پیامبر بودنـد. آفتاب عربسـتان سـخت می تابیـد. اندک اندک سـرزمین جُحفه و بیابان های خشک و سوزان غدیرخم از دور نمایان گردید. غدیر خم، چهارراهی بود به سوی مدینه و عراق و مصر و یمن.

۱- حسـین بن علی خزاعی نیشابوری، تفسیر شـیخ ابوالفتوح رازی، تصحیح: محمد جعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۷۶.
۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۶، چ ۲، ج ۹۷، ص ۱۱۰.

پیامبر دستور فرمود: آنان که پیش افتاده اند، توقف کنند تا آنان که عقب مانده اند، برسند و سروته قافله جمع شود. در غدیر خم، جز چند درختی صبور و سرسخت و خشکیده و برکه ای آب باران نبود. ریگ های بیابان تفتیده شده بود. مسلمانان از عباهای خود استفاده می کردند تا پاهایشان نسوزد. برخی، کناره عبا را بر سرافکنده بودند که تابش آفتاب، سرهاشان را نسوزاند. برخی، از شاخه های درختان سایبان ساخته بودند. برای پیامبر گرامی نیز سایبانی ساختند.

نماز ظهر اقامه شد و پیامبر از منبری از جهاز شتران بالا رفت و پس از خطبه ای والا، دست علی(ع) را بلند کرد و فرمود: «مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلیٌّ مَولاه». این سخن را چند بار تکرار فرمود. آن گاه سر را به سوی آسمان برداشت و ادامه داد: «اَللّهُمَّ والِ مَن والاهُ وَ عادِ مَنْ عاداه و أَحِبَّ مَن اَحَبَّهَ و أبْغِضْ مَن اَبغَضَه وَ انصُر مَن نَصَره و اخذُل مَن خَذَلَه و ادِرِ الحقَّ معه حیثُ دار». (۱)

هنوز صفوف مردم از هم گسیخته نشده بود که جبرئیل امین نازل شد و این آیه را بر پیامبر فروخواند: «اَلیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم و اَتَممتُ عَلَیکم نِعمتی و رَضیتُ لَکُمُ الاسلام دیناً؛ امروز دینم را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را (به عنوان) آیین شما پسندیدم». (مائده: ۳).

در این هنگام، حسّان بن ثابت، شاعر رسول خدا(ص) از ایشان اجازه خواست که اشعاری درباره این واقعه عظیم بسراید. پیامبر اجازه فرمود و

۱- به راستی شادروان ابوالقاسم حالت، این سخنان را چه زیبا به نظم درآورده است: گفت پیغمبر که بعد از من علی رهبر بُوَد در ره دین خدا و سنت و پروردگار هر که ما را دوست باشد گو علی را باش دوست هر که ما را یار باشد گو علی را باش یار برای خواندن همه قصیده، نک: ابوالقاسم رادفر، مناقب علوی در آیینه شعر فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تابستان ۱۳۸۱، چ ۱، صص ۳۳۲ و ۳۳۳.

حسّان گفت:

يُناديهم يومَ الغدير نبيّهم

بِخُم و اسمع بالرسول مُناديا (۱)

می بینیم این حادثه پراهمیت، از همان لحظه تولد، مورد توجه شاعران شعر دینی قرار گرفته است و شاعران ریز و درشت با دست مایه قرار دادن آن، شعرهای بسیاری سروده اند، چنان که گاه شاعران، تمام بدی های گیتی را از انکار غدیر دانسته و سروده اند:

هرچه بینی در بسیط خاک کج خوی شریر

هر که بینی مانده در چنگال آمالش اسیر

کفر و الحاد و نفاق و دور ماندن از صواب

و این پلیدی ها و ظلمت هست ز انکار غدیر (۲)

«شاعران غدیر، ادبیات و شعر را در مسیر هدف تعالی تبیین آرمان های شیعی و اثبات حقانیت علی(ع) و ولایت او و گسترش شور علی دوستی و علی جویی به کار گرفتند و این گونه، حادثه غدیر را زنده نگه داشتند». (۳)

«شعر غدیر، با نام علی(ع) جان می گیرد، با نام علی(ع) اوج می پذیرد و با نام علی(ع) مکانت و منزلت می یابد. تصویر غدیر بدون توصیف علی(ع) ناممکن است... . هرگاه شعر می خواهد از جوشش خم غدیر بسراید، پیش از آن باید گوشه ای از کوثر ولایت علی بنمایاند. شعر غدیر، فقط یک واقعه را تصویر نمی کند، که یک معرفت را تفسیر می کند». (۴)

۱- نک: احمد احمدی بیرجندی، در ساحل غدیر، غدیری های فارسی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۱۳ _ ۱۶.

۲- برای خواندن همه قصیده، نک: همان، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۳- جواد محدثی، فرهنگ غدیر، قم، نشر معروف، زمستان ۱۳۸۶، چ ۵، ص ۳۴۰.

۴- میثم نمکی آرانی، «شعر، غدیر و علی(ع)»، کیهان فرهنگی، آذر ۱۳۷۹، ش ۱۷۰، ص ۱۰۹.

غـدیریه های فارسـی به قـدری فراوان است که از گرد آمـدن آنها کتاب ها تـدوین شـده است که به بعضـی از آنها اشاره می کنیم:

۱. غدیر در شـعر فارسـی، گزینش و توضـیح: سـید مصـطفی موسوی گرمارودی، قم، الهادی، چاپ دوم، زمسـتان ۱۳۷۴، ۱۹۶ صفحه.

۲. گوهر عشق (گزیـده اشـعار غدیر)، گردآورنده: ضـیاء الدین ترابی، تهران، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۵، ۲۶۴ صفحه.

۳. نسـیم غـدیر: غـدیریه هـایی از شـاعران امروز، جمع و تـدوین: علی رضا میرزا محمـد، تهران، مرکز آموزش و پژوهش دفتر بررسی های اسلامی، اسفند ۱۳۷۸، ۲۱۶ صفحه.

۴. احمدی بیرجندی، احمد، در ساحل غدیر (غدیریه های فارسـی)، مشـهد، بنیاد پژوهش های اسـلامی، آسـتان قدس رضوی، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴.

ج) حماسه و شهادت طلبی (عاشورا)

هنگامی که به موضوع های مورد اسـتفاده شاعران شعر دینی می نگریم، جایگاه امام حسین(ع) و حادثه جانگداز عاشورا را در آن بسی والا می بینیم، به گونه ای که به عقیده زین العابدین رهنما:

آغاز دگرگونی ها، خود در اجتماع یا در ادبیات، همیشه از کارهای بزرگ سرچشـمه می گیرد. چه کاری از رویداد روز دهم عاشورای ۶۱ هجری می توانست بزرگ تر شود. ازاین رو و به حق، از فردای این فـاجعه، دگرگونی هـا در مردم و در اجتماع، در دل ها و در افکار، دور و نزدیک

ص: ۶۵

شروع شد... . از آن مهم تر، اثری بود که این واقعه در دگرگونی ادب و شعر فارسی و عربی باقی گذاشت که می توان آن را مبدأ رستاخیزی در ادبیات ایران و ایران دانست. (۱)

این تأثیرگذاری، فقط در اشعار شاعران شیعی مسلک نیست، بلکه در میان سنّیان شاعر نیز دیده می شود. بر این اساس، حتی شاعران غیرشیعی، از مکتب های فکری گوناگون، در آثار شعر و نثر خود، به عظمت حضرت سیدالشهداء توجه کرده اند. از جمله عبدالرحمان جامی، که در قرن نهم در سفری از هرات به عراق رفته، از زیارت بارگاه امام حسین(ع) چنین یاد کرده است:

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین

هست این سفر به مذهب عشّاق، فرض عین(۲)

شاعران شعر دینی، از جنبه های گوناگون به حادثه عاشورا پرداخته اند و از آن الگو گرفته اند؛ به گونه ای که می توان به طورکلی، شعر عاشورایی را به سه دسته تقسیم کرد:

یک ـ برانگیزاننده صرف عاطفه؛

دو ـ مقتل و واقعه نگاری؛

سه ـ حماسی و انقلابی و الگو برای ستم ستیزی. (۳)

از میان این سه دسته، نوع سوم مهم است؛ چون به فلسفه قیام حسینی و یزیدشناسی روی می آورد؛ به انسان ها ملاک می دهد که ظالم کیست و مظلوم چه ویژگی هایی دارد. در این نوع شعر، دیگر خبری از سوز و اشک

۱- زین العابدین رهنما، زندگانی امام حسین(ع)، تهران، زوار، ۱۳۷۸، چ ۱۸، پیش گفتار.

۲- نورالدین عبدالرحمان جامی، دیوان کامل جامی، مقدمه: هاشم رضی، تهران، انتشارات پیروز، ص۷۸.

۳- نک: جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، اسفند ۱۳۷۴، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

و آه در مصیبت حضرت نیست؛ هرچه هست، درس آموزی و شاگردی در محضر آقای شهیدان است که جان خویش را در راه زنده نگه داشتن دین جدّش فدا کرد و شجاعانه ندا سر داد:

اَلا انَّ الدَّعیَّ ابنَ الدَّعی قَد رکَزَ بَینَ اثنَتَیْنْ، بین السِّلّهِ و الذّلَّهِ، و هیهاتَ منَّا الذِّلهُ، و ما آخُذُ الدَّنیهَ، ابی اللهُ ذلکَ وَ رسولُهُ، و جدودٌ طابَت، و جُحُورٌ طَهُرت، و اُنُوفٌ حمیّهٌ، و نفوسٌ ابیّه، لا تؤثر طاعَهَ اللِّئام عَلَی مصارِعِ الکِرام.(۱)

آگاه باشید! زنازاده فرزند زنازاده، مرا بین دو چیز مجبور کرده است؛ بین مرگ و ذلت، ولی هیهات که ما ذلت و خواری را بپذیریم. خداوند پذیرش ذلت را بر ما و بر پیامبر و مؤمنان روا نداشته است و دامن های پاک و دارای اصالت و شرف و خاندان دارای همت والا و عزت نفس ما هرگز اجازه نمی دهد اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

در این مقام، وظیفه شاعر شعر دینی، آگاهی دادن به مخاطب است که چونان حسین باشد و تنها به گریه بر او بسنده نکند و پیامش را بیابد و به پا خیزد.

گفتنی است آن دو نوع شعر عاشورایی دیگر نیز در جای خود نیکو و بجاست و باید که در مظلومیت سالار شهیدان به جای سرشک دیده، خون گریست، چنان که مولامان حضرت مهدی(عج) در زیارت ناحیه مقدسه، سوگمندانه می فرماید:

لَاَندُبَنَّکَ صَباحاً و مَساءً و لَاَبکیَنَّ علیک بَدَل الدُّمُوعِ دماً. (۲)

۱- محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین(ع)، بهار ۱۳۸۴، چ ۳، صص ۱۶۵ و ۱۶۸.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۸.

هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گریم.

از دیرباز، نویسندگان بسیاری با گردآوری اشعار عاشورایی، کتاب ها تدوین کرده اند. دادن فهرستی از این کتاب ها ناممکن می نماید و به جست وجوی بسیار نیازمند است. در این قسمت، برخی از این کتاب ها را شمار می کنم:

۱. مرضیه محمدزاده، دانش نامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، جلد اول و دوم، زمستان ۱۳۸۳.

۲. خورشیدسُرایان، گردآوری: سید علی اصغر صائم کاشانی، انتشارات تالار کتاب، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۷.

۳. بال سرخ قنوت، به اهتمام: محمدعلی مجاهدی (پروانه)، تهران، دفتر ادبیات آیینی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۶.

۴. محمدعلی مجاهدی (پروانه)، کاروان شعر عاشورا، قم، زمزم هدایت، چاپ نخست، تابستان، ۱۳۸۶.

۵. سیدعلی حجازی، حسین بن علی در آینه شعر از آغاز تا پایان قرن سیزدهم هجری قمری، قم، فارس الحجاز، چاپ نخست، اسفند ۱۳۸۲.

۶. من می گویم، شما بگریید (مراثی عاشورایی)، به کوشش: علی رضا قزوه، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

د) کمال گرایی و آرمان خواهی (انتظار موعود)

آدمی، همواره موجودی آرمان خواه و کمال طلب بوده است. در طول تاریخ، آشکارا دیده می شود که انسان ها از وضع موجود راضی نیستند و در پی دنیایی بهتر، پررفاه تر و آسوده تر می گردند. به همین دلیل، نظریه های گوناگونی در

علوم مختلف، از جمله جامعه شناسی پایه ریزی می شود تا آدمی به این خواسته خود برسد. البته این رسیدن، چندان هم آسان نیست. ازاین رو، انسان ها همواره در انتظار رسیدن به آن جامعه آرمانی و اتوپیا به سر می برند و این «انتظار»، مفهومی است که به آدمیان نیرو می بخشد.

با اندکی کاوش علمی، می توان به این مطلب پی برد که «انتظار»، مفهومی برآمده از دین است و این مفهوم والا، در بیشتر ادیان و مذاهب جهان به چشم می خورد، چنان که در دین مبین اسلام، برترین اعمال امت دانسته شده است (۱)و منتظران، برترین افراد اهل زمان نامیده شده اند. (۲)

این مسئله، مختص دین مبین اسلام نیست و همگان، از مسلمان و مسیحی و یهودی و زردشتی گرفته تا حتی پیروان آیین هندو، منتظر کسی هستند که بیاید و جهان را از بی عدالتی برهاند. حال این شخص، در هر دین و مذهبی، نامی دارد: مهدی، مسیح،(۳) سوشیانس، یشنو و... .

برای نمونه، «در هزاره گرایی زرتشتی»(۴) انتظار ظهور سه منجی از نسل زرتشت مطرح است. این منجیان، یکی پس از دیگری، جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد:

۱. هوشیدر، هزار سال پس از زرتشت؛

۱- قال الرضا(ع): «اَفضَلُ اَعمالِ اُمّتی انتظارُ الفرج». (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه, تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، محرم ۱۴۰۵ه_ . ق / مهر ۱۳۶۳، ص ۶۴۴)

۲- قال الرسول(ص): «انَّ اَهْلَ زمانِ غَیبتِهِ القائلُونَ بامامَتِهِ المُنتظرُونَ بِظُهُورِهِ اَفْضَلُ اَهْلِ کُلِّ زمانٍ». (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲)

۳- موعود یهودیان، نک: حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران _ قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، چ ۹، صص ۱۲۰ _ ۱۲۵.

۴- zoroastren millennialism

۲. هوشیدر ماه، دو هزار سال پس از زرتشت؛

۳. سوشیانس (یا سوشیانت)، سه هزار سال پس از زرتشت که با ظهور او، جهان پایان می یابد. (۱)

«در زنـد و هومن یسن [نیز] ... از ظهور شخصـیت فوق العاده ای به نام سوشـیانس (نجات دهنـده بزرگ) خبر داده و درباره او می نویسد: سوشیانس، دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگ دستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات دهد و مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند». (۲)

در آیین هنـدو نیز خـدای ویشـنو، ظهورها و تجلیاتی بر روی زمین دارد. او هر بار به صورت انسان یا موجود دیگری تجلی می یابـد و بـا آمـدن در روی زمین، مأموریت خاصـی را انجام می دهـد. ویشـنو، ده تجلی دارد که نُه تای آن گذشـته، ولی تجلی دهمش مربوط به آینده است. در این ظهور و تجلی دهم که در پایان عصر تاریکی، یعنی عصـر کنونی است، «ویشـنو سوار بر اسب سـفیدی ظاهر خواهـد شد، شمشـیری درخشان در دست خواهد گرفت و بدکاران و بدکیشان را کیفر خواهد داد و پاک دینان و درست کاران را متنعّم خواهد ساخت. او آداب و رسومی نیکو بنا خواهد کرد». (۳)

حـال در حیطه هنر و ادبیـات نیز شاعران هم که سـزاست از جمله سـرآمدان فکری جامعه باشـند، نبایـد به این آرمان خواهی و کمال گرایی، بی توجه بنگرند. پس همواره باید چکامه ها بسرایند و غزل انتظار سر دهند.

۱- همان، ص ۶۱

۲- مجتبی تونه ای، موعود نامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۴، چ ۱، ص ۳۷۷.

۳- عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، سیری در ادیان زنده جهان(غیر از اسلام)، قم، آیت عشق، زمستان ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۵۹.

آنها وظیفه مهمی بر دوش دارند و آن، تشریح وضعیت جامعه مطلوب و آرمانی است؛ همان آرمان شهری که قرن هاست بشر به دنبال به وجود آوردن آن، در بیراهه های کمونیسم، سوسیالیسم و کاپیتالیسم، سرگردان است و ره به جایی نمی برد.

برای ظهور منجی و رسیدن به آن جامعه مطلوب باید زمینه ها را فراهم ساخت و با نقد جامعه موجود و همراهی نکردن با ستمگران و عافیت طلبان، جامعه آرمانی را خواستار شد. استاد محمدرضا حکیمی، در توضیح این وظیفه هنرمند متعهد می نگارد:

وظیفه شعر متعهد انقلابی چیست؟ روشن است: تشریح وضع مطلوب؛ وضع مطلوب قرآنی، وضع متعالی(ارزشی) و فراخوانی مردم به آن، تا جامعه به رکود آموخته نگردد. (۱)

بی گمان، کمترین تأثیری که شعرهای آرمان خواهانه بر افراد جامعه خواهد داشت، این است که موجی از انتظار سازنده را در دل افراد جامعه ایجاد خواهد کرد. به آنها امید آینده ای روشن خواهد داد و آنان را برای فراهم آوردن چنان روزگاران درخشانی، به تلاش و پویایی و تکاپوی مثبت واخواهد داشت.

ه_) مبارزه با رفاه طلبی و نمایندگی طبقه محروم

جامعه، تا زمانی که هنوز بوی خوش انقلاب و شور و نشاط را در خود احساس می کند، به سوی ثروت و ثروت اندوزی گام برنمی دارد. در چنین جامعه ای، کاخ نشینی وجود ندارد تا بتوان تفاوت کاخ نشینی و کوخ نشینی را مشاهده کرد و بر روزهای خوش یگانگی همگان دریغ خورد. هرچه هست، به همه مربوط است و همه مثل همند. به تدریج، مدتی که می گذرد، مردمان

۱- یادنامه مهرداد اوستا، به کوشش: محمدحسین رحمانی، قم، مرکز بررسی های اسلامی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۱۱۵.

طعم رفاه را می چشند و اندک اندک رفاه طلبی و ثروت اندوزی شعارشان می شود؛ چنان که نمونه های تاریخی آن، بعضی صحابه اند در زمان خلیفه سوم، و امروز هم که تا دلتان بخواهد، از این قماش آدم ها فراوانند. حال شاعر شعر دینی که می خواهد نماینده طبقات محروم باشد، این رفاه طلبی را بر نمی تابد و بر آن می تازد.(۱) به همین دلیل، بعضی از نویسندگان معتقدند:

شاعری که بار سنگین دوست داشتن مردم را به دوش می کشد، نباید نسبت به شرایط فرهنگی و معیشتی آنان بی توجه بماند. شاعر باید مثل یک متخصص علوم اجتماعی، از زیر و بم زندگی مردم و مثل یک روان کاو دقیق، از زوایای درونشان آگاه باشد. این شناسایی، هم به شاعر و هم به مردم مساعدت می کند تا بیشتر یکدیگر را یاری کنند و به تکامل نزدیک تر شوند. (۲)

نکته مهم دیگر این است که بدون تردید در همه جوامع، نیازمندان فکری و کسانی که به اصطلاح به آنها «عوام» گفته می شود، اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، و این اکثریت به دلیل ناتوانی و نارسایی فکری، نه توان جنبش دارند و نه قدرت تغییر در شرایط اجتماعی و فرهنگی خویش. در چنین احوالی است که نقش تأثیرگذار شاعر متعهد و توانا آشکار می شود. چنین شاعرانی می توانند در شمار کسانی باشند که هدایت فکری جامعه را عهده دار شوند و جامعه را از خطر تباهی و گمراهی باز دارند. حال این همه صفر که کنار هم چیده شده است و هیچ ثمری ندارد، به عددی نیازمند است تا آنها را از صفر

۱- نمونه عالی این شعر معترض و مبارز، شعر «یک قلم ناسزا به محتکر قربتاً الی الله» از زنده یاد سلمان هراتی است، به این نشانی: سلمان هراتی، از آسمان سبز، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، آذر ۱۳۶۴، چ ۱، صص ۹۱ _ ۹۶
۲- غلامحسین متین، شعر برای بیداری، چاپ نوبهار، ۱۳۵۷، چ ۱، ص ۱۵.

بودن و هیچ ماندن، نجات دهد و جامعه را به حرکت درآورد. این عدد، همان فرد نُخبه جامعه است که به آن گروه اکثریت خط می دهد و راه و چاه می نماید.

در این میان، شاعر متعهد و اندیشمند و توانا، یکی از نخبگان و برگزیدگان بالقوه جامعه است که می تواند نقش مهمی در اجتماع بازی کند و در مقام نماینده طبقات محروم و کسانی پنداشته شود که نمی توانند چون او اثری جاودانه بیافرینند و حرف دلشان را بزنند. شاعر شعر دینی ــ چنان که گفتیم ــ باید در دل مردمان جای گیرد و همواره از آن روز در هراس باشد که خود را از جامعه کنار بکشد و در برابر حوادث اجتماعی، سکوت اختیار کند؛ که آن روز، روز مرگ هنری او در آن جامعه است.

و) دوری از ابتذال و بحران هویت

پس از عصر مشروطه، تحولی شگرف در محتوای ادبیات شکل گرفت؛ زیرا پرچمداران عرصه هنر، درس خوانده های مغرب زمین بودند که اندک اندک به مسیر بیهودگی و پوچ گرایی افتادند و حتی با مطالعه نوشته هاشان می توان تمسخر ارزش های ملی و دینی را آشکارا مشاهده کرد. (۱)

این روند انحراف آمیز همچنان ادامه داشت و جز گروهی اندک که ادبیات سالم را ترویج می کردند، در بیشتر آثار منتشر شده عصر پهلوی، روند فزونی گرفتن این انحطاط را می بینیم. «خوشبختانه با پیش آمدن انقلاب اسلامی، در ادبیات هم تحولی شبیه انقلاب صورت گرفت که حاصل آن، زدودن پرده های

۱- نمونه این گونه نوشته ها، نمایش نامه ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر، نوشته میرزا فتحعلی آخوندزاده است. برای آگاهی بیشتر، نک: هدایت الله بهبودی، درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطه، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، چ ۱، صص ۱۸ و ۱۹.

غفلت بود. بنابراین، ادبیات دینی، ادبیاتی است که در خدمت تعهد و مردم بوده، از تفننی بودن روشن فکرمآبانه به دور است و هدف آن، ابلاغ ارزش های والای انسانی و برخورداری از مکتب اسلامی است». (۱)

۲. بررسی مصداقی شعر جنبش آفرین

اشاره

در این قسمت از کتاب، به بررسی مصداقی شعر دینی و نقش آن در جنبش های اجتماعی ــ سیاسی می پردازیم. البته نباید از نظر دور داشت که این مسئله، نه در حد رساله ای کوتاه چون این نوشته است، که به نوشتن کتاب ها نیاز دارد و انرژی بسیار افزونی می طلبد.

به نظر می رسد نکته مهم دراین مورد آن است که شعر جنبش آفرین، جز در مواردی استثنا ــ چون دوران مشروطه و شاید زمان های کوتاه دیگر ــ جزو زندگی مردم ایران زمین نشده است. البته نویسنده، منکر این مطلب نیست که ایرانی جماعت، همواره به شعر علاقه داشته است و با آن زندگی می کند، ولی این نوع شعر، شعر تعلیمی و عرفانی است و می توان گفت چندان ربطی به موضوع مورد بحث، یعنی شعر جنبش آفرین ندارد. شعر مورد بحث، شعر مردمی است؛ شعری که از تفکر انقلابی الهام بگیرد و سروده شود و مردم نیز آن را به گوش جان بشنوند و تحت تأثیرش قرار بگیرند، مثل شعرهای نسیم شمال در عصر مشروطه.

در این مقام با تقسیم دوره های شعر فارسی به پنج دوره شعر پیش از مشروطیت؛ شعر مشروطه؛ شعر در عصر پهلوی اول؛ شعر در عصر پهلوی

۱- نک: محمد مهدی بهداروند، مقاله «ویژگی ادبیات دینی»، کیهان فرهنگی، تیر ۱۳۸۰، ش ۱۷۷، ص ۱۱.

دوم؛ شعر دینی پیش از انقلاب و شعر بعد از انقلاب، به بررسی مصداقی هر یک از آنها می پردازیم.

الف) شعر پیش از مشروطه

اشاره

منصفانه باید گفت که وقتی شعر درازدامنه پیش از مشروطه را _ با همه سبک ها و انواع گوناگونش _ بررسی می کنیم، چندان مردمی بودن و اثرگذاری اجتماعی را در آن نمی بینیم. هرچه هست _ جز در موارد استثنا _ مدح و ثنای پادشاه وقت است که بسته به طول و عرض حوزه حکومت خود، شاعرانی دست به نقد در آستین داشت که هر گفتار و رفتار و خواسته اش را به نظم درآوردند و وقت و بی وقت آن را برایش بخوانند و صله ای دریافت کنند.

شاعران نیز «در دنیای قدیم، اصلاً مسائل اجتماعی را یا نمی دیدند یا ناگفته می گذاشتند. چنین هشیاری ها و حساسیت ها در افق فرهنگ ما کمتر بوده که شاعری این قدر به آفات اجتماعی بپردازد.» (1)در آن دوران، کار شاعران چنان بالا گرفته بود که «شاعران درباری در بعضی از ادوار تاریخی ایران، از افراد مشهور جامعه بودند و حرفه شاعری شان، مکنت و ثروت زیادی برای آنها در پی داشت،(2) چنان که گفته اند: رودکی را دویست غلام بود و چهارصد شتر، بار و بندیل او را می کشید». (3)

بر این اساس، در مورد این گونه شعرها گفته می شود:

از نظر شاعر این دوره، جهان، چیزی است ایستا. او هیچ گونه تغییری

ص: ۷۵

۱- بهاء الدین خرمشاهی، حافظ نامه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۵، چ ۷، ج ۱، ص ۳۱.
۲- منیب الرحمن، شعر دوره مشروطه، برگردان: یعقوب آژند، تهران، روزگار، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۹.
۳- همان.

در پیرامون و روابط اجتماعی جهان اطرافش حس نمی کند. به نظر او، جهان، چیز پوینده ای نیست. حرکت _ اگر حرکتی هم وجود داشته باشد _ در شعر این دوره هیچ انعکاسی ندارد. انسان در مرکز کائنات ایستاده و کائنات همان حرکت بطلمیوسی خود را دارد. به طورکلی شاعر این دوره، از جهان وسیع پیرامونش... کوچک ترین اطلاعی ندارد. (۱)

حال قضاوت کنید که آیا این شعر بی بو و بی خاصیت _ البته منهای شعر شاعران درجه یک فارسی زبان _ که فقط دیوان قطور کن و پادشاه خوشحال کن بود، می توانست با عامه مردم بی سواد که پادشاه را نماینده خدا بر زمین می دانستند، ارتباط برقرار کند و آوای مخالفت سر دهد و جنبشی بیافرینند؟

به یقین، پاسخ، منفی است. این شعر درباری و دور از مردم که شاعر آن با کمترین صله، از این دربار به آن دربار کوچ می کرد و ممدوحی تازه می یافت، رمق شورآفرینی نداشت. به همین دلیل، وقتی تلاش می کنی و دنبال شعری جنبش آفرین می گردی، نهایت مطلبی که به دستت می رسد، شعرهایی است که حداکثر هنرشان، انتقاد خفیف از پادشاه یا هشدار به او یا تذکر شرایط آشفته روزگار است. البته در روزگار نو و با ظهور اقبال لاهوری، اتحاد مسلمانان و غرب ستیزی، موضوع های مهم دیگری است که بعضی شاعران به آن پرداخته اند.

شعر دینی این دوره را نیز تقریباً می توان _ با کمی تسامح _ به دو شکل کاملاً متفاوت تقسیم کرد. تا پیش از صفویه، شعر با موضع دین، جایگاه والایی دارد و همه شعر عرفانی و تعلیمی این چند قرن را دربرمی گیرد و

۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۲۲.

بسیار بـامحتواست، ولی از دوره صـفویه به بعـد، شـعر با موضوع دین رواج فراوان می یابـد که در فصل دوم، در تعریف شـعر دینی، به تفصیل، درباره شعر با موضع یا موضوع دین پرداختیم.

جـالب اینجـاست که حتی مرثیه عـاشورایی محتشم کاشانی هم که از بهترین نوع این شعرهاسـت(۱) و به گفته یـان ریپکـا: «تا روزگـار ما هم سوگنامه دوازده بنـد مولا محتشم کاشانی، هنوز فریبنـدگی، صـمیمیت و خلوص خود را از دست نـداده است» (۲)، ولی «باید اعتراف کنیم که این شـعر، موضع فکری خاصی در قبال واقعه کربلا اتخاذ نمی کند. در اینجا از عوامل و ریشه های نهضت حسـینی خبری نیست و همچنان از عواقب آن سـخن نرفته است... . این شـعر، دشـمن را هم نشان نمی دهد یا اگر هم نشـان می دهـد، فقط دشـمن امام حسـین(ع) است که تصویر می شود، نه دشـمن حسـینیان تاریـخ... . حتی تقصـیرها هم به گردن چرخ بیدادگر و روزگار غدّار انداخته می شود، نه بندگان عصیانگر خدا:

تا چرخ سفله بود، خطایی چنین نکرد

با هیچ آفریده جفایی چنین نکرد

به این ترتیب، قیام هدفمند عاشورا، به یک درگیری بین آل ابوسفیان و آل پیامبر تبدیل می شود و تأسف خوردن هم برای این است که این شهیدان، آل پیامبر بوده اند، نه قیام کنندگان برای برپایی حق و رسواکنندگان

۱- این ترکیب بند دوازده بندی، بارها از سوی شاعران، اسـتقبال شده است. ۲۱ مورد از آنها را می توانید در این کتاب ببینید: حسین درگاهی و دیگران، شورش در خلق عالم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۸.

۲- یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، برگردان: ابوالقاسم سرّی، تهران، سخن، ۱۳۸۳، چ ۱، ج ۱، ص ۵۳۳.

دستگاه خلافت موروثی. چنین است که این شعر، وظیفه و رسالت ما را نیز مشخص نمی کند و در آخر، شعر، درست در لحظه ای که باید فریاد بکشد و موضع گیری کند، می گوید: خاموش باش!

خاموش محتشم که دل سنگ، آب شد

بنیاد صبر و خانه طاقت خراب شد»

خاموش محتشم که از این حرف سوزناک

مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

در این مقام، از باب مشت نمونه خروار، به شعر اجتماعی چند شاعر اشاره می کنیم و باقی را به تتبع خوانندگان گرامی وا می گذاریم.

یک ـ حافظ

گروهی، حافظ را ـ شاید به اغراق ـ انقلابی ترین شاعر عصر خویش می دانند، (۱)ولی من معتقدم که حافظ، مصلح و متفکری اجتماعی است. او «از آن روی مصلح اجتماعی است که با آفت های اجتماعی کار دارد؛ یعنی دردها و فسادها و آسیب ها را تا اعماق می شناسد و جرّاح وار به نیشتر انتقاد می شکافد و آن گاه به مهربانی مرهم می نهد... . صومعه و صومعه نشینان، خانقاه و خانقاه نشینان، خرقه و خرقه پوشان، اعم از صوفی و زاهد و شیخ و محتسب ـ حتی اگر محتسب، پادشاه مقتدری چون امیرمبارز الدین بود ـ آماج انتقادهای طنزآمیز حافظ است». (۲)

بر این اساس، در تحلیل شعر اجتماعی حافظ می خوانیم:

حافظ اگرچه شاعری غزل سراست و در خصوص غزلیات عشقی و

۱- نک: شعر برای بیداری، ص ۱۸.

۲- حافظ نامه، ج ۱، ص ۳۱.

عرفانی وی تاکنون شرح و بسط ها و تفسیرهای فراوان نوشته اند و نیز بسیاری از غزلیات او به زبان های خارجی ترجمه شده، با این حال بسیاری از اشعار وی، انعکاس اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار وی است. حتی گاه یک بیت یا یک مصراع وی، وضع درهم و برهم و ناروا و مشکلات زندگانی اجتماعی و ظلم و جور حکّام خودکامه یا ... تظاهر و ریای فراوان بعضی از زاهدان و صوفیان را در عبارتی کوتاه و بسیار زیبا توجیه می کند که این نوع شعر، در شاعران قبل و بعد از وی کمتر سروده شده است. چنان که در غزلی، وقتی می خواهد از اوضاع و احوال جامعه و درهم ریختگی و پریشانی مردم یاد کند، با یک بیت فصیح و بلیغ و یک جمله کوتاه که در واقع یک مصراع شعر اوست، یک دنیا مطلب را به خواننده عرضه می دارد و می گوید:

صعب روزی، بوالعجب کاری، پریشان عالمی.

منظورش از صعب بودن روز و روزگار، قطعاً سختی زندگی و درهم ریختگی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم و نظرش درباره بوالعجب کاری، وضع بی حساب و کتاب و گرفتاری های فوق العاده مردم در مورد زدوخوردها و جنگ و گریزهای مدعیان حکومت و عدم امنیت، و غرضش از پریشان عالمی، بی بندوباری بزرگان قوم و از میان رفتن همه ضوابط و مقررات دینی و عرفی است. بدین ترتیب، حافظ، سخت ترین و ناگوارترین اوضاع اجتماعی را در همین یک مصراع گنجانده است. لذا اگر در اشعار او دقت شود، در عین حال که عارفی رند و هنرمند و متوجه به ذات پاک احدیت است، بسیاری از غزلیاتش، آکنده از مباحث اجتماعی و مسائل مبتلابه مردم روزگار خود است. (۱)

۱- غلامرضا سلیم، جامعه شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، تهران، توس، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

دو_ عبید زاکانی

بی گمان، در همه زبان ها، کاربرد طنز برای نشان دادن مشکلات و کاستی ها، بیش از زبان جدّ است. هنگامی که به شاعران ایران زمین می نگریم، عبید زاکانی را در این میان دارای مقامی بس والاّ می بینیم که با طنز نیش دار خود، به جنگ بدی ها و انسان های بدکار می رود و رسواشان می سازد، چنان که نوشته اند:

عبید، تأثر خود را از پریشانی اوضاع و احوال و آشفتگی روزگار و جنگ های خانگی جلایریان و مظفریان و دیگر فتنه ها و آشوب هایی که آن روز، امواج مرگ بار خود را بر سر مردم بی گناه فرو می کوفت، به این ترتیب بیان کرده است:

حاصل ز زندگانی ما جز وبال نیست

وز روزگار بهره به جز از ملال نیست

از خوان مُمسکان مَطَلب توشه حیات

کان لقمه پیش اهل طریقت حلال نیست

در وضع روزگار نظر کن به چشم عقل

احوال کس مپرس که جای سؤال نیست

در موج فتنه ای که خلایق فتاده اند

فریادرس به جز کرم ذوالجلال نیست (۱)

یکی از معروف ترین شعرهای اجتماعی عبید، قصیده موش و گربه است. شادروان استاد عباس اقبال، در مقدمه خود بر کلیات عبید زاکانی، در مورد این قصیده می نویسد:

این قصه بسیار شیرین که در سراسر ممالک فارسی زبان شهرتی تمام

۱- عبیـد زاکـانی، کلیـات عبیـد زاکـانی، به کوشـش: پرویز اتابکی، تهران، انتشارات کتاب فروشـی زوّار، ۱۳۴۳، چ ۲، صص پانزده و شانزده، به نقل از: پیش گفتار اتابکی بر این کتاب.

یافته و عده ای از ابیات آن حکم مَثَل سائر را پیدا کرده، مسلماً اشاره به یک واقعه تاریخی است مانند دیگر نوشته های عبید، که به عنوان انتقاد از اوضاع زمان و پاره ای از آداب و مراسم معموله عهد، نگاشته شده است. (۱)

سه _ سیف فرغانی

سیف الدین فرغانی، شاعر قرن هفتم هجری، از شاعرانی است که گاه مضمون های اجتماعی در شعرش یافت می شود. هم اوست که «مضمون مبارزه با ستمگری را با بیانی خطاب آمیز به شعر درآورده است»؛(۲) آنجا که خطاب به شاهان ستمگر می گوید:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هم رونق زمان شما نیز بگذرد

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

باد خزان نکبت ایام، ناگهان

بر باغ و بوستان شما نیز بگذرد

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

چون داد عادلان، به جهان در، بقا نکرد

بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت

این عوعو سگان شما نیز بگذرد

بادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت

هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

۱- همان، صصس سی و چهار و سی و پنج.
۲- شعر و شاعران در ایران اسلامی، ص ۶۶.

زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت

ناچار، کاروان شما نیز بگذرد

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن

تأثیر اختران شما نیز بگذرد

این نوبت از کسان، به شما ناکسان رسید

نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد

بر تیر جورتان ز تحمل، سپر کنیم

تا سختی کمان شما نیز بگذرد

آبی است ایستاده در این خانه، مال و جاه

این آب ناودان شما نیز بگذرد

ای تو، رمه سپرده به چوپان گرگ طبع

این گرگی شبان شما نیز بگذرد

پیل فنا که شاه بقا، مات حکم اوست

هم بر پیادگان شما نیز بگذرد (۱)

سیف «از هرج و مرجی که ظاهراً به خاطر مهاجمه وحشت انگیز مغول در تمام سرزمین ها پیدا شده، به سختی می نالد و ناراحتی های خود را با تأثر بسیار اظهار می کند و از گذشته های امن یاد می نماید و توضیح می دهد که روان شدن خون عزیزان همانند آب بر خاک، افتادن ولایات به دست مردم بی عقل و بی دین، در آمدن مُلک آدمیان در اختیار شیاطین، سرگردانی امرا و سلاطین، شکسته شدن رایت اسلام، پیری و فرتوتی دین و جوانی و برومندی دولت کفر

۱- سیف فرغانی، دیوان سیف فرغانی، تصحیح و مقدمه: ذبیح الله صفا، تهران، فردوسی، ۱۳۶۴، چ ۲، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

و بی بنـدو باری صاحب قـدرتان، وزش باد فنا از مَهبّ قهر الهی و امثال این مطالب، نتیجه هجوم بنیان کن مغولان بوده است». (۱)

ب) شعر مشروطیت

اشاره

پیش تر گفتیم که وقتی به تاریخ ادبیات این مرز و بوم مراجعه می کنیم، می بینیم در طول صدها سال، شـعر فارسـی گرچه از نظر سبک های ادبی و نوع بیان شاعری متفاوت شده، همواره در یک مسئله اشتراک داشته و آن، دور بودن از مردم و درباری بودن شـعر است؛ یعنی از زمان رودکی، پدر شـعر فارسـی، تا قرن ها بعد و عصر قاجار، شاعران همواره کنج عافیت دربار را بر نماینـده مردم بودن ترجیح می دادند و صـبح و شام، پادشاهان را می سـتودند و صـله می سـتاندند. زین العابدین مراغه ای، در کتاب سیاحت نامه ابراهیم بیک خود که در همین عصر قاجار نوشته، می نویسد:

بهره ای که [دولتیـان] از آیین وزارت و حکومت دارنـد، همانـا پیونـد کردن دو سـخن دروغ به همـدیگر است که شـعرش نام گذاشـته اند. بعضی به واسطه آن سخنان به هم پیوسته، پادشاه را به آسمان برده، معراج می دهند و برخی هم دارا و سکندر را از گور درآورده، تفنگ به دوشـش داده، به قراولی و دربانی درگاه سـلطنت وا می دارند. زمره ای نیز در عدالت، نوشـیروان و در زهـد و تقوا، ثـانی ابـاذر و سـلمانش می شـمارند و فرقه ای از آن بی آزرمان نیز خرس کشـتن پادشاه را در جنگل، ردیف ضربت اسدالله الغالب در روز خندق می نگارند. (۲)

ص: ۸۳

۱- جامعه شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، ص ۱۲۴.

۲- زین العابدین مراغه ای، سیاحت نامه ابراهیم بیک، تهران، نشر سپیده، بهار ۲۵۳۷ شاهنشاهی، چ ۴، ص ۱۲۲.

مراغه ای در جایی دیگر، در مورد شاعران عصر قاجار می گوید: «شاعری، یعنی مداحی کسان ناسزاوار». (۱)

در این میـان، در دهه آخر عمر ناصـرالدین شـاه قاجار، انـدک انـدک در کنار شـعر درباری، نوعی شـعر مردمی باب شـد. این جریـان، به اعتبار مخاطب، شـعر مردمی نامیـده می شـد؛ «چه، مخاطبان اصـلی آن، نه درباریان و صاحبان زور و زر و تزویر که جمهور مردمی بودند که در ازای شـنیدن شعر، صله ای به شاعر نمی دادند و شاعر نیز توقع وظیفه و انعام از آنها نداشت. (۲)از این دست شاعران، به فروغی بسطامی، یغمای جندقی، میرزا نعیم و ادیب نیشابوری می توان اشاره کرد. (۳)

این شـعر مردمی، فقط از نظر مخاطب تغییر کرده بود، ولی از نظر مضـمون، «درون مایه این نوع اشـعار را مضمون های کهنه و غیرقابل مصـرف عارفانه، عاشـقانه، پند، اندرز و دیگر مضمون های پراکنده تشکیل می داد که غالباً به علت تهی بودن از روح و معنویت لازم و گرفتار شدن در گرداب تکرار و تقلید، تأثیر خود را از دست داده بود». (۴)

البته پس از عصـر ناصـری، «تحولات اجتماعی که بعد از مشـروطیت در ایران به وجود آمد، در تمام جنبه های زندگی ایرانیان مؤثر واقع شد و در افکار و عقاید آنان رخنه کرد و در عرصه حیات ادبی کشور نیز منعکس

۱- همان، ص ۱۵۹.

۲- سـید مهـدی زرقـانی، چشم انـداز شـعر معاصـر ایران، تهران، ثـالث بـا همکـاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۴۹.

۳- نک: همان.

۴- همان.

شد.» (۱)بر همین اساس، به موازات تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایران آن دوره، ادبیات و به ویژه شعر نیز باید در مخاطب و مضمون، تغییر فزون تری به خود می دید و از همه نظر نو می شد. به همین دلیل، پس از امضای فرمان مشروطه به دست مظفرالدین شاه و درگذشت این شاه و مخالفت شاه بعدی، محمدعلی شاه با بساط مشروطه، شاعران با زبانی نو،(۲) به مبارزه با او پرداختند. به عقیده دکتر شفیعی کدکنی:

درون مایه های شعر مشروطه در قیاس با دوره قبل، مسائلی است از قبیل آزادی، وطن، زن و تعلیم و تربیت او، غرب و صنعت غرب، انتقادهای اجتماعی و تا حد زیاد، دوری از نفوذ دین. (۳)

با توجه به استفاده فراوان شاعران مشروطه از دین و عناصر آن در شعرهای خود، باید پذیرفت که «انقلاب مشروطه هرگز به معنای پشت کردن به مفاهیم دینی یا به معنای تلاش برای غربی ساختن ایران نبود. سخنان تندی نیز که گاهی از سوی بعضی از مشروطه خواهان بیان می شد، نه علیه دین و دین داری، بلکه علیه خرافات و اوهامی بود که به اسم دین، به مردم فروخته می شد.»(۴) حتی می بینیم دکتر عبدالحسین زرین کوب درباره روح دیانت در اشعار ملک الشعرای بهار می نویسد:

در بیشتر قصاید بهار، روح دیانت، جلوه ای بارز دارد. نه فقط اشعاری

۱- گروهی از نویسندگان، نهضت مشروطیت ایران (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تابستان ۱۳۷۸، چ ۱، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- دکتر شفیعی کدکنی در مورد این زبان نو می نویسد: «زبان شعر مشروطه، اندك اندك به زبان کوچه نزدیک می شود؛ چه از لحاظ نحو و چه از لحاظ صرف یعنی واژگان». (ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت، ص ۴۳)

۳- همان، ص ۳۷.

۴- عباس عبدالمحمدی، مقاله: «تفکر دینی در ادبیات مشروطه»، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۲، ص ۲۴۵.

که در مـدح و رثـای پیـامبر و امامـان است، شاهـد این دعوی است، بلکه در اخلاقی هم که وی تعلیم می دهـد، روح دیانت و تعلیم اهل ظاهر، بارزتر و قوی تر از روح عرفان و تعالیم حکما به نظر می آید. (۱)

برخی نویسندگان، شعر دوره مشروطه را، شعر دوره گذرا می دانند و معتقدند:

شعر دوره مشـروطه، شـعر «دوه گذرا یا انتقال» است. در جامعه شناسـی تاریخی، دوره گذرا به دوره ای اطلاق می شود که در آن، همه ابعـاد جامعه در حال دگرگونی است و بحران های فکری، اخلاقی و روحی به اوج خود می رسـد. ویژگی های دوره گذرا از این قرار است:

۱. انقطاع پیوندهای جامعه با گذشته و اصول کلاسیک؛

۲. فروریختن ارزش های مذهبی، اجتماعی و ادبی و شورش در برابر آنها؛

۳. مبالغه در نوگرایی و میل به بدعت و تشکیل دو جبهه متخاصم و افراطی متجدد و سنت گرا؛

۴. بیگانگی روزافزون با خود، دیگرپرستی، شخصیت زدایی و آشفتگی وجدان اجتماعی؛

۵. اعتراض به انحطاط و زدودن معنویت؛

۶. بالارفتن میزان جرم و جنایت و شور و شر و ظهور مذاهب انحرافی. (۲)

بدین ترتیب، شعر مشروطیت، با ویژگی های خاص خود پدیدار می گردد و چنین تعریف می شود:

شعر مشروطیت، بخشی از ادبیاتی است که در دوره مبارزه مشروطه خواهان بر ضد حکومت استبدادی قاجاریه، یعنی چند سال آخر

۱- عبدالحسین زرین کوب، با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی، تهران، علمی، پاییز ۱۳۷۴، چ ۹، ص ۳۷۷.
۲- چشم انداز شعر معاصر ایران، ص ۶۱.

سلطنت ناصرالدین شاه تا اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی به وجود آمد و چون هدف اصلی آن، مبارزه برای کسب آزادی و استقرار حکومت مشروطه در ایران بود، به ادبیات مشروطیت معروف شد. در این میان، شعر به علت قدرت تأثیری که داشت، سهمی بیشتر بر عهده گرفت و بدین ترتیب، شعر مشروطیت با ویژگی های خود، بخشی از تاریخ شعر فارسی دری را به خود اختصاص داد. (۱)

ویژگی مهم این شعر این است که «بعد از مشروطیت، تحت تأثیر فعل و انفعالات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مخاطبان بیشتری پیدا کرد. ادبیات به درون مردم کوچه و بازار کشیده شد و از انحصار دربار و اشرافیت به درآمد. توسعه سواد در بین عامه مردم، گسترش چاپ و انتشار و گرایش های عمومی در حیات اجتماعی ایران، مطبوعات و رسانه های گروهی، تأثیرات عمیقی در بسط و توسعه ادبیات نوین ایران به جا گذاشت». (۲)

باید پذیرفت با گشت وگذاری در دیوان های شعر عصر مشروطه، فراوان به عناصر دینی برمی خوریم که از سوی شاعران این عصر، به کار رفته است؛ مفاهیمی چون خدا، (۳)قرآن کریم،(۴) حجاب (۵)و مدح و رثای

۱- . واژه نامه هنر شاعری، ص ۱۶۴.

۲- . یعقوب آژند، ادبیات نوین ایران، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۱۱.

۳- . فرخی یزدی: عالم همه عابدند و معبود یکی است دنیا ه_مه ساجدند و مسجود یکی است با دی_ده ان_صاف چ_و نی_کو ن___گری روحانی و ما را همه مقصود یکی است (محمد فرخی، دیوان فرخی یزدی، تصحیح و مقدمه: حسین مکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چ ۱، ص ۲۱۶). نسیم شمال: همیشه مسلک ما یاری خدا بوده برای دین خدا جان ما فدا بوده... (سید اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)، باغ بهشت، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۴).

۴- . عشقی: نام دژخیم وطن، دل بشنود خ_ون م_ی کند پس بدین خونخوار، اگر شد روبه رو چون می کند؟ آن که گفتی، م_حو قرآن را همی باید نمود عنقری_ب ای_ن گفته ب___ا سرنی_زه م_قرون م_ی کند (سید محمدرضا میرزاده عشقی، کلیات مصور عشقی، تألیف و نگارش: علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چ ۷، ص ۳۳۴)

۵- نسیم شمال: دختری دیدم که از عفت به رخ بسته نقاب در میان چادری پیدا شده چون آفتاب چون بدیدم آن حیا و آن عفاف و آن حجاب گفتمش احسنت خواندم این دو شعر مستطاب دختران را یار جانی عصمت است و عفت است میوه باغ جوانی عصمت است و عفت است... (باغ بهشت، ص ۷۱)

معصومان(ع)،(۱)

ص: ۸۸

۱- حیفم آمد در اینجا این شعر عارف قزوینی را نیاورم سلام اول ما بر رسول خالق اکبر دوم به ساقی کوثر، سوم شفیعه محشر سلام چارم و پنجم به مجتبی و شه دین یکی شهید به زهر و دگر ز نیزه و خنجر ششم سلام به آن کس که بود عابد و ساجد به عابدی که شد آخر، اسیر فرقه کافر سلام هفتم ما هست بر محمد باقر که جمله اند به نزدش مثال بنده و چاکر سلام هشتم ما، بر ششم امام طریقت که فاضل است و وثیق و شفیق، حضرت جعفر نهم به موسی کاظم، دهم به شاه خراسان که دین ختم رسل را نموده اند منوّر سلام یازدهم بر امام عالم و آدم محمدتقی، آن اعلم و یگانه هنرور سلام می کنم از جان و دل علی نقی را که اوست بر همه مولا- و اوست بر همه سرور سلام سیزدهم بر وجود باذل عادل جامام یازدهم، عسکریِ شیر دلاور سلام چاردهم بر امام قائم بالحق جکه گشته غایب و پنهان به امر حضرت داور ظهور او همه خواهان و مقدمش همه عاشق که تا بری بنماید جهان ز کفر سراسر به امر خالق یکتا کند ظهور و همانا زمانه را کند از عدل، مُشکبیز و معطر شفیع روز جزا شو مرا تو ای شه خوبان تو ای یگانه شهنشاه دین و حجت و رهبر

فراوان در این دیوان ها دیده می شود. در این مقام، به مناسبت عنوان بحث که نقش این شعرها در جنبش آفرینی مشروطه است، فقط به مفاهیمی می پردازیم که در این راستا نقش داشته اند:

یک _ عشق به دین و وطن

• نسیم شمال:

اجنبی شد حمله ور بر مذهب و آ یین ما

ای دریغا می رود هم مملکت هم دین ما

ای جوانان وطن اَلْیوم یوم همت است

ای هواخواهان دین امروز روز غیرت است

می رود ناموس، آخر این چه خواب غفلت است

دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما

ای دریغا می رود هم مملکت هم دین ما... (۱)

• ملک الشعرای بهار:

هان ای ایرانیان! ایران اندر بلاست

مملکت داریوش دستخوش نیکلاست

مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست

غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست

برادران رشید! این همه سستی چراست

ایران مال شماست، ایران مال شماست

به کین اسلام باز، خاسته برپا صلیب

ج

خصم شمال و جنوب داده ندای نهیب

۱- دیوان ملک الشعرای بهار، ص ۲۰۸.

روح تمدن به لب، آیه امن یجیب

دین محمد یتیم، کشور ایران غریب

ج

بر این یتیم و غریب نیکی، آیین ماست

ایران مال شماست، ایران مال شماست (۱)

• فرخی یزدی:

ای وطن پرور ایرانی اسلام پرست

همتی زانکه وطن رفت چو اسلام ز دست

بیرق ایران از خصم جفاجو شده پست

دل پیغمبر را ظلم ستمکاران خست

خلفا را همه دل غرقه به خون است ز کفر

حال حیدر نتوان گفت که چون است ز کفر... (۲)

• ادیب الممالک فراهانی:

تا ز برِ خاکی ای درخت برومند

مگسل از این آب و خاک، رشته پیوند

مادر توست این وطن که در طلبش خصم

نار تطاول به خاندان تو افکند...

این وطن ما منار نور الهی است

هم ز نُبی خواندم این حدیث و هم از زند

آتش حُبّ الوطن چو شعله فروزد

جاز دل مؤمن کند به مجمره اسپند...

• میرزاده عشقی:

ص: ۹۱

۱- دیوان فرخی یزدی، ص ۱۹۱.

۲- سید علی موسوی گرمارودی، زنـدگی و شـعر ادیب الممالک فراهان ، ی تهران، قدیانی، ۱۳۸۴ چ ۱، ج ۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۴ . (این شعر، تلمیحی است ازاین روایت نبوی: حب الوطَنِ منَ الایمان).

مرا عزاست نه عید، این چه عید قربان است

که گوسفند وطن زیر تیغ خصمان است

الا که عید من امروز نیست، چون قربان

شَوَم پی وطن، آن روز عید قربان است

مرا به جامه عیدی مبین، دلم خون است

درون خانه عزا و برون چراغان است (۱)

دو_ مبارزه با ستم شاهان با بهر ه گری از معارف دین

• ملک الشعرای بهار:

با شَه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

کار ایران با خداست(۲)

مذهب شاهنشه ایران ز مذهب ها جداست

کار ایران با خداست...

• ملک الشعرای بهار:

پادشاها ز ستبداد چه داری مقصود

که از این کار جز ادبار نگردد مشهود

جود کن در ره مشروطه که گردی مسجود

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود

هر که این دو ندارد عدمش به ز وجود

ملکا جور مکن پیشه و مشکن پیمان

که مکافات خدایی ت بگیرد دامان

خاک بر سر کندت حادثه دور زمان

ص: ۹۲

۱- . کلیات مصور عشقی، ص ۴۱۱.

۲- دیوان ملک الشعرای بها ر، ص.۱۲۴

خاک مصر طرب انگیز نبینی که همان

خاک مصر است ولی بر سر فرعون و جنود... (۱)

- نسیم شمال:

تا چند کشی نعره که قانون خدا کو

گوش شنوا کو(۲)

آن کس که دهد گوش به عرض فقرا کو

گوش شنوا کو...

- میرزاده عشقی:

...دست و پای گَلّه با دست شبانْشان بسته اند

خوانی اندر ملک ما، از خون خلق آرسته اند

گر گک های آنگلوساکسون، برآن بنشسته اند

ج

هیئتی هم بهرشان، خوان گسترانی می کند

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت

باغبان زحمت مکش، کز ریشه کندند این درخت

میهمانان وثوق الدوله، خونخوارند سخت

ای خدا با خون ما این میهمانی می کند...(۳)

سه _ اتحاد مسلمانان

- ملک الشعرای بهار:

...خوش بُوَد ار ملت اسلام نیز

دشت بشویند ز کین و ستیز

زان که فزون است بداندیش ما

دشمن ملك و عدوی کیش ما

چاره ما نیست به جز اتحاد

این ره رشد است فنعم الرّشاد

ص: ۹۳

۱- همان، ص ۱۱۰.

۲- باغ بهشت، ص ۲۵.

۳- کلیات مصور عشقی، ص ۳۱۰.

پند همین است خموش ای بهار

جوی دل پندنیوش ای بهار

چاره ما یاری دین است و بس

خاتمه الخیر همین است و بس (۱)

- فرخی یزدی:

گاه آن است که زین وِلوِله و جوش و خروش

که به پا گشته ز هر خائن اسلام فروش

غیرت توده اسلام درآید در جوش

همگی متحد و متفق و دوش به دوش

حفظ قرآن را بر دفع اجانب تازند

یا موفق شده یا جان گرامی بازند... (۲)

- نسیم شمال:

واحسرتا که بر هم، اتفاق ملت

بر باد داد دین را، بغض و نفاق ملت

مبعوث شد به امت پیغمبر نکونام

تعلیم کرد بر خلق، احکام شرع اسلام

یک دین و یک خدا را بر خلق کرد اعلام

تا بر نفاق دایر گردد وفاق ملت

داد از نفاق ملت، داد از نفاق ملت...(۳)

- نسیم شمال:

خورشید وطن با ماه دیروز برابر شد

ایرانی و عثمانی امروز برادر شد

ص: ۹۴

۱- دیوان ملک الشعرای بهار، ص ۷۹۶.

۲- دیوان فرخی یزدی، ص ۱۹۲

۳- باغ بهشت، ص ۱۰۱.

این عقد اخوت باز شد تازه مبارک باد

پیچید به هفت اقلیم آوازه مبارک باد

شد پاره ز استبداد شیرازه مبارک باد

این شیعه و سنی باز یک روح و دو پیکر شد

ایرانی و عثمانی هستند به یک پایه

هم مشرب و هم قبله، هم مذهب و هم سایه

فرمان اخوّت داد خلّاق به هر آیه

ز ساحت قدس حق مشروطه مقرر شد

ایرانی و عثمانی امروز برادر شد... (۱)

چهار_ انقلاب

- فرخی یزدی:

نای آزادی کند چون نی نوای انقلاب

باز خون سازد جهان را نینوای انقلاب

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

نیست غیر از خون پاکان خون بهای انقلاب.. (۲)

- میرزاده عشقی:

این ملک، یک انقلاب می خواهد و بس

خونریزی بی حساب می خواهد و بس

امروز دگر درخت آزادی ما

از خون من و تو آب می خواهد و بس (۳)

پنج ـ شهادت

● فرخی یزدی:

ص: ۹۵

۱- همان، ص ۲۱۹.

۲- دیوان فرخی یزدی، ص ۹۲.

۳- کلیات مصور عشقی، ص ۴۱۲.

روزی که شهید عشق قربانی شد

آغشته به خون مفخر ایرانی شد

در ماتم او عارف و عامی گفتند

ایام صفر، محرم ثانی شد (۱)

عارف قزوینی:

از خون جوانان وطن لاله دمیده

از ماتم سرو قدشان سروْ خمیده

در سایه گل بلبل از این غصه خزیده

گل نیز چو من در غمشان جامه دریده

چه کج رفتاری ای چرخ

چه بدکردای ای چرخ

سرِ کین داری ای چرخ

نه دین داری، نه آیین داری ای چرخ (۲)

- ادیب الممالک فراهانی:

گر همی خواهی که اسلام آید از خواری برون

جان فدا کن، گریه را حاصل چه باشد ای ادیب (۳)

ج) شعر در عصر پهلوی اول

پس از عصر مشروطه و روی کار آمدن حکومت پهلوی، ادبیات و شعر، از آن شورآفرینی دوره مشروطه به درآمد و خیلی رقیق شد؛ چه از نظر مخاطب و چه از نظر مضمون. شخصیت های درجه یک این شعر هم هر یک به نوعی به کنار رفته بودند و جانشین هاشان، عروسک های خیمه شب بازی بودند که فقط

۱- دیوان فرخی یزدی، ص ۲۲۶.

۲- دیوان عارف قزوینی، ص ۳۱۶.

۳- زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی، ج ۲، ص ۷۰.

ظاهری پُرطَمْطَراق داشتند؛ و لا غیر. ازاین روست که دکتر شفیعی کدکنی درباره این رجال ادبی آن دوره می نویسد:

در این دوره، آنها که به عنوان ادبای رسمی هستند، یعنی کسانی که روزنامه ها را اشغال کرده اند و تریبون ها را در اختیار گرفته اند، می توان گفت غالباً آدم های سطحی، و در زمینه شناخت مسائل اجتماعی کم فرهنگ، خودفروخته و حتی بی وطن هستند: بهار در تبعید است؛ ایرج مرده است؛ عارف در همدان به زندگی گیاهی خودش ادامه می دهد و در درّه های همدان تقریباً حالت زندانی به خود گرفته است؛ عشقی هم ترور شده است، پروین اعتصامی هم زنی بود بیشتر منزوی و نهایت انتقادی که دارد در: «روزی گذشت پادشهی از گذرگهی...» منعکس است؛ غالب اعتراض های فرخی یزدی هم با کنایه و به کار گرفتن استعارات شعر کلاسیک است و کمتر صراحت دارد. (۱)

فشار و سانسوری که رژیم رضاخانی بر ادیبان وارد می کند، به اندازه ای است که حتی انتقادها در شعر این دوره «متوجه چیزهای سطحی و روبنایی است. انتقادها، سطحی است و آن تندی ای که در شعر عارف و عشقی و بهار بود و به ریشه مسائل می زد، در این دوره نیست [و] رژیم، این اجازه را به کسی نمی دهد که به مسائل عمقی بیندیشد و مسائل عمقی را در آثار خود منعکس کند». (۲)

ازاین رو، شعر آن دوره، رو به نوعی «نمادگرایی» می نهد و دیگر از شعرهای با پیام مستقیم و عامه پسند امثال نسیم شمال، عارف و عشقی خبری نیست. به همین دلیل، اندک اندک شعر دوباره مثل سده های پیش، از

۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، صص ۴۷ و ۴۸.

۲- همان.

دسترس عموم خارج و به ادیبان و خواص مختص می شود. نویسنده ای در مورد پیدایش این نمادگرایی می نویسد:

در اوایـل دوران سـیاه پهلـوی، بعضـی از آزادی خواهـان و حتـی شـاعران، از حربه کارآمـد شـعر و قلم برای مبـارزه، به خوبی استفاده می کردند، ولی به علت همان جوّ دوره رضاخانی و نیز عدم اعتقاد عمیق خود، در نهایت یا از مبارزه دست کشیدند و سکوت اختیـار کردنـد، یـا متأسـفانه مفتون و فریفته فرهنـگ آن روز غرب شدنـد. البته همـان جوّ خفقان آلود، خیلی سـریع و صریـح اثرش را در ادبیـات جلوه گر سـاخت؛ زیرا شاعران مجبور بودنـد حرفشان را در بستری از کنایه و رمز و اشاره و... بیان کنند. ازاین رو، شـعر به طرف نوعی تمثیل گرایی و سـمبولیزم کشـیده شد. واژه هایی چون شب، دیو، جنگل، نور، دریا، سـیم خاردار، نسیم، خورشید، بهار، باران، دشنه، غبار، سکوت، زمستان، بیابان، چراغ، ابر، قاصدک و... ، معنایی غیر از معنای لغوی خود داشتند. (۱)

برخی هم معتقدند: «دوره بیست ساله حکومت اسـتبدادی رضا شاه، مانع سـیر طبیعی جریان شـعر مشـروطیت شد»(۲) و در این دوره بود که شـعر رو به انحطاط گذاشت. دکتر شـفیعی کدکنی در کتاب محققانه ادوار شـعر فارسـی از مشـروطیت تا سـقوط سلطنت، با آوردن نمونه ای عینی، درباره این انحطاط می نویسد:

نمونه دیگر انحطاط، روزنامه کانون شعرا است که در سرلوحه آن (۱۶ فروردین ۱۳۱۳ ه. .ش) هدف های روزنامه به قرار ذیل تعیین شده بود:

۱. ایجاد حس وطن پرستی و شاه دوستی با زبان شعر و نثر در بین تمام طبقات؛

۱- . منوچهر اکبری، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسـلامی، بخش اول: شـعر، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسـلامی، پاییز ۱۳۷۱، چ ۱، ج ۱، ص

۲- . واژه نامه هنر شاعری، ص ۱۶۵.

۲. مبارزه جدی علیه مسکرات؛

۳. توجه دادن جامعه ایرانی به صنایع مفیده اروپا و امریکا.

یکی نبود از آن ساده دلان بپرسد که این حرف ها چه ربطی به عالم شعر دارد.(۱)

پس می بینیم در آن دوره خفقان رژیم رضاخانی، هیچ شاعری، چه دینی و چه غیردینی، جرئت مخالفت سرایی نداشت و اگر هم استثنا شاعری بود مثل فرخی یزدی، لبانش را به هم می دوختند و سر به نیستش می کردند.

نکته دیگر آنکه در آن زمان، مخالفت با مظاهر مذهبی چون حجاب و روحانیت، خاستگاه دولتی داشت و از سوی مطبوعات به آن دامن زده می شد. ازاین رو، شاعرانِ در خدمت رژیم، همواره می کوشیدند خوش خدمتی کنند و بر ضد این مضامین شعر بسرایند. بر این اساس، رهبر کبیر انقلاب در سخنانش درباره شعر آن دوره و مخالفت آن با دین می فرماید:

شعرا شعر گفتند، مجالس درست کردند، محافل درست کردند، تبلیغات کردند. هرطور توانستند، با هر شیوه ای، این روحانیون را و این متدینین را کوبیدند و مقصود اصلی این بود که اسلام را از بین ببرند. (۲)

د) شعر در عصر پهلوی دوم

یک _ ادبیات مطلوب رژیم

نویسنده کتاب شعر و شاعران در ایران اسلامی، به حق درباره ادبیات موردنظر رژیم پهلوی می نویسد:

در دوران سیاه طاغوت، تلاشی هماهنگ و گسترده توسط رژیم و وابستگانش _ رسمی و غیررسمی _ صورت می گرفت تا ادبیاتی عرضه شود

۱- . ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۵۲.

۲- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۱.

که هیچ نشانی از میراث گذشتگان نداشته باشد. نوپردازان و پیشتازان ادب معاصر، پا به میدان نهادند که روند فسادشان چهار محور اساسی را تشکیل می داد:

یک ــ اسلام زدایی و ارائه طرح های مبتذل از ملیت و گذشته ایرانیان؛

دو ــ خودباختگی در برابر فریب های غرب و اشاعه جلوه های منحط فرهنگ آن دیار؛

سه ــ ترویج فساد اخلاقی و جنسی؛

چهار ــ به انحطاط و سقوط کشاندن فرهنگ و ادب فارسی. (۱)

با گشت و گذاری ــ هرچند کوتاه ــ در مجموعه شعرهای چاپ شده در آن زمان، به راحتی می توان ردّپای این محورها را دید، چنان که در بحث بعد (شاعران روشن فکر) به برخی از آنها می پردازیم.

دو ــ شاعران روشن فکر

اشاره

گفتیم که مشکل بزرگ شعر فارسی پیش از مشروطه، دوری از مردم بود. عوام، حرف شاعران، یعنی خواص را نمی فهمید؛ درنتیجه، سخن بیشتر شاعران به مردم نمی رسید یا اگر هم می رسید، اقبالی نمی یافت. جالب اینجاست که درست همین مشکل برای شاعران روشن فکر عصر پهلوی دوم هم اتفاق افتاد؛ یعنی مردم نه آنها را می شناختند، نه حرفشان را می شنیدند و می فهمیدند و نه به آن اهمیت می دادند. شاهد آن، اعلام به بن بست رسیدن شعر این شاعران، از سوی این نویسنده است در همان سال ها:

آنچنان که معلوم است، شعر امروز ایران به بن بست رسیده است. دفترهای شعر، دیگر خواننده چندانی ندارد و به همین سبب، واحدهای

۱- شعر و شاعران در ایران اسلامی، ص ۷.

انتشاراتی، به نشر دفترهای تازه شعر، علاقه و رغبتی نشان نمی دهند؛ زیرا حتی درباره نامدارترین شاعران امروز و حتی با تیراژهای هزار تا حداکثر دو هزار نسخه نیز واحدهای انتشاراتی، امید به فروش دفترهای تازه شعر ندارند. ...چنین شعرهایی قادر به بر انگیختن شور و شوقی در گروه شعردوست نیست؛ سرِ زا می رود و دیگر از آنها در یاد و زبان مردم، خبری نیست. (۱)

برای شعر این شاعران، سه درون مایه برجسته برشمرده اند:

اول ــ مرگ و نومیدی

شعر روشن فکران آن دوره، سرشار از درون مایه مرگ و نومیدی است، به گونه ای که «غالباً شاعران به مرگ می اندیشند و اصولاً یکی از درون مایه های اصلی شعر این دوره، مسئله اندیشیدن شاعران به مرگ و حتی ستایش مرگ و ناامیدی عجیب و غریبی است که شاید بهترین پیغام گزارش ــ به حق ــ اخوان ثالث باشد.»(۲) آل احمد نیز درباره شاعر این دوره می نویسد: «شاعر امروز هم مثل آدم هرکاره دیگری، آدمی است سرگردان در این جهان؛ میان ترس و امید». (۳)

دوم ــ پناه بردن به افیون

در کنار درون مایه مرگ و نومیدی، «مضمون دیگری رشد کرد و آن پناه بردن به افیون و میخانه و مستی و گریز از هشیاری و ستیز و مبارزه است. این ویژگی، بیشتر در نتیجه یأس و شکست بعد از ۲۸ مرداد برای

۱- . ناصر پور قمی، شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، تهران، مروارید، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، صص ۵ و ۶.

۲- . ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۶۱.

۳- . جلال آل احمد، ارزیابی شتابزده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چ ۱، ص ۲۲.

روشن فکران به وجود آمده بود. در آن جوّ یأس و مرگ، اندک اندک، مضمون هایی از قبیل ستایش میخانه و می و پناه بردن به افیون و هرویین رواج یافت و بسیاری از شاعران این نسل، در غبار گم شدند». (۱)

برای این مسئله، مثال جالبی از کتاب شعر و سیاست، نوشته ناصر پورقمی می آورم:

به یاد یک «شعر» از یکی از شاعران نامدار و به اصطلاح «صاحب نظر» این زمانه می افتم که حتی پس از چند بار خواندن، موفق به درک مقصد و مقصود و حتی موضوع آن نشدم و عاقبت با اغتنام فرصت آشنایی با شاعر، با وی به گفت وگو نشستم و هنگامی که او با حوصله بسیار، شعر خود را شکافت و مفهوم و موضوع آن را گفت، معلوم شد موضوع «شعر» و مراد شاعر، جز این نبوده که شبی در شهر او میخانه ها تعطیل بوده اند و او به اجبار به کنج اتاقش پناه برده و استکانی زده و باز هم همان در و دیوار و همان تکرار! (۲)

اینجاست که این نویسنده، نومیدانه از شعر روشن فکری روزگارش، با درد و گلایه فراوان می نویسد:

آیا به راستی، این است شعر روزگار ما؟ این است شعری که آن همه تئوری درباره حقانیت آن می بافند؟ این است شعری که مردم باید با آن زندگی کنند و آن را دست مایه جنبش و حرکت کنند؟ آیا به راستی، این است مهم ترین مسئله روزگار ما و دیار ما؟ با چنین شعری است که در این روزگار و در این دیار می توان با مردم رابطه برقرار کرد؟ و آیا با چنین شعرهایی، باز هم می توان از توده مردم یا دست کم از گروه شعردوست،

۱- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۶۱.
۲- شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، ص ۱۳.

توقع اقبال داشت؟ (۱)

سوم _ ستیز با اخلاقیات حاکم بر جامعه

سومین درون مایه شعر روشن فکران عصر پهلوی دوم، «ستیز و درگیری شعرا با اخلاقیات حاکم بر جامعه است. نفرت و دشمنی آنها با نهادها و اصول سنتی اخلاق حاکم بر جامعه _ خواه در شکل دینی و خواه در شکل عرف اخلاقی حاکم بر جامعه _ آشکار است، به همراه نوعی کفر گفتن و گونه ای تجاهر به فسق، و این تِمی بود رایج و حاکم بر تفکر شعرای آن دوره». (۲)

می بینیم که از دل این شعر زنگاربسته افیونی، نه ندایی از دین بلند است و نه جایی برای شورآفرینی و برآوردن رسالت شاعری و تعهد. هرچه هست، مشتی واژه بر روی سفیدِ کاغذ است که خواننده ندارد و کمتر کسی، گوشه ذهنش را به آن مشغول می کند.

سه _ انواع شعر سیاسی دوره پهلوی دوم

اشاره

اشعار سیاسی عصر پهلوی دوم را به چهار دسته می توان تقسیم کرد:

اول _ اشعار سیاسی چپ گرا

اشعار سیاسی چپ گرا، شامل سه نوع سروده است؛ اشعار کارگری، اشعار چریکی و توجه به انقلاب های نقاط مختلف جهان. البته «از نظر گستردگی و مقبولیت اشعار سیاسی چپ، در طول این دوره فراز و نشیب هایی به چشم می خورد. در دهه بیست، به خاطر حضور نیروهای شوروی در ایران و حمایت آنها از گروه های چپ گرا، اشعار چپ گرایانه رونق زیادی داشت، اما

۱- همان.

۲- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۶۲.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و کشف سازمان نظامی حزب توده، فعالیت شعرای چپ گرا کمتر شد. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در اواخر دهه چهل، با شروع مبارزات چریکی، اشعار چریکی این گروه در بین مردم گسترش پیدا کرد».(۱)

دو م _ اشعار سیاسی ملی گرایانه

شاعران ملی گرا با استفاده از آموزه های ملی گرایانه، به مخالفت با رژیم پهلوی می پرداختند. نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و نیز دکتر مصدق، به طور گسترده در شعر این دست شاعران بازتاب یافته است. توجه به مفاخر کهن، قهرمانان ملی و اساطیری، بیگانه ستیزی و نیز اهمیت دادن به وحدت ملی و زبان فارسی، از دیگر موضوع های مورد علاقه ملی گرایان شاعر است. نکته پایانی اینکه «اشعار ملی گرا کمتر به حوادث بین المللی توجه داشتند و اکثراً به مسائل داخلی کشور می پرداختند». (۲)

سوم _ اشعار سیاسی اسلامی

«قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران علیه حکومت پهلوی بود. پس از این قیام بود که مردم و نخبگان جامعه، به اهمیت و نقش اسلام در مبارزه پی بردند. در بین شاعران نیز اندک اندک افرادی، واژه ها و مفاهیم اسلامی را در شعرشان به کار بردند؛ درحالی که قبل از سال ۱۳۴۲، استفاده از تعابیر اسلامی در اشعار سیاسی، چندان به چشم نمی خورد. با

۱- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۱۹۲.

۲- همان، ص ۲۴۴

نزدیک شـدن به پیروزی انقلاب اسـلامی، بر تعـداد شاعرانی که از مفاهیم اسـلامی در شـعرشان بهره می گرفتند، افزوده شد». (۱)

برخی مفاهیم اسـلامیماننـد عدالت، قیام، شـهادت، انتظار، ولایت و ظلم ستیزی، در شـعر شاعران این دوره فراوان به کار رفته است. در بخش بعد، به طور مفصل به این گونه سیاسی شعر خواهیم پرداخت.

چهارم _ اشعار سیاسی سلطنت طلب

اشـعار این شاعران به مـدح و ثنای خانـدان سـلطنت می پردازد. موضوع هایی ماننـد سالروز تولـد شاه یا ولی عهد، سالروز تاج گذاری شاه و پدرش و نیز انقلاب سفید شاه و ملت و جشن های ۲۵۰۰ ساله، بسیار مورد توجه این شاعران است. حتی کسانی از این شاعران بودند که «کودتای ۲۸ مرداد را به عنوان قیام ملی توصیف می کردند». (۲)

ه_) شعر دینی پیش از انقلاب اسلامی

اشاره

با نگاهی گـذرا به شـعر و تحولات شـعری در طول مـدت پادشاهی محمدرضا، یعنی از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی، جریان های سیاسی گوناگون شعر را می توان مشاهده کرد که در بخش پیشین به سه تای آنها _ که چندان ربطی هم به بحث شعر دینی ندارد _ به اجمال پرداختیم.

اینک به ضـلع چهارم این مربعِ شـعری می پردازیم؛ یعنی شـعر دینی متعهـد قبل از انقلاب. البته باید توجه داشت و انصاف داد که «بخش مهمی از شعر نو نیمایی درسال های دهه چهل و پنجاه، جنبه مذهبی نداشته، یا کمتر به

۱- همان، ص ۳۰۲

۲- همان، ص ۳۲۵

مفاهیم دینی تمایل نشان داده است.»(۱) به هرحال، شعر دینی هم با وجود شاعران انـدک خود، مثل نعمت میرزاده (م.آزرم)، طاهره صفارزاده، مهرداد اوستا، علی موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، محمود شاهرخی و چند تن دیگر توانست جایگاهی در میان شعر پیش از انقلاب برای خود بیابد و این شاعران، شرایط بد اجتماعی، سیاسی و مذهبی آن عصر را به ما می نمایانند.

به نظر می رسـد در این نوع شـعر، امام خمینی(ره) و دوره های پربار زنـدگی آن بزرگ مرد، در مرکز دایره توجه این شاعران قرار دارد، «به طوری که بخش وسیعی از اشـعار سیاسـی این دوره، حول محور رهبری ایشان سروده شده است».(۲) ازاین رو، بـد نیست به طور گـذرا، زنـدگی مبـارزاتی آن عزیز سـفرکرده را فهرست وار یـادآوری کنیم تا مشـخص شود کـدام بخش از زندگی ایشان، بیشتر بر شاعران مذهبی تأثیر گذاشته است:

۱. تلگراف ایشان به عَلَم، نخست وزیر در ۳۰/۱۰/۱۳۴۱ در اعتراض به طرح و تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی.

۲. تحریم رفراندوم در ۲/۱۱/۱۳۴۱.

۳. انتشار تلگراف امام در ۱۳/۱/۱۳۴۲ در پاسخ به تسلیت مراجع به مناسبت فاجعه حمله به مدرسه فیضیه قم.

۴. انتشار اعلامیه به تاریخ ۲۸/۲/۱۳۴۲ خطاب به واعظان درباره ایام محرم، مبنی بر بازگوکردن مسائل روز کشور بر منبر.

۱- محمدجعفر یاحقی، جویبار لحظه ها: جریان های ادبی معاصر ایران، تهران، جامی، ۱۳۸۰، چ ۳، ص ۱۵۷.
۲- همان، ص ۲۴۶

۵. اعتراض به شاه در پایان درس خارج در ۱/۳/۱۳۴۲ ضمن بررسی اوضاع سال ۴۱ و ۴۲.

۶. سخنرانی تاریخی در عصر عاشورا (۱۳/۳/۱۳۴۴).

۷. دستگیری ایشان در نیمه شب ۱۵/۳/۱۳۴۲ که موجب پدید آمدن قیام تاریخی ۱۵ خرداد شد.

۸. انتقال ایشان در ۴/۴/۱۳۴۲ از پادگان قصر به سلولی در پادگان عشرت آباد و سپس در ۴/۵/۱۳۴۲ حصر امام در منزلی در داوودیه تهران.

۹. آزادی ایشان در ۱۵/۱/۱۳۴۳.

۱۰. ۲۱/۱/۱۳۴۳ واکنش ایشان به خبر روزنامه اطلاعات مبنی بر سازش رژیم و روحانیت.

۱۱. ۲۵/۲/۱۳۴۳ نخستین سخنرانی پس از آزادی و تأکید بر ادامه مبارزه.

۱۲. سخنرانی معروف ۴/۸/۱۳۴۳ و واکنش به طرح اسارت بار کاپیتولاسیون.

۱۳. تبعید به آنکارای ترکیه و سپس بورسا در ۱۳/۸/۱۳۴۳.

۱۴. مهاجرت به عراق در مهر۱۳۴۴.

۱۵. شروع درس ولایت فقیه در مسجد شیخ انصاری در نجف اشرف در سال ۱۳۴۸.

۱۶. واکنش ایشان به برپایی جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۰.

۱۷. حرام دانستن شرکت در حزب فرمایشی و شه ساخته رستاخیز در پاسخ به استفتائات مردم در دی ۱۳۵۳.

۱۸. شهادت آقا سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶.

۱۹. درج مقاله توهین آمیز «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در ۱۷/۱۰/۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات و واکنش علما و مردم به آن.

۲۰. هجرت به پاریس و اقامت در نوفل لوشاتو در ۱۳/۷/۱۳۵۷.

۲۱. بازگشت غرورآفرین به ایران در ۱۲/۱۱/۱۳۵۷.

۲۲. تشکیل دولت موقت در ۱۵/۱۱/۱۳۵۷.

۲۳. پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲/۱۱/۱۳۵۷.

۲۴. ورود به قم پس از پانزده سال تبعید در ۱۰/۱۲/۱۳۵۷. (۱)

پس از شکست نیروهای ملی و مذهبی در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاعران این دو جناح سرخورده شدند و تا مدت ها نتوانستند به مخالفت جدّی با رژیم پهلوی بپردازند. در این میان، جبهه مذهبی به ناگاه با خروش پیامبرگونه حضرت امام، جانی تازه گرفت و فعالیت خود را آغاز کرد. احمد درستی در کتاب شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم درباره موضوع های شاعران اسلام گرا در سال ۵۶ و ۵۷ می نویسد:

مبارزات مردم ایران در این دوره، به ویژه حوادث مربوط به انقلاب اسلامی، از جمله حوادث روزهای هفدهم تا نوزدهم دی ۱۳۵۶ در قم و چهلم شهدای آن در تبریز و شهرهای دیگر، حادثه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ و کشتار مردم در میدان ژاله (شهدای فعلی) که به جمعه سیاه معروف شد، حادثه آتش زدن سینما رکس آبادن و حماسه آفرینی ها و از جان

۱- نک: مصطفی فیض، چراغ عجم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۱۴ _ ۱۶.

گذشتگی های مردم در تظاهرات و راه پیمایی ها، از موضوع های مورد توجه شعرای اسلام گرا بود. (۱)

در اینجا موضوع هایی را که شاعران شعر دینی در مبارزه با رژیم پهلوی بدان پرداخته اند، جداگانه بررسی می کنیم.

یک _ مبارزه با استبداد و اختناق

اشاره

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت محمدرضا به ایران، شاهنشاه اندک اندک تمام قدرت را به دست خود گرفت و بیش از پیش به شاهی خودکامه و ظالم تبدیل شد. ازاین رو، جوّ اختناق، همه جا را فراگرفت و در واقع استبداد، بیداد می کرد.

کار این استبداد به جایی کشیده شد که نویسنده ای در مقدمه منتخبی از اشعار انقلابی که حدود سال ۱۳۵۸ به چاپ رسانده، وضع اختناق پهلوی و برخورد با شعر متعهد را چنین بیان می کند:

سال ها قبل از انقلاب، آن زمانی که خفقان و استبداد همه ایران را فراگرفته بود و سانسور بی رحمانه ای بر مطبوعات حکم فرما بود، اگر شاعر متعهد و آزاده ای شعری می سرود و فریادهای درونش را در جملاتی موزون می ریخت، آن شعر، زبان به زبان و دست به دست در همه شهرها و گاه شهرهای دور می گشت و آنهایی که از رژیم و جنایت های آن دل پرخونی داشتند، آن اشعار را در خلوت زمزمه می کردند یا در مجالس و محافلی که به دور از چشم اغیار تشکیل می شد، برای یکدیگر می خواندند و آتش خشم چون همیشه، در وجودشان به گردش در

۱- . شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۴۶.

می آمد و دلها در هوای آزادی می تپید. (۱)

در این میان، شاعران مذهبی سرای آن دوره، بیکار ننشستند و به سرایش اشعاری در نکوهش این جوّ اختناق پرداختند. در این مقام، به موضوع هایی که شاعران درباره آن شعر گفتند و نیز نمونه هایی از شعر آن می پردازیم:

اول _ نکوهش کودتای ۲۸ مرداد

پس از کودتا، شرایط خفقان آور پدید آمده، شاعران را به واکنش واداشت؛ چنان که خسرو فرشیدور، در شعری به نام «مغولان» که چند روز پس از آن واقعه سروده، عاملان کودتا و حکومت آنان را، حکومت مغولان می داند که برای از هم پاشیدن بساط اسلام و بنا کردن کفر آمده اند:

وحشیان، بی خردان، بی وطنان آمده اند

کافران، دوزخیان، اهرمنان آمده اند

ماردوشان ستم پیشه ضحّاک تبار

بر سر نعش وطن خنده زنان آمده اند...

شب تاریک پی روز سپید آمده است

بت پرستان ز پی بت شکنان آمده اند

بهر پاشیدن اسلام و بنا کردن کفر

کافران، ددمنشان، دین شکنان آمده اند

شهریور ۱۳۳۲ (۲)

حمید سبزواری نیز در همان سال، مردمان ایران را زندگان بی اثر می داند و می سراید:

به غم نشسته در این تیره شام بی سحریم

به درد خفته در این رهگذار پرخطریم...

نهاده گوش به فرمان عامل زوریم

گشاده چشم به دنبال صاحبان زریم

۱- ناهید امینیان، شکوفه های آزادی: مجموعه ای از اشعار انقلابی، تهران، میثم، ۱۳۵۸، ص ۷.

۲- عبدالرحیم ذاکر حسین، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، علم، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۰.

برهنه ایم و به شهر خیال شمشیریم

گرسنه ایم و به دنیای وهم، شیر نریم...

نه مرده ایم، که زندگان بی اثریم

نه زنده ایم که چون مردگان بی خبریم...

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سروده شد. (۱)

دوم _ انتقاد از برنامه های فرهنگی رژیم

برنامه های فرهنگی رژیم پهلوی، در راه نشر و تبلیغ فرهنگ غرب بود. این مسئله، به روشنی در برنامه های تلویزیونی، سینما و تئاتر آن دوره دیده می شود. به همین دلیل، شاعران علاقه مند به فرهنگ این ملت، از برنامه های فرهنگی دولت انتقاد می کردند. حمید سبزواری در بخش هایی از شعر بلند «ای سپید، سپیده» به این مطلب اشاره کرده است:

به شهوت کشانید ما را سراپا

به ذلت نشانید ما را سراسر

به ما چیرگی داد آن را که دارد

صفات مؤنث، لباس مذکر

بری کرد مردان ز مردی و غیرت

عری کرد نسوان ز ناموس و گوهر

هنر آنچنان مبتذل شد به دوران

که خواندند مرد دلقکان را هنرور

بدین نکته وصف هنرپیشگان بس

هر آن کو بد آموزتر، پرهنرتر... (۲)

محمدحسین بهجتی اردکانی نیز از اینکه محمدرضا و پدرش رضاخان، به جای پرداختن به توسعه حقیقی کشور، بیشتر به مسائل روبنایی و سطحی می پرداختند، برمی آشوبد و اعتراض خود را چنین بیان می کند:

اگر ترقی کشور به شعر و موسیقی است

اگر به مستی و بی عفتی و رقص و سرود

ص: ۱۱۱

۱- حمید سبزواری، سرود درد، تهران، کیهان، بهار ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۱۱.

۲- همان، ص ۲۴۳

به حق قسم که برای همیشه باید گفت

چنین دیار سیاه و کثیف را بدرود

وگر مقلد رفتار سایر ملل اند

چرا دمی نگشایند چشم خواب آلود

فتاده در پی تسخیر آسمان آنها

ولیک همت اینان بود می و دف و رود

ز دیگران نگرفتیم یاد جز مستی

به غیر خار ز گلزار دست ما چه درود؟

فغان که درد دل «بهجتی» فراوان است

ولی دریغ که نَبْوَد مجال گفت وشنود

۱۴/۹/۱۳۴۱ (۱)

سوم مخالفت با انقلاب شاه و مردم

انقلاب شاه و مردم، از دیگر موضوع های مورد انتقاد شاعران مخالف رژیم بود. شاه می خواست از راه اجرای اصلاحات ارضی، تشکیل سپاه دانش و اعطای حق رأی به زنان، بخشی از خواسته های دولت مردان امریکا را تأمین کند. حمید سبزواری در قصیده «پیش گویی» درباره این به اصطلاح انقلاب می سراید:

چند فرمان، ای به فرمان آمده

ای ز تو خلقی پریشان آمده

ای ز دشمن مر تو را فرمان به دست

دشمن حق، خصم یزدان آمده

ای ز فرمان تو در اصلاح ارض

عرض و طول ملک، ویران آمده

وز سپاه دانش و ترویج تو

ننگ و رسوایی فراوان آمده

وز پی آزادی نسوان، زنان

در کمند آزمندان آمده

ای تو را بربسته چشم حق نگر

کور از مادر به دنیا آمده

ص: ۱۱۲

۱- سید حمید روحانی(زیارتی)، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی(ره)، دارالعلم و دارالفکر، دی ۱۳۵۸، چ ۴، ج ۱، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

هان بفرما تا چه فرمانی ز خصم

بر فنای ملک ایران آمده

هان بفرما تا چه دستور از عدو

بر دوام ظلم و عدوان آمده...

سروده سال ۱۳۵۵ (۱)

چهارم _ مخالفت با ساواک

در زمان رژیم پهلوی، سازمان امنیت کشور یا همان ساواک، مسئولیت شناسایی، کشف و سرکوب نیروهای مخالف رژیم را بر عهده داشت. مأموران این سازمان مخوف که زیر نظر سیا و موساد آموزش می دیدند، بسیاری از مبارزان را دستگیر، زندانی، شکنجه و شهید کردند و جنایت های بی شماری مرتکب شدند. ازاین رو، شاعران مبارز و مخالف رژیم، در اشعار خود به بدگویی از این سازمان جنایت پیشه پرداختند:

هر کوی و برزنی را

می جویند

هر مرد و زنی را

می بویند

بشنو!

این زوزه های سگان شکاری است

در جست وجویش اکنون

و خاک،

خاک تشنه

و قطره های خون.

۱- سرود درد، صص ۳۳۳ _ ۳۳۸

آن گرگ تیرخورده آزاد

در شهر شهرها

امشب کجا پناهی خواهی یافت

یا در خروشش خشم گلوله

کی سوی بیشه راهی خواهی یافت

۱۳۵۰ (۱)

اسماعیل قمری در شعری به نام «ساواک»، همه اعضای ساواک را ناپاک، پلید و بی رحم می داند و می سراید:

خدایا! روزگار خلق ایران

سیه شد از جنایت های ساواک

همه افراد بی رحم و پلیدند

همه جلاد و بی شرمند و بی باک (۲)

پنجم _ انتقاد از حضور مستشاران خارجی در ایران

رژیم پهلوی برای گستراندن فرهنگ غرب در ایران، از کمک کشور های غربی و مستشاران آنها بهره می برد، به گونه ای که در اواخر دوره محمدرضا، تعداد مستشاران نظامی و غیرنظامی امریکایی در ایران، بسیار چشم گیر بود. شاعران متعهد آن زمان که از این شرایط ناراضی بودند، این نارضایتی را در شعر خود بازتاب می دادند:

خواست چو اهریمن پلید وطن را

یکسره سودا کند به غیر، به ترفند

خواست چو با دامِ غیر، دام مذلّت

طوق اسارت به گردن وطن افکند

۱- محمدرضا شفیعی کدکنی(م.سرشک)، از بودن و سرودن، تهران، توس، تیر ۱۳۵۷، چ ۲، صص ۶۷ و ۶۸.
۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۵۷.

خواست چو با دستِ مستشار نظامی

ریشه اسلام را از خاک وطن کند

داد چو بیگانه را جواز خیانت

خواست چو این ملک را زِ ننگ بپاکند..

نعمت میرزاده (م. آزرم) (۱)

ششم _ مخالفت با تشکیل حزب رستاخیز

رژیم پهلوی می کوشید صورتی دموکراتیک به اعمال خود دهد. به همین دلیل، گه گاه دستور تشکیل احزاب را صادر می کرد. مدتی دو حزب «ایران نوین» و «مردم»، نقش دو حزب اکثریت و اقلیت را بازی می کردند، ولی در دهه پنجاه، شاه دستور داد حزبی فراگیر به نام «رستاخیز» تشکیل شود و همه کارمندان دولت، موظف به عضویت در آن شدند. برخی شاعران در آثار خود، به انتقاد از این حزب پرداخته اند:

جانشین حزب ایران نوین

حزب نوبنیاد رستاخیز شد

حزب مردم هم به حکم شهریار

شد برون از گود و حلق آویز شد

شاه گفت آن کو بُوَد بیرون ز حزب

بایدش بیرون ز کشور نیز شد...

عده ای را نیز دندان طمع

جبهر صید مال و منصب تیز شد...

حزب شاهی هیچ گه چیزی نشد

یا دو روزی چیزکی ناچیز شد

عبدالعلی ادیب برومند (۲)

۱- . سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی(ره)، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، خرداد ۱۳۶۴، چ ۱، ج ۲، صص ۴۴ و ۴۵.

۲- ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج ۴، ص ۲۲۴.

هفتم _ انتقاد از برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله

یکی از برنامه های رژیم پهلوی، تجدید عظمت ایران باستان بود. بدین منظور، محمدرضا تصمیم گرفت در سال ۱۳۵۰، جشن های باشکوهی به مناسبت دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران در تخت جمشید برگزار کند. این جشن های پرهزینه، فراوان از سوی شاعران انقلابی مورد انتقاد قرار گرفت:

فقر و بیکاری در ایران بین چه غوغا می کند

شاه در ویرانه هایش جشن برپا می کند

من ندانم این چه رقص و این چه شور و این چه سور

وام بیگانه ز ملت، پشت را تا می کند

جشن فرعون زمانه گرچه پرزرق است و برق

کآسمان ها غبطه این جشن زیبا می کند

شاه می خندد، فرح رقصد، عَلَم کوبد دهل

پایکوبی ها در این محفل، هویدا می کند

لیک می بینم فقیری بی دوا میرد دریغ

مثل او صدها بمیرد، شه تماشا می کند

آن یکی برپا نماید شور و شادی در قمر

شاه ایران جشن را بنگر کجاها می کند

تاجر و دهقان و زارع هرچه می آرد به دست

بهره وام است، آخر بانک یغما می کند

شاه ایران! هرچه می خواهی دلت می کن ولی

مرگ می آید تو را، تاریخ، رسوا می کند

هر خردمندی شناسد خیمه شب بازیِ شاه

کاو ز بهر تخت لرزانش تقلّا می کند

ملت ایران چو می خواهد بگوید حرف من

شاه می گوید سپس خود را مبرّا می کند

گاه دانشجو بکوبد شاه و گه خرداد ماه

جوی خون سازد روانه، بین چه با ما می کند

یک طرف تبعید مرجع، یک طرف زندان قصر

یک طرف فریاد قم سر تا ثریّا می کند

یک طرف حق تساوی، یک طرف لغو طلاق

بنگر این تزویرگر قرآن هدایا می کند

یک طرف کشف حجاب و یک طرف فحشا و می

ج

مِلک ایران را خدایا شه اروپا می کند

آری آری شاه ظالم! نیک می دانی خودت

بودجه جشن تو غارت مِلک ما را می کند

دوش با صاحبدلی گفتم که ملت تا به کی

سلطه درباریان بر جان گوارا می کند

گفت وه بگذار تا بیند سزای غفلتش

آن که جو کارد، چرا گندم تمنّا می کند؟

«رحمتی» این ملت خوش خفته را بیدار کن

گرچه جلّاد ستمگر بر تو ایذا می کند

حسین رحمتی _ مهرماه ۱۳۵۰ (۱)

نعمت میرزاده (م. آزرم) موضوع انتقاد بر جشن های پرهزینه شاهنشاهی را در این دو بیت چنین بیان می کند:

شب بود، شب دد، شب اهرمن

وقاحت به شادی دریده دهن

شب نورباران، شب شعبده

شب سور اهریمن و سوگ من (۲)

دو_ امام خمینی(ره) در شعر پیش از انقلاب

پیش تر گفتیم که اصولاً ـ شعر دینی پیش از انقلاب، بیشتر بر محور حضرت امام می گردد. از آن لحظه که آن پیر مراد، نهضت خود را آغاز کرد و بر ضد طاغوت خروشید، شاعران نیز همانند بیشتر مردم، رهبری او را پذیرفتند و در شعرشان بازتاب دادند، به گونه ای که این دست شاعران از شعرهایی که در فاصله آذر ۱۳۴۱ تا فروردین ۱۳۵۸ در وصف آن امام بی همتا سروده اند، کتابی با بیش از سیصد صفحه تدوین شده است که از حجم بالای این گونه شعرها خبر می دهد. ویژگی های کتاب شناسی این کتاب بدین قرار است:

مصطفی فیض، توصیف خاکیان از آفتاب، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱، ۳۵۲ صفحه.

اکنون فهرست وار، به بعضی از این شعرها اشاره می کنیم:

ص: ۱۱۸

۱- سید حمید روحانی(زیارتی)، نهضت امام خمینی(ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۷۴، چ ۲، ج ۳، صص ۹۶۰ _ ۹۶۲.

۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۵۱

 استاد محمدرضا حکیمی، پس از واقعه ۱۵ خرداد سروده است:

... ای پیشوای شیعه که تاریخ ما ز تو

از افتخار، پا به سرِ کهکشان کشید

قم را شکوه نهضت تو در همه جهان

اندر شمار مکتب آزادگان کشید

قم جای درس بود و سکونی خمودگون

وینک حماسه اش ز تو تا هر کران کشید

ای پیشوای خلق که تاریخ انقلاب

نقش تو را به طاق بلند زمان کشید

خورشیدسان، خروش تو از مرز خاوران

تا دورتر کرانه غرب جهان کشید

ای قرن ها حماسه و ای سال ها خروش

ای کز تو انقلاب، سوی جاودان کشید

نام تو زنده است که خود دست روزگار

نام تو را چه خور، به سر خاوران کشید

صد آفرین به روح خمینی و نهضتش

کاین گونه، خلق را به جهادی گران کشید... (۱)

 شاعری ناشناس در غزلی، محمدرضا شاه را به آزاد کردن حضرت امام از زندان فرا می خواند و می سراید:

شاه را گو مرجع تقلید را آزاد کن

۱- توصیف خاکیان از آفتاب، صص ۴۷ و ۴۸.

مسلمین خسته دل را زین الم دلشاد کن...

گر که می نازی به تخت و بخت و تاج و اقتدار

این جهان فانی است، تاریخ پدر را یاد کن

رهبر دین، پیشوای ملت و زندان کجا

خویش را آماده بهر کیفر میعاد کن...

 شاعری در غزلی ناتمام به نام «سه بت شکن»، حضرت امام را پس ابراهیم خلیل الله(ع) و حضرت علی(ع)، سومین بت شکن سراسر تاریخ می داند و می سراید:

جهان شده ز وجود سه بت شکن آگاه

ج

کزین سه، در سه زمان جلوه کرد وجه الله

یکی ظهور به بابل نمود و بت بشکست

که نام او به جهان خوانده شد خلیل الله

دوم کسی که جهان پاک کرد از بت ها

فراز دوش نبی بود علی ولیّ الله

سوم کسی که قیامش بدین زمان افتاد

ز نسل موسی جعفر، خمینی روح الله

بزرگوار خدایا! نمای تأییدش

که همتش شکند پشت هر عدوالله(۱)

 نعمت میرزاده (م. آزرم) در شهریور ۱۳۴۴، در قصیده ای بسیار گیرا و استوار در ۴۸ بیت، امام دربند رژیم را می ستاید و برای نخستین بار،

۱- همان، ص ۶۵.

حضرت آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی را به نام «امام» می خواند و می سراید:

ای ز وطن دور، ای امام خمینی

ای تو علی را یگانه پور همانند

مطلع این قصیده بدین قرار است:

ای ز وطن دور، ای مجاهد در بند

ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند (۱)

 زنده یاد نصرالله مردانی در غزلی هشت بیتی، حضرت امام را فاتح همیشه تاریخ می داند و بر ایشان درود می فرستد:

ای ناجی بزرگ جهان، نایب امام

خورشید تابناک افق های خون، سلام...

می آیی از مدار سحر با پیام فتح

جای فاتح همیشه تاریخ، ای امام (۲)

 زنده یاد دکتر طاهره صفارزاده در آبان سال ۱۳۵۸، در شعری نو به نام «سروش قم» که آن را به پیشگاه امام خمینی(ره) تقدیم کرده از ایشان که مهربان معلم بیداری و رهبر نبرد نهایی است، می خواهد که بازگردد:

باز آ

باز آ

ای مهربان معلم بیداری

ای رهبر نبرد نهایی... (۳)

۱- نهضت امام خمینی(ره)، ج ۲، صص ۴۴ و ۴۵.

۲- توصیف خاکیان از آفتاب، ص ۱۹۱.

۳- طاهره صفارزاده، بیعت با بیداری، شیراز، انتشارات نوید، زمستان ۱۳۶۵، چ ۳، ص ۲۴.

دکتر شریعتی در شعری که در روزنامه اطلاعات پنج شنبه پنجم بهمن ۱۳۵۷ چاپ شد، حضرت امام را در روزگار قحطی فریاد و جنبش، فریاد روزگار می نامد و درباره روح خدا می سراید:

فریاد روزگار ماست

روح خدا

در روزگار قحطی هر فریاد

در روزگار قحطی هر جنبش

هر کوشش،

فریاد روزگار ماست... . (۱)

سه ـ وصف آزادی و زندانیان دربند

در ایران خفقان زده عصر پهلوی دوم، آزادی، کالای کمیابی بود که برای مبارزان، سخت دست نایافتنی می نمود. ازاین روست که شاعران در شعرهاشان زیباترین تعبیرها را برای وصف آن به کار می برند:

دلی که شد به جهان آشنای آزادی

به جان خویش پذیرد بلای آزادی...

محمدعلی مردانی (۲)

یا این شعر با نام «آه آزادی!»:

کو بهاری خوش و بزمی خوش و عهدی خوش

که نشینم خوش در دامن گل ها من

تا برآسایم درسایه آزادی

بسرایم شکرین شعر طرب زا من

۱- توصیف خاکیان از آفتاب، صص ۱۵۲ _ ۱۵۴
۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۷۱.

آه، آزادی، آزادی، آزادی

به فدای تو ای مملکت آرا من...

حمید سبزواری ـ اسفند ۱۳۴۸ (۱)

و نیز:

چو دم زنی همه دم از کلام آزادی

بیا ز من بشنو در مقام آزادی

احمد بلوری (۲)

از دیگر موضوع های مهم آن زمان در شعر شاعران دینی، سرودن به یاد زندانیان دربند رژیم است. برای نمونه، دکتر شفیعی کدکنی در شعر «پرسش» می سراید:

آسمان را بارها

با ابرهایی تیره تر از این

دیده ام

اما بگو

ای برگ!

در افق این ابر شبگیران،

کاین چنین دلگیر و بارانی است،

پاره اندوه کدامین یار زندانی است؟

مرداد ۱۳۵۲ (۳)

۱- . سرود درد، ص ۲۲۵.

۲- . شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۷۳.

۳- از بودن و سرودن، صص ۶۵ و ۶۶.

یا نعمت میرزاده (م. آرزم) شعر «درود خلق» خود را، به واپسین گروه از زندانیان سیاسی تقدیم کرده است که به بازوی توانای خلق از زندان رهایی یافته اند:

از سینه گداخته خلق

شمشیر های آخته آذرخش خشم، فرود آمد

بر بندبند دیوِ نگهبانِ بندهای دلیران

و آن گاه

دیوار استوارنمای ستم به ناگهان

چون نان دروغ پوچ، فرو ریخت.

وز کامِ اژدهای پلید ستم

رزمندگان خلق برون تاختند

نستوه و سرفراز

تا باز هم تداوم این رزم را چنان که بشاید

با عزم استوار، میان بندند...

اول بهمن ۱۳۵۷ (۱)

چهار ـ بزرگداشت شهیدان نهضت و برخی مخالفان رژیم

اشاره

پیروزی انقلاب اسلامی، ثمره خون هزاران شهید انقلابی بود؛ از جان گذشتگانی که شجاعانه با رژیم مبارزه کردند و جان عزیز خود را از دست دادند. شاعران مبارز، از این حماسه ها چکامه ها سرودند و به یادگار از خود به جا گذاشتند. دکتر شفیعی کدکنی درباره آن والامقامان سروده است:

۱- نعمت میرزاده (م. آزرم)، گلخون، تهران، تیرنگ، بهمن ۱۳۵۸، چ ۱، صص ۹ _ ۱۳.

آن عاشقان شَرزه، که با شب نزیستند

رفتند و شهر خفته ندانست کیستند

فریادشان تموّج شطّ حیات بود

چون آذرخش در سخن خویش زیستند

مرغانِ پرگشوده توفان که روز مرگ

دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند

می گفتی ای عزیزا! «سَتَروَن شده است خاک.»

اینک ببین برابر چشم تو چیستند:

ج

هر صبح و شام به غارتِ توفان روند و باز،

باز، آخرین شقایق این باغ نیستند

تهران، ۶/۴/۱۳۵۱ (۱)

خسرو فرشیدور در شعر «در شعر شهادت»، سروده های خود را افسانه فخر و غرور و نبرد شهیدان می داند و چنین می سراید:

خون تو در درون کفن جوش می زند

روح تو در فضای وطن جوش می زند...

فریادهای سرخ و غرورآفرین تو

در شعر و حرف و نغمه من جوش می زند

خفتی به خاک سرد ولی خون گرم تو

در ذره های خاک وطن جوش می زند

افسانه های فخر و غرور نبرد تو

۱- از بودن و سرودن، صص ۹ و ۱۰

در هر پیام و شعر و سخن جوش می زند

آذر ۱۳۴۷ (۱)

حمید سبزواری در اوج کشتار رژیم در سال ۱۳۵۷، غمگنانه همچو بلبل، از مرگ گل کفنان نوحه سر می دهد:

طرب رمیده ز گلشن چه گلستان است این

نشاط رفته ز مرغان، چه داستان است این...

به مرگ گل کفنان نوحه می کند بلبل

چه بی ترانه بهاری، چه بوستان است این... (۲)

نعمت میرزاده (م. آزرم) در شعر خود با عنوان «برای شهیدان» می سراید:

...اینک غریو روح شهیدانند

این کولیان باد _ که در صحنه های رزم _

فریاد انتقام دلیران را

تفسیر می کنند...

می دانم ای برادر!

شرط برادری

این گونه نیست اما

بخشای ای برادر!

بر دست بسته ام...

مشهد_ خرداد ۱۳۴۶ (۳)

ص: ۱۲۶

۱- خسرو فرشیدور، حماسه انقلاب: مجموعه شعر همراه مقدمه ای درباره شعر امروز ایران، تهران، مؤلف، مهر ۱۳۵۶، ص ۸۲.

۲- . سرود درد، ص ۳۸۲.

۳- نعمت میرزاده (م. آرزم)، سحوری، تهران، رواق، تابستان ۱۳۵۷، چ ۱، صص ۷۲ _ ۷۹.

جالب اینکه حتی در سروده های به ظاهر بی ربط به جریان انقلاب و شهادت نیز ردپایی از شعر دینی انقلابی دیده می شود. برای نمونه، در شعر تقدیمی م. آرزم به حضرت فاطمه(س) با مطلع زیر:

سلام من به سوی دختر پیامبری

که آیتی است چنین دختر از چنان پدری

چنین آمده است:

مگر خبر نشدی ای بزرگ بانوی من

که ریخت خون شهیدان به هر سر گذری

یقین که از پی این شام دیرپای ستم

نوید عدل بیارد سپیده سحری (۱)

افزون بر وصف شهید و شهادت به صورت کلی، در شعر برخی شاعران، وصف تعدادی از مخالفان برجسته رژیم پهلوی دیده می شود که به برخی از آنها می پردازیم.

اول ـ جهان پهلوان غلام رضا تختی

تختی به خاک رفت

تختی فسرد و مرد

او کاوه بود، رستم دستان گود بود

او نام آب و خاک وطن را به «زور» خویش

آن سوی مرزهای وطن زنده کرده بود

اما درون میهن خود، نام زنده اش؛

۱- همو، لیله القدر، تهران، انتشارات رشناوند، اردیبهشت ۱۳۵۷، صص ۱۰۹ و ۱۱۰

تا زیر خاک رفت

او دل شکسته بود

او از حیات مردم خود دل گسسته بود

این روزنامه ها...

اینان که....

یادش عزیز باد...

تختی دریغ مرد

تختی به خاک رفت

تهران _ سه شنبه، ۱۹/۱۰/۱۳۴۶ (۱)

مرثیه ای برای تختی

کدامین پیک را باید روانه کرد

اکنون نزد رودابه

کدامین نرم گوی نکته دان

شاید گزارش را

چه سان گوید بَرِ آن شیرپرور، زن

که رستم، قامت برنایی و پاکی

بلند آوازه همزاد پیروزی

برافرازنده رایات آزادی

در این پیکار دهشناک،

کاینک رایت افراسیاب و

۱- علی موسوی گرمارودی، عبور، تهران، توس، اردیبهشت ۱۳۴۹، چ ۱، صص ۶۷ _ ۷۱.

رایت کاوس یک رنگ است

و پیروزی شهید سازش و افسون و

نیرنگ است

به ناهنگام خود را کشت

کدامین دل کند باور؟

کدامین ضربه اش افکند؟

کدامین ناروا از پشت؟...

مشهد ـ بهمن ۱۳۴۶ (۱)

جوانمرد و موفق بود تختی

که عضو جبهه حق بود تختی

از این رو عمر او کم بود چون شمع

که خود را سوخت بهر خاطر جمع

غلط گفت آن که گفتا این جوانمرد

ز دست زن، قرص بیهشی خورد

شهید راه آزادیِّ ایران

جز بیداد جفا حق کشی مرد

که گوید قاتل خود بود تختی؟

کجا دانا کند این نکته باور

بگویم قاتل تختی که باشد؟

جرژیم مردکش، نامردپرور

عدوی رستم ما ناکسان اند

که در مردارخواری کرکسان اند

گناه وی که ایران زاده بودی

گناه دیگرش آزاده بودی

اگرچه دست هر ایرانی پاک

نوازش ها نماید بابکش را

ولی چون بوسه گرم پدر نیست

که بنماید گرامی کودکش را

ص: ۱۲۹

۱- سحوری، صص ۱۶۰ _ ۱۶۷.

خدایا! حفظ کن آن ماه رو را

یک تختیِ دیگر ساز او را (۱)

دوم _ جلال آل احمد

چریک پیر

مرثیه برای جلال آل احمد

فراز قله دگر برج دیدبان خالی است

چریک پیر _ کزان اوج چارسو دیدن،

دو چشم دوخته بر مرزهای آزادی،

و هر مهاجم چالاک را به تیر نشان،

به جای خود می دوخت،

به سال های خموش،

نبرد می آموخت،

ز پای فتاده است.

درون برج نگهبان مرزهای شرف

کدام فاجعه سرزد؟

چریک پیر چرا آرمید ناهنگام

عقاب مرگ چه سان برفراز او پر زد؟... (۲)

سوم _ شهید آیت الله محمدرضا سعیدی

رفت سعیدی از جهان شاد و سعید

با هزاران افتخار و صد امید

با محمد، با رضا محشور شد

دوهزار و سیصد و سی بعد شصت (۳)

ص: ۱۳۰

۱- نهضت امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲- سحوری، صص ۱۴۰ _ ۱۴۷

۳- شعر، در منبع به همین شکل آمده و قافیه درستی ندارد.

در قزل قلعه با بسی زجر و ستم

روح او زانجا سوی طوبی پرید

لعن و خشم حق به قوم ظالمین

جمع نامردان مزدور پلید(۱)

م. آزرم نیز در شعری می سراید:

محمدرضای سعیدی، بزرگی

که اسلام او را به جان پروریده

ز بیداد ضحاک و دژخیم هایش

جشهیدی است اینک به خون آرمیده (۲)

چهارم _ دکتر علی شریعتی

نه هیچ گردم از قفا، نه هیچ در برابرم

در این سفر، پگاه تر، سوار شد برادرم

چه غربتی است بادیه، سحور غم برآمده

تو خفته کاروان شده، سپیده دم برآمده...

همان سوار اولین که جمره را به سنگ زده

ج

همان که رودخانه را به خون تازه رنگ زد

همان چراغ نور و خون، همان اگر شب آمدی

همان معلم شهید، اگر به مکتب آمدی...

علی معلم (۳)

حمید سبزواری نیز در رثای او، ۳۲ دو بیتی با عنوان «خفتی چرا...»(۴) سروده است:

ص: ۱۳۱

۱- نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۶۴۱.

۲- همان، ص ۷۰۷.

۳- ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج ۴، صص ۳۳۵ _ ۳۳۷.

۴- سرود درد، صص ۳۵۶ _ ۳۶۳.

خفتی چرا ای چشم بیدارت نخفته

ای مرغ دل در جان هشیارت نخفته

پای طلب هرگز ز رفتارت نخفته

یک دم زبان در کام دربارت نخفته

□ □ □

خفتی چرا، هرگز نبودی سرد و خاموش

هرگز نمی کردی ز حق گفتن فراموش

هرگز نمی خفتی نمی رفتی تو از هوش

ای قلزم اندیشه، چون افتادی از جوش؟

□ □ □

خفتی چرا، اینک نه وقت خفتن توست

ای بحر دانش موسم آشفتن توست

وقت هنرآموزی و دُرسفتن توست

گاه سخن پردازی و حق گفتن توست

پنجم _ جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی

در ارتفاع قله

هم پای پاک اباذر بودی

هم شانه ستبر شجاعت

هم شانه جلال

اکنون تو با جلالی

ما بی تو

بی او

بی جلال

ما کیستیم

طاهره صفارزاده (۱)

پنج _ قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

خون خورشید، جان روز

اوج عصیان

حجم وسیع فریاد خلق

شاهد تجلی اسلام

عصاره سال های خشم خفته در گلو

لکه ننگ بر دامن رژیم جبار

من خردادم

«نه» منفجر شده، شور سلحشورانم

غزل خون شهیدان

یوم الله اَم، یوم الناس اَم

روز خالق و خلق

جواد محدثی (۲)

۱- طاهره صفار زاده، سفر پنجم، تهران، رواق، اسفند ۱۳۵۶، چ ۲، صص ۵۷ و ۵۸.

۲- ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۱، ص ۲۳

عاشوراآفرین قرن

خون شفق دوباره سر از بی کران کشید

ج

گردون، لوای خون، به فراز زمان کشید...

پس آن همه به نیمه خرداد از چه کشت؟

پس انتقام از چه ز روحانیان کشید؟...

آن مؤمنان پاک ورامین کجا شدند

آنان که دین ز ماتمشان اَلْامان کشید...

محمدرضا حکیمی (۱)

جلادان پلید

وای از آن تندباد نیمه خرداد

کان همه سرو بلند را ز بن افکند

ننگ به جلاد، آن پلید که ری را

ج

کرد ز خون شهید، سرخ چو یاکند

مویه بر آن کشتگان دشت ورامین

سجده بر آن مردمان پاک برومند (۲)

شش ـ قیام هفده شهریور ۱۳۵۷

شقایق های جمعه سیاه

ای گرگ های هار

۱- توصیف خاکیان از آفتاب، صص ۴۶ _ ۵۰.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۶۱۲.

ای کرکسان زشت

ای ساکنان قلعه بیداد و جهل و فقر

ای در کف تمام شما جام های زهر

امروز جمعه است

آن جمعه سیاه که چون لاله سرخ شد...

خسرو فرشیدور ــ شهریور ۱۳۵۷ (۱)

جمعه سرخ

بر لاله شنیده ام ژاله

بر ژاله ندیده ام لاله

بر ژاله ببین کنون که یک دشت

لاله بدمید و خون فشان گشت

در ژاله نگر که یک بیابان

شد لاله پر زخون نمایان...

مظاهر مصفّا ــ شهریور ۱۳۵۷ (۲)

 کجا که سرنزدم!

میان آن همه دود،

میان آن همه مردم،

درون داغ و درود،

میان آن همه آتش،

کنار خرمن درد

۱- حماسه انقلاب، صص ۵۹ _ ۶۲.

۲- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، ص ۲۷۷.

کنار آن همه افتاده مشبّک سرد

کنار آن همه آه می مردم،

از این خیال که شاید تو هم، جوانک من

تو هم کنار یک خیابان، کنار یک میدان

به خاک فتادی

به دست یک نامرد

شب از کرانه گذر کرد و باز آمد روز

چرا به خانه خود برنگشته ای هنوز؟

غلامحسین متین _ ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ (۱)

و) شعر دینی پس از انقلاب اسلامی

اشاره

مقام معظم رهبری، در مقدمه بر کتاب سرود درد نوشته حمید سبزواری درباره شعر انقلاب می نویسد:

شعر دوران انقلاب، در میان همه مقاطع تاریخ طولانی، این ویژگی را دارد که تقریباً یک دست و کامل در جهت آرمان ها و هدف های والا و سخنگوی احساسات و افکار و جهت گیری های ملتی است که شاعر از دل آن برخاسته و بدان وابسته است.

شعر دوران انقلاب، شعر زر و زور نیست، شعر احساسات سطحی و فردی و متوجه به آرزوها و امیال حقیر بشری نیست؛ زبان یک ملت و شرح حال یک امت است، انعکاسی از روح بزرگ جامعه ای است که یک پارچه و در جهت هدف ها و آرمان های الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است. شعر هدفدار و سازنده مردمی است، شعر دربارها و می خانه ها و عشرتکده ها نیست. شعر، صحنه عظیم جهاد و سیاست و انقلاب و جهان نگری است؛ شعر خدایی

۱- همان، صص ۲۷۷ _ ۲۷۸.

است.

هم زمان با پیروزی نهضت اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، شعر انقلاب پا به عرصه وجود نهاد. «شعر انقلاب به بیدار کردن انبوه ختفگان پرداخت تا بگویند برای چه خاموشند؟ و شاعران که کارمایه از جان می گرفتند و به واژگان جان می بخشیدند، جان بر سر آن نهادند». (۱)

دکتر محمدجعفر یاحقی در مورد تشکیل شعر انقلاب معتقد است:

شعر عصر انقلاب، همگام با شکل گیری انقلاب در سال های پایانی حکومت رژیم پیشین پا گرفت و مسیر خود را مشخص کرد. در راه پیمایی ها و تظاهرات روزهای انقلاب، بسیاری از شاعران با الهام از دستاوردهای نهضت شعر گفتند و ارزش های نوین حرکت مردمی را که عمدتاً جنبه های حماسی، عرفانی و دینی داشت، در خود منعکس کردند. (۲)

در این بخش، به اصناف شاعران پس از انقلاب، تعریف این شعر و ویژگی های آن می پردازیم و سپس ــ چونان بخش های پیشین ــ به نمونه هایی از این شعر خواهیم پرداخت.

به نظر می رسد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاعران این مرز و بوم، به سه دسته تقسیم شدند: (۳)

۱. گروهی از این شاعران که پیش از انقلاب نیز شعر می گفتند، در آستانه انقلاب، با ارزش ها و مفاهیم تازه ای که از رهگذر انقلاب در عرصه

ص: ۱۳۷

۱- فرامرز سلیمانی، شعر شهادت است، تهران، موج، بهار ۱۳۶۰، ص ۱۳.

۲- محمدجعفر یاحقی، چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر ایران)، تهران، جامی، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۲۵۲.

۳- این تقسیم بندی، از کتاب چون سبوی تشنه، نوشته محمد جواد یاحقی گرفته شده است.

فرهنگ و زندگی اجتماعی پیدا شده بود، هماهنگ شدند و با استفاده از مایه های هنری خویش، شاخه نیرومندی از شعر انقلاب را پدید آوردند.

۲. عده ای هم که تمایلات عموماً غربی داشتند، از همان ابتدا، سیر انقلاب را در جهت مطلوب خود ندیدند و خط خود را از آن جدا کردند. بعضی از آنها هم به خارج از کشور رفتند و ناخشنودی از انقلاب و اهداف آن را در شعر خود بازتاب دادند.

۳. دسته سوم، شاخه جوان ادبیات امروز است که سن پدیدآورندگانش، اقتضا نمی کند پیش از انقلاب، آثاری پدید آورده باشند. اینان، کار ادبی خود را در انقلاب آغاز کردند و چون به اصل و مبانی آن اعتقاد داشتند، به طور طبیعی، منادی اندیشه ها و پیام های انقلاب اسلامی شدند.

به راستی انقلاب اسلامی ایران چگونه شکل گرفت؟ نویسنده ای معتقد است: «زمزمه هایی که در سکوت آغاز شد، به موجی از صدا بدل گشت و صداها بلندتر شد و به فریاد رسید و فریادها از چهار جانب، نقطه اوج انقلاب را ساخت. شاعر چون هر هنرمند دیگری، در این فریادها شرکت داشت» (۱)و بدین سان، شعر انقلابی را پدید آورد. اما تعریف این شعر جدید چیست؟

فرامرز سلیمانی در کتاب شعر، شهادت است آن گاه که می خواهد شعر انقلابی سال های ۵۷ تا ۵۹ را بررسی کند، درباره تعریف شعر انقلابی می نویسد:

شعر امروز ایران، در تجربه مرحله تازه ای است که می توان نام «شعر

۱- شعر، شهادت است، ص ۸۳.

انقلاب» را بر آن نهاد. تعریف شعر انقلاب را دقیقاً نمی دانیم، چنان که تعریف شعر را. نیز آن را شاخه مستقلی از شعر به حساب نمی آوریم، اما شعری را که پیش درآمد و محرک موج سترگ انقلاب شد، شعری را که در روزهای انقلاب عرضه شد و شعری را که در پی آمد انقلاب از آن سخن گفت، چنین نام نهادیم. بدین سان، تمام آنچه را شعر متعهد، شعر مسئول، شعر اجتماعی، شعر سیاسی، شعر اختناق، شعر مقاومت، شعر زیرزمینی و شعر زیراکسی نامیده می شد و در پیوند مستقیم و غیرمستقیم، دور یا نزدیک با انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود، در این بحث بررسی کرده ایم. (۱)

باید اذعان کرد که بسیاری از شعرهایی که شاعران در آن

زمان می سرودند، اشعار قوی و قابل توجهی نبود، ولی این مطلب، از ارزش تاریخی و به جا و درست سروده شدن آنها نمی کاهد. به قول منوچهر اکبرلو:

اگر ادبیات و شعر روزهای نخستین انقلاب، چندان پخته و جاافتاده نیست، به علت عظمت انقلاب و حرکت تند و توفان واری است که به شاعران، فرصت اندیشیدن و آفرینش آثار قوی و مایه دار را نمی دهد. (۲)

همین نویسنده، در جای دیگر خاطرنشان کرده است:

آنچه به عنوان آثار ادبی از دوران خشم و عشق و فریاد و حماسه و شور و شهادت و خون به جای مانده، از نظر من قابل تأمل و ارزشمند است؛ حتی اگر ضعیف باشد و شعارزده و سطحی و گذرا. شاعر، در آن مرحله از انقلاب شکوهمند و توفنده اسلامی، فرصت اندیشه

۱- همان، ص ۹.

۲- . نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، ص ۱۶.

شاعرانه را نداشت و تا می خواست با تأمل و درنگ و حوصله کافی شعر را در کارگاه خیال بپزد و آن را به رنگ و عاطفه بسپارد و به نگارگری و میناگری اش بپردازد، جریان ها و موضوع های شاعرانه متعدد و اساسی، اما زودگذر و تکرارناپذیر را از کف داده بود. می توان شعرهای دوران انقلاب، خصوصاً دوره اول تا سقوط رژیم طاغوت را، شعرهایی تا حدی روززده و شتاب زده نامید. (۱)

پیش از آنکه به ویژگی های شعر انقلاب بپردازیم، نقل قولی از زنده یاد، احمد زارعی بیراه نیست که در مورد محتوای این شعر می نویسد:

در محتوا، بیش از همه محورها، جنگ (مبارزه طلبی، شهید و شهادت، پیکار با ظالم)، امام (تمجید از صفات و حالات ایشان و نیز تأثر و مرثیه سرایی در سوگ حضرتش)، مناسبت ها (شهادت یاران امام، عاشورایی ها، ولادت ها و شهادت های امامان، بعثت و...) و اجتماع (موضع گیری بر ضد رفاه طلبان بی درد و دفاع از محرومان، دغدغه کم رنگ شدن ملاک های انقلاب) در شعر انقلاب به چشم می خورد. (۲)

حال، شعر انقلاب با این محتوای فاخر، باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ به نظر می رسد پس از جمع بندی دیدگاه های اهل فن، می توان این ویژگی ها را برای شعر انقلاب برشمرد:

یک _ حضور مذهب و نمادهای آن

اشاره

بدون تردید انقلاب اسلامی ایران، بر شالوده مذهب استوار بود و پیروزی نهضت بدون این باور، ناتوان می نمود. ازاین رو، شاعران نیز

۱- . همان، ص ۳

۲- . احمد زارعی، مقاله «ارزیابی شعر انقلاب اسلامی بر پایه میراث فرهنگی»، مجله شعر، ش ۱۷، صص ۱۸ و ۱۹.

فراوان در شعر خود، از مذهب و نمادهای آن بهره برده اند، چنان که نویسنده ا ی دراین باره معتقد است:

بخش عمـده شـعر انقلاب، با مفاهیمی ربط پیـدا می کند که در حوزه دین و باورهای مذهبی قرار دارند. دین، جان مایه تفکر شـاعران و درنـتیجه، محتوای غـالب شـعر شـد و متقابلاًـ شـعر توانست در پرواز بلنـد خویش، به افق هـایی در کهکشـان دین و باورهـای آن سـیر کنـد که رهـاورد آن، تصویرهـای تـازه ای از متعلقـات دین بود که گـاهی برای خود دین باوران نیز تازگی داشت و جلوه های بـدیعی را به نمایش می گذاشت. بدین گونه، مفاهیم ارزشـمند و بلندی چون جهاد، شـهادت، ایثار، انفاق، گـذشت، بعثت، عـاشورا، امـامت، ولاـیت، غـدیر، انتظـار، دعـا، عـدالت و...، در معرض نگـاه تـازه شاعران انقلاب، جلوه های متفاوت و تازه ای یافتند.(۱)

در اینجا شایسته است نمونه هایی از این رویکرد به مذهب را بیاوریم، ولی حقیقت این است که با حجم بالای این گونه شعر، گزینش، کـار دشواری است. ازاین رو، مشـخصات کتـاب شناسـی یکی از بهترین مجموعه ها را می آوریم تا علاقه منـدان، به آن مراجعه کنند:

صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست وپنج سال شعر مذهبی ایران ۸۰ _ ۱۳۵۵، گردآوری و تنظیم: امیر مسعود طاهریان، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ۴۱۶ صفحه.

شب های کوفه

آوازِ در باران رهایش را نفهمیدند!

چاه از غمش پر شد، صدایش را نفهمیدند!

غمگین ترین شب پیش روی آسمان در خاک

خورشید پنهان کرد، جایش را نفهمیدند!

۱- مصطفی محدثی خراسانی، مقاله «شعر انقلاب و نگاه تازه به مفاهیم دینی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸، ص ۴.

با کوله باری کوچه های فقر را می گشت

شب های کوفه، ردّ پایش را نفهمیدند!

شمشیر بود و دست هایی از دعا سرشار

ج

اعجاز سرخ ربّنایش را نفهمیدند!

سجاده ها بر غربت آن مرد می گریند

مردی که عاشق شد، خدایش را نفهمیدند!

محبوبه بزم آرا (۱)

فقط شبیه خودت هستی

نه مثل ساره ای و مریم، نه مثل آسیه وحوا

فقط شبیه خودت هستی، فقط شبیه خودت، زهرا!

اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه شب قدری

شبیه آیه تطهیری، شبیه سوره «اعطینا»

شناسنامه تو صبح است، پدر، تبسم و مادر، نور

سلام ما به تو ای باران، درود ما به تو ای دریا

کبود شعله ور آبی! سپیده طلعتِ مهتابی

به خون نشستن تو امروز، به گُل نشستن تو فردا

۱- صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست وپنج سال شعر مذهبی ایران ۸۰ _ ۱۳۵۵، ص ۸۰.

مگر که آب وضوی تو، زچشمه سار فدک باشد

وگر نه راه نخواهی برد، به کربلا و به عاشورا

علی رضا قزوه (۱)

خورشید و ماه

پرواز آسمانی او را مَلَک نداشت

ماهی که در اطاعت خورشید شک نداشت

سنگش زدند و دست ز افشای شب نشست

آن نور ناب، واهمه ای از محک نداشت

مهتاب زیر سیلی شب بود و آفتاب

حتی دو دست باز برای کمک نداشت

ای بود دستمزد رسالت؟ زمینیان!

این خلق خیره! دست محمد نمک نداشت...

می پرسد از شما، که: چه کردید؟ مردمان!

گلدان یاس باغچه من، ترک نداشت

خورشید و ماه را به زمینی فروختید

ج

ای کاش خاک تیره یثرب، فدک نداشت

امید مهدی نژاد (۲)

ممنوع!

در انتخاب خطر، استخاره ممنوع است

ص: ۱۴۳

۱- علی رضا قزوه، عشق علیه السلام، تهران، انجمن شاعران ایران، بهار ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۲۸ و ۲۹.

۲- اشارات ماهنامه ادبی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (ویژه نامه شهادت حضرت فاطمه زهرا(س))، تیر ۱۳۸۴، صص ۸۱.

کلام هیچ...که حتی اشاره ممنوع است

نوشته اند به طومار جاده با خط خون

برای مرگ، عبور از کناره ممنوع است

مپیچ دور بدن های کشتگان، مهتاب!

کفن برای تن پاره پاره ممنوع است

غرور داد به چشمان تشنه لب؛ اخطار

که: «سمت آب گوارا نظاره ممنوع است»

تمام ماحصل نهضت حسین این است:

که نام مرد به هر سنگواره ممنوع است

شهادت آمد و هفتادودو نفر گفتند:

«در انتخاب خطر، استخاره ممنوع است»

سید جلال موسوی (۱)

ستایش ها

ستایش ها (۲)

جهان فراموش نمی کند

یک روز و آن همه خورشید؟!

یک روز و آن همه غروب؟!

از آن پس

روزها همه کوتاه تر شدند

۱- صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست وپنج سال شعر مذهبی ایران ۸۰ _ ۱۳۵۵، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- این شعر، از بیست بند تشکیل شده و ما در اینجا فقط چند بند آن را آورده ایم.

□□□

به اشاره انگشت

جهان ارادت داشت

چه کور بود چشمی

که تنها انگشترت را دید!

□□□

آخرین فریاد را

بی صدا

فراز دست گرفتی

پاسخ حرمله بر قلب جهان نشست

□□□

پرسید: چرا؟

هفتاد و دو دلیل آوردی

جهان، مُجاب شد

حمیدرضا شکارسری ــ بهار ۱۳۷۳ (۱)

یا علی موسی الرضا(ع)

ای علی موسی الرضا، ای پاک مرد یثربی، در طوس خوابیده

من تو را بیدار می دانم

زنده تر، روشن تر از خورشید عالم تاب

از فروغ و فرّ شور و زندگی سرشار می دانم

گرچه پندارند دیری هست همچون قطره ها در خاک

ص: ۱۴۵

۱- حمید رضا شکارسری، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر۵۴، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۱۴ _ ۲۰.

رفته ای در ژرفنای خواب

لیکن ای پاکیزه باران بهشت، ای روح عرش، ای روشنای آب

من تو را بیدار ابری پاک و رحمت بار می دانم...

من تو را بی هیچ تردیدی ــ که دل ها را کند تاریک ــ

زنده تر، تابنده تر از هرچه خورشید است در هر کهکشانی،

دور یا نزدیک

خواه پیدا، خواه پوشیده

در نهان تر پرده اسرار می دانم

با هزاری و دو صد، بل بیشتر، عمرت

ای جوانی و جوان جاودان، ای پور پاینده،

مهربان خورشید تابنده،

این غمین همشهری پیرت،

این غریب مُلک ری، دور از تو دلگیرت

با تو دارد حاجتی، دردی که بی شک از تو پنهان نیست

وز تو جوید ــ درنمانی ــ راه و درمانی

جاودان جان جهان! خورشید عالم تاب!

این غمین همشهری پیر غریبت را، دلش تاریک تر از خاک

یا علی موسی الرضا، دریاب

ص: ۱۴۶

چون پدرت این خسته دل، زندانی دردی روان کش را

یا علی موسی الرضا دریاب، درمان بخش

یا علی موسی الرضا دریاب

مهدی اخوان ثالث(م.ا مید)، تهران: مهر ۱۳۶۱ (۱)

غزل بهار

برای منتقم خون شهیدان مهدی موعود(عج)

آه می کشم تو را، با تمام انتظار

پر شکوفه کن مرا، ای کرامت بهار

در رهت به انتظار صف به صف نشسته اند

کاروانی از شهید، کاروانی از بهار

ج

ای بهار مهربان! در مسیر کاروان

گل بپاش و گل بپاش، گل بکار و گل بکار

بر سرم نمی کشی دست مهر اگر مکش

تشنه محبتند لاله های داغدار

دسته دسته گم شدند سَهره های بی نشان

تشنه تشنه سوختند نخل های روزه دار

می رسد بهار و من بی شکوفه ام هنوز

آفتاب من بتاب، مهربان من ببار

علی رضا قزوه ـ آذرماه ۱۳۶۶ (۲)

با تمام انتظار

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

ص: ۱۴۷

۱- جعفر پژوم، نامی و نامه ای از مهدی اخوان ثالث (م ـ امید)، نشر سایه، زمستان ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- علی رضا قزوه، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۲۵ و ۲۶.

ببین! باقی است روی لحظه هایم جای پای تو

اگر کافر، اگر مؤمن، به دنبال تو می گردم

چرا دست از سر من برنمی دارد هوای تو

دلیل خلقت آدم! نخواهی رفت از یادم

خدا هم در دل من پر نخواهد کرد جای تو

صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی ای موعود

پر از داغ شقایق هاست آوازم برای تو

تو را من با تمام انتظارم جست وجو کردم

کدامین جاده امشب می گذارد سر به پای تو

نشان خانه ات را از تمام شهر پرسیدم

مگر آن سوتر است از این تمدن روستای تو

یوسف علی میرشکاک _ تهران پاییز ۱۳۶۸ (۱)

دو_ مردمی شدن

پیش تر گفتم که شعر فارسی، به جز چند صباحی در عصر مشروطه، هیچ گاه مردمی نشد و همواره فاصله ای ژرف میان شعر و ایرانیان وجود داشت. شعر انقلاب _ دست کم در سال های آغازین آن _ شعری مردمی است. «سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، سال های دگرگونی، آشفتگی و شکوفایی شعر

۱- یوسف علی میرشکاک، زخم بی بهبود (گزیده اشعار یوسف علی میرشکاک)، به اهتمام: عبدالجواد موسوی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵، چ ۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

امروز ایران بود و شعر که احساس می شد از مردم فاصله گرفته است ،گامی بلند در جهت مردمی شدن برداشت... .

سال ۱۳۵۷ بـا جنبش های پراکنـده انقلابی در شـهرهای ایران آغاز شـد و شـعر انقلاب که تجربه دوره های گوناگون انقلاب مشـروطیت، اختناق رضاخانی، مبارزات سیاسی پس از رضاخان تا ۱۳۳۲ و سـمبولیسم دوره مقاومتِ پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را پشت سر داشت، جانی تازه به خود گرفت. از هفده شهریور ۱۳۵۷ با توده گیرشدن انقلاب ایران، شعر نیز هویت تازه ای یافت و آزادیِ با خون به دست آمـده پس از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، دفترهای تازه شـعر را به مردم شناساند و شعر انقلاب را قوام بخشید». (۱)

سه ـ پرهیز از نمادگرایی

شعر پیش از انقلاب، به ویژه به دلیل وجود محـدودیت های سیاسـی و برای فرار از سانسور، به دامن نوعی تمثیل و نمادگرایی پنـاه برده بود و پیوسـته از واژه هـا، مفـاهیم و نمادهـایی اسـتفاده می کرد که به وجوه و معـانی مختلف قابـل حمـل بود.(۲) به هرحال، شاعر روزگار انقلاب، تا حد زیادی از قید کنایه پردازی و لفظ گرایی رها شده است. صراحت بیان، بی پیرایگی زبان و طرح حقایق مهم در کمال آزادی، یکی از ویژگی های اساسی شعر انقلاب است.(۳) البته به نظر می رسد با الهام از فرهنگ اسلامی، تمثیل ها و نمادهای تازه ای اندک اندک به ادبیات و شعر انقلاب، راه یافته است. (۴)

۱- شعر شهادت است، صص ۲ و ۳.

۲- نک: چون سبوی تشنه، ص ۲۵۷.

۳- نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، ص ۱۶.

۴- نک: چون سبوی تشنه، ص ۲۵۷.

چهار_ غفلت ستیزی و دعوت به بیداری

از ویژگی های اصلی شعر انقلاب، غفلت ستیزی است. انقلاب، خود، ریشه در غفلت ستیزی و مبارزه با جهل و ناآگاهی و دعوت مردم به هوشیاری و بیداری دارد و شعر انقلاب نیز به تبع آن، غفلت ستیز و بیدادگر است. در واقع، غفلت ستیزی، اصلی ترین شاخصه شعر نسلی از شاعران انقلاب اسلامی است که با خود انقلاب متولد شدند و در کوره های تجارب آن گداختند و به کمال نزدیک شدند. نسلی که اکنون شاخه گسترده و تکثیر شده است؛(۱) نمونه این دست شعرها، رباعی زیر از زنده یاد دکتر قیصر امین پور است:

مبادا خویشتن را واگذاریم

امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهیدی لاله ای رست

مبادا روی لاله پا گذاریم

پنج _ مبارزه با طبقه روشن فکر غرب زده

مسئله بازگشت به خویشتن را از سال ها پیش سید جمال الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و نویسندگان متعهد مطرح کردند و اندک اندک به شعر راه یافت. تیغ تیز این شعرها، روشن فکران خودفروخته را هدف قرار می داد که به دامن غرب پناه می بردند و بعضی هاشان گرفتار افیون و الکل شده بودند. دو نمونه از این شعرها بدین قرار است:

هم اکنون که نقش تو را به ناکجا می برند

او در کافه ای نشسته و ودکا می نوشد و مرگ تو را تحلیل علمی می کند!

بر او ببخش خواهرم!

۱- ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۱، ص ۵۷.

روشن فکر است.

سید علی موسوی گرمارودی

روزی که روشن فکر در کوچه های شهر پرآشوب

دور از هیاهوها عرق می خورد، با جان فشانی های حزب الله

تاریخ این ملت ورق می خورد.

سید حسن حسینی

شش _ به کارگیری قالب های مختلف شعری

از ویژگی های اساسی شعر انقلاب اسلامی، به کار گرفتن قالب های گوناگون شعری، برای بیان مفاهیم و مضامین مورد نظر است. در شعر انقلاب، با رویکرد به غزل و ظهور حماسه و مرثیه در آن، احیای قالب های رباعی و دوبیتی، تجدید حیات قالب مثنوی، (۱)آفرینش قالب غزل _ مثنوی و مثنوی چهار لختی(۲) روبه رو هستیم که توضیح آن را می توانید در منابع معرفی شده در پانوشت ببینید.

هفت _ ورود مسائل سیاسی _ اجتماعی به شعر انقلاب

اشاره

مسائل اجتماعی و سیاسی، از دیرباز در شعر فارسی مجال ظهور و بروز یافته اند. این مسائل، گاه به صراحت و گاه در پرده ای از رمز و اشاره بیان شده است.(۳) برای نمونه، در همین کتاب، به مصداق هایی از آن در شعر قبل و بعد از مشروطه و شعر عصر پهلوی اول و دوم اشاره کردیم. اینک به برخی

۱- نک: عبدالجبار کاکایی، آوازهای نسل سرخ (نگاهی به شعر معاصر ایران)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، پاییز ۱۳۷۶، چ ۱، صص ۳ _ ۹؛ نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر، صص ۱۱ و ۱۲.

۲- نک: ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، ج ۱، صص ۲۰۰ _ ۲۰۳.

۳- نک: همان، ص ۶۲.

مصداق های شعر دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تفکیک موضوع می پردازیم.

اول _ امام خمینی(ره)

یکی از موضوع های مهم شعر دینی پس از انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره)، رهبر کبیر نهضت و مسائل مربوط به ایشان است که شاعران، فراوان درباره آن شعر سروده اند. از باب مشت نمونه خروار، فقط بخشی از شعرهایی که شاعران در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ درباره ایشان سروده اند، در کتابی ۲۷۰ صفحه ای با این مشخصات کتاب شناسی چاپ شده است:

مصطفی فیض، چراغ عجم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲.

در سوگ آینه

در رثای حضرت امام خمینی(ره)

امشب خبر کنید تمام قبیله را

بر شانه می برند امام قبیله را

ای کاش می گرفت به جای تو دست مرگ

جان تمام قوم، تمام قبیله را

برگرد، ای بهار شکفتن! که سال هاست

سنجیده ایم با تو مقام قبیله را

بعد از تو، بعدِ رفتن تو _ گرچه نابجاست _

باور می کنیم دوام قبیله را

ص: ۱۵۲

تا انتهای جاده نماندی که بسپری

فردا به دست دوست، زمام قبیله را

محمدکاظم کاظمی ــ تیرماه ۱۳۶۸ (۱)

□

شکوهی دیگر نیست

برای حضرت روح الله(ره)

زمین

ــ وقتی تو نباشی ــ

منجلابی است

و زمان

نفرینی بر خویشتن

□

تو نیستی

آسمان تکراری است

و زمین، شرمگین

و زمان سوخته

و انسان

غمگین شکوهی که دیگر نیست

تو نیستی

و انسان

۱- محمدکاظم کاظمی، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۹، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۱۱ و ۱۲.

ــ بر آستان اندوهی محض ــ

تمام می شود

ای دارنده نور ازلی بر پیشانی!

اکنون روزگار توست

تو ــ بر فراز ــ

به دست های ما می نگری

و ما از بسیاریِ سوگ

مهربان شده ایم

و برای خود فاتحه می خوانیم (۱)

دوم ــ مقام معظم رهبری

خامنه ای ای تو زِ نسل حسین

جای خلف صالح پیر خمین

خامنه ای رهبر آزادگان

راعیِ قومِ به ره افتادگان

ای علوی مرد عجم ــ افتخار

سیدی از آل علی یادگار

ج

هست به دست تو محمد ــ نسب

جامت اسلام عجم تا عرب

نقل روایت نه به آسانی است

سید ما بین که خراسانی است

خصم به قصد تو چه خون ها نکرد

جشیعه به راهت چه جنون ها نکرد

خامنه ای نقد وصایت تو راست

ای تو علی وار، ولایت تو راست

ای به حقیقت پدر قوم ما

یقظه بفرما که رود نوم ما

امر تواَم ور تو بگو جان دهی

رهبر آزاده چه فرمان دهی

ص: ۱۵۴

۱- مجتبی تونه ای، شکستنی شد ه ام (مجموعه شعر)، قم، انتشارات پردیسان، بهار ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۹۰ و ۹۱.

ج

جان بدهم بهر تو زهرا پسر

جرهبر جانباز بفرما به سر

جان به فدای تو و جانان تو

ججای پسر فاطمه قربان تو

ای به ره دین خدا جان نثار

جحافظ احکام و شریعتمدار

ای لب شیرین تو وقت سخن

غنچه احباب و گُلِ انجمن

راهبرا! راه تو پوییم ما

عطر ولایت ز تو جوییم ما

ما همه خردیم تویی جمع جمع

جمع نداریم به غیر از تو شمع

بحث فنون را چو تو فرزانه نیست

بزم جنون را چو تو پروانه نیست

واصل حق، بهر تو باید سرود

عارف کامل به تو بادا درود

احمد عزیزی (۱)

سوم _ دفاع مقدس و شهیدان انقلاب اسلامی

از دفاع مقدس هشت ساله ایرانیان و موضوع های مرتبط با آن مثل شـهید، بسیجی، جانباز، مفقودالاثر، جبهه، خرمشهر، بمباران و...، شـاعران عصـر انقلاب بسـیار اسـتقبال کرده انـد. برای یافتن نمونه های فاخر این گونه شـعرها، می توانیـد به این کتاب ها مراجعه کنید:

۱. سید حسن حسینی، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ۳۳۱ صفحه.

ص: ۱۵۵

۱- احمد عزیزی، از ولایت باران، تهران، سروش، آبان ۱۳۷۹، چ ۲، صص ۹ _ ۱۱.

۲. واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شعر شهادت، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۶۷، ۳۱۹ صفحه.

۳. ضیاء الدین ترابی، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ۳۴۳ صفحه.

راه ناتمام

آن روز

بگشوده بال و پر

گفتی:

«دیگر به خانه باز نمی گردم

امروز من به پای خود رفتم

فردا

شاید مرا به شهر بیارند

بر روی دست ها»

اما

حتی تو را به شهر نیاوردند

گفتند:

«چیزی از او به جای نمانده است

جز راه ناتمام»

قیصر امین پور (۱)

ص: ۱۵۶

۱- قیصر امین پور، تنفس صبح: گزیده دو دفتر شعر تنفس صبح و در کوچه آفتاب، تهران، سروش، ۱۳۸۳، چ ۴، ص ۷.

غریبانه

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه

هم سوخته شمع ما، هم سوخته پروانه

ج

بشکسته سبوهامان، خون است به دل هامان

فریاد و فغان دارد، دُردی کش می خانه

هر سو نظری کردم، هر کو گذری کردم

خاکستر و خون دیدم، ویرانه به ویرانه

افتاده سری سویی، گلگون شده گیسویی

ج

دیگر نَبُوَد دستی، تا موی کند شانه

تا سر به بدن باشد این جامه کفن باشد

فریاد «اباذرها» ره بسته به بیگانه

لبخند سروری کو، سرمستی و شوری کو

هم کوزه نگون گشته، هم ریخته پیمانه

آتش شده در خرمن، وای من و وای من

از خانه نشان دارد، خاکستر کاشانه

ای وای! که یارانم، گل های بهارانم

رفتند از این خانه، رفتند غریبانه

پرویز بیگی حبیب آبادی (۱)

۱- پرویز بیگی حبیب آبادی، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۶، تهران ،کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، صص ۲۲ و ۲۳.

در خلوت بعد از یک تشییع

به شهید غفور صمدپور

دلم برای جبهه تنگ شده است

چقدر جاده های هموار، کسالت آور است

از یک نواختی دیوارها دلم می گیرد

می خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم

آن بالا به آسمان نزدیک ترم

و می توانم لحظه های تولد باران را

پیش بینی کنم

دلم برای جبهه تنگ شده است

آنجا، معنویتِ به درک نیامده بسیار است

آنجا ما مقابل آسمان می نشینیم

و زمین را مرور می کنیم

و به اندازه چندین چشم، معجزه می بینیم

چقدر تماشای دورها زیباست

دلم برای جبهه تنگ شده است

در کوچه های بن بست

یک ذره آفتاب به دست نمی آید

و ما هر روز به انتها می رسیم

و درهای عافیت باز می شوند

و میز مهربانی ما را

با یک لیوان شربت خنک تمام می کنند

وقتی یک جرعه آب صلواتی

عطش را می خشکاند

دیگر به من چه که کوکا خوشمزه تر از پپسی است

باید گذشت

باید عطش و سنگلاخ را تجربه کرد

آسایش، از مقصد دورمان می دارد

اسب من به آسمان نگاه می کند

مردان جبهه چه حال و هوایی دارند

چه سربلند و بانشاط می ایستند

برویم سربلندی بیاموزیم

آی با شمایم

چه کسی دوست دارد صاحب آسمان باشد؟

بیا

برای هواخوری

به جنگل های مجاور جبهه پناه ببریم

سنگرها ییلاق تفکرند

در کوه ها نگاه ما را به بالا سوق می دهند

کوه همیشه عجیب است

در کوه، تکلم خدا جریان دارد

ص: ۱۵۹

از عادت کوچه های داغ عربستان

تا کوه دور حرا

پیغمبری به بار نشست

بیا به جبهه، به کوه برویم

شتاب کن، آقای عادت!

پل هوایی، فاصله دیگری است

که آسمان را از ما مضایقه می کند

من می خواهم بیشتر آفتاب ببینم

می خواهم برف را، باران را، بهاران را بفهمم

نگاه کن هوای دودگرفته شهر

تنفس راحت را از ما گرفته است

دلم برای فضای ناپیدای مِهْ لک زده است

مه، مهربانی مبهمی است

تا خود را تنها تصور کنیم

تنهایی، راز بزرگی است

در تنهایی بی تعارف

مهمان دلمان خواهیم بود

اینجا همه با آسمان حرف نمی زنند

اینجا زیر نور نئون، آسمان پیدا نیست

مردم برای بازگشایی دلشان

به کافه می آیند

آنان به لحظه های بعد از اکنون

به عبث امیدوارند

آنها هنوز

بهانه های روشن دل را نشناخته اند

و در نیم کره تاریک دل آرمیده اند

و فکر می کنند تمام دل

خوشحالی پس از پیداکردن یک جنس

با قیمت نازل در بازار سیاه است

بیا به جبهه برویم

من آنجا را یک بار بوییده ام

آنجا رطوبت مطبوعی دارد

که به ایستادگی درخت کمک می کند

ما چقدر جاهای دیدنی داریم

ما چقدر غافلیم

ما که به بوی گیج آسفالت

عادت کرده ایم

و نشسته ایم هر روز کسی بیاید

زباله ها را ببرد

چه انتظار حقیری!

دلم برای جبهه تنگ شده است

چقدر صداقت نیست

چقدر شقایق ها را ندیده می گیریم

ص: ۱۶۱

حس می کنم سرم سنگین است

□

امروز دوباره کسی را آوردند

که سر نداشت

سلمان هراتی (۱)

بوسه بر خاک

با آنکه گلوله اش تنم را بوسید

جخون زد شتک و پیرهنم را بوسید

آن قدر گلوله بر تن خصم زدم

تا خم شد و خاک وطنم را بوسید

محمدرضا سهرابی نژاد (۲)

شهیدان

خوشا آنان که جانان می شناسند

طریق عشق و ایمان می شناسند

بسی گفتیم و گفتند از شهیدان

شهیدان را شهیدان می شناسند

علی رضا قزوه (۳)

چهارم ـ حج خونین ۱۳۶۶

هُبَل ها

به یاد حجاج شهید

مثال زمزمت جوشید باید

زحرامت کفن پوشید باید

هُبَل ها، بار دیگر قد کشیدند

به تطهیر حرم کوشید باید

محمدرضا سهرابی نژاد (۴)

سپید جامه احرام

۱- از آسمان سبز، صص ۷۹ _ ۸۳.

۲- محمدرضا سهرابی نژاد، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۴۳.

۳- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، ص ۵۲.

۴- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، ص ۹۶.

اگر حرم به زبان آید و سخن گوید

حکایت از دل هر عصر و هر زَمَن گوید

گهی ز ابرهه آن قائد صحابه فیل

که قصد خانه نمود از سوی یمن گوید

گهی ز لوث بتان معلق از دیوار

گهی ز شرک بزرگان انجمن گوید

گهی ز راز و نیاز شبانه مرسل

که بود صادق و محبوب و مؤتمن گوید

ج

گهی ز فتح مبین و شکستن بت ها

در آن زمان که علی بود بت شکن گوید

گهی ز جور یزید و هجوم لشکر او

به سوی خانه و آتش بدان زدن گوید

گهی ز فتنه حجاج و کینه توزی او

که کوفت خانه به نیرنگ اهرمن گوید

ج

گهی ز پوچیِ اندیشه های عبدِ وَهاب

که بود عنصر مزدور و بی وطن گوید

گهی ز نام حجاز و تلاش آل سعود

به قصد محو چنین شهرت کهن گوید

گهی ز سیل خروشان زائران خدا

برای اینکه کند کفر ریشه کن گوید

ص: ۱۶۳

گهی ز فاجعه حرم که در آن

سپید جامه احرام شد کفن گوید

گهی ز خون عزیزان که ریخت بر شن ها

ز زائران حرم جمله مرد و زن گوید

گهی ز تهمت آل سعود بی ایمان

به راهیان ره عزت و شدن گوید

گهی ز ناله ایتام شاهدان حرم

که خونشان شده آلاله چمن گوید

من این حکایت آن خانه خوب بشنیدم

چرا که راز دل خویشتن به من گوید

محمدعلی رضاییان (۱)

عجب از حلم تو دارم کعبه!

از تو ای کعبه شگفت است نه از آل سعود

کاین همه صبر و تحمل که تو کردی ز چه بود؟!

میهمانان تو را بی گنه از کین کشتند

زآنکه در پیش بت قرن نکردند سجود

جرم آنان همه آن بود که مانند خلیل

سر به ذلت ننهادند به امر نمرود...

ج

آن سیه روی که ابلیس در او کرده حلول

۱- واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، حج خونین: گزیده اشعار سروده شده به مناسبت فاجعه خونین مکه مکرمه و در رثای شهدای گران قدر حج ۱۳۶۶، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۶۸.

کرد جوری که غمین گشت رسول محمود

ای ستمکار! مشو خوش دل از این کرده زشت

که تو را حاصل از این کار زیان بود نه سود

«فخر» را ورد زبان است که لعنت به تو باد

بر شهیدان به خون خفته ز دادار درود

فخر مهدی کرمانی (۱)

مرثیه قبله خونین

سلام بر تو

ای خانه امن!

ای قبله خون رنگ من

ای به خون تپیده خاموش

ای مبدأ خروش

ای قبله مسلمین

ای همیشه در تشریف سوگ

در سوگواری مظلومان خاک

بگو

چگونه سوی تو قامت بندم

تا یاد جسم پاره پاره فرزندان سرزمین غریبم

بین من و تو حایل نشود؟

تا اندیشه قنوتم

رنگ خون نگیرد؟

۱- همان، ص ۱۱۵.

و رکوع و سجودم؟

بر تو نماز بگزارم

یا بر شهدای غریب و مظلوممان؟...

و بار دیگر

جمعه خونین نهم مردادماه مکه

امتداد جمعه سیاه شهریور پنجاه و هفت

و سپاه ابوجهل همان

و سپاه حسین(ع) هم...

و صهیون آل سعود

در قصر عاج خویش

سرمست از الطاف خدایان زور و زر و فسق و فجور کاخ سفید

هدایای افزون تری را

بر کشتار شرم آور و ننگینش طلب می کند

بی خبر از روز بزرگ قسط و عدالت

اُف بر شما

ای زاده های ظلم و ثروت

خداوندا!

ای خدای محمد(ص)

سوگند به فرزند کعبه

و سوگند به زهرای اطهر

با ما بگو

آیا در کجای زمان قرار دارد

آن جمعه موعود

ص: ۱۶۶

تا ندای نجات دهنده در خاک بپیچد

آن گاه که بر کعبه تکیه زده باشد

«الا یا اهل العالم!

انا القائم المنتظر

و انا السیف المنتقم»

(ای مردم عالم!

منم آن قائم منتظر

و منم آن شمشیر انتقام)!

زنده یاد سپیده کاشانی (۱)

پنجم _ هم دردی با دیگر مسلمانان

رد پای دشنه

به مظلومان بوسنی

ردپای دشنه است، اینکه مانده بر گلو

تشنه او به خون من، تشنه من به خون او

مثل سایه با من است هر کجا که رو کنم

دشنه این سیاه مست، دشنه این درنده خو

از نگاه وحشی اش آهوانه می رمم

خانه خانه، ده به ده، کوچه کوچه، کوبه کو

«آشیان ما کجاست؟» هم زبان من بنال

از چه ماند بغض ما در گلوی جست وجو

«فرصتی نمانده است باید انتخاب کرد»

ص: ۱۶۷

۱- همان، صص ۱۲۸ _ ۱۳۳.

یا که باز هم گریز، یا مصاف رو به رو

چهره زمان ما، زرد زرد مانده است

غیر مرگ سرخ نیست، راه کسب آبرو

تقی متقی (۱)

در باغ های سارایوو

سرها شکوفه های ریخته در بادند

و ماه

پنجره ای برای گریستن

کاش زمین را آب می گرفت

نوح می آمد

انسان، پرنده می شد

و درخت،

پلی به سمت خدا

در باغ های «سارایوو»

کودکی

از لبخندش

خون می چکد

بر آینه ای مرده

ملحفه آسمان، خونین است

خورشید

۱- ناگهان بهار: مجموعه غزل شاعران حوزه علمیه قم، به کوشش: یدالله گودرزی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۹۷ و ۹۸.

بر تخت بیمارستان

پاشویه می شود

صندلی های چرخ دار

بال درآورده اند

پیراهن های خاکی

در گنجه ها می گریند...

من با اشاره حرف می زنم

تو بی اشاره جان می دهی

چشم آبی جان!

من از تو شمع می سازم

تو مدام گلوله می خوری،

چشم آبی جان!

چه قشنگ «الله اکبر» می گفتی

مرا ببخش،

چشم آبی جان!

علی رضا قزوه _ ۱۳۷۱ (۱)

زخم های کهنه صبرا

شتیلا ایستاده بر خرابه خانه

چون پیرمرد عصا در دست

بی آنکه دوست داشته باشد

لباس رزم جوانی را

ص: ۱۶۹

۱- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، ص ۷۰ _ ۷۴.

از تن درآورد

شاید به انتظار کسی است

که یک سپیده می آید

به جست وجوی خواهر گیسوسپیدش،

ـ صبرا ـ

با چتری چهار رنگ

برای نبیره هایش

که در خرابه های بیروت

باران سنگ بر سرشان می بارد

علی رضا قزوه ـ پاییز ۱۳۷۹ ـ بیروت ـ خرابه های صبرا و شتیلا (۱)

دختر قدس

پرد از صخره ها، گویی پلنگ است

به سنگر زاده و فرزند جنگ است

جهیز دختر رزمنده قدس

کلام الله و، یک قبضه تفنگ است

محمدرضا سهرابی نژاد (۲)

خون بر شمشیر

الا افغانی مانده به زنجیر

میان حربه ای از بانگ تکبیر

چه بیمت از هجوم ارتش سرخ

که خون پیروز خواهد شد به شمشیر

محمدرضا سهرابی نژاد (۳)

ص: ۱۷۰

۱- عشق علیه السلام، ص ۸۷.

۲- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، ص ۹۲.

۳- همان، ۹۱.

نکته پایانی: وظایف شعر انقلاب

نکته پایانی این فصل، وظایفی است که برعهده شعر انقلاب گذاشته شده است. استاد محمدرضا حکیمی، این وظایف را چنین برمی شمارد:

۱. تفسیر انقلاب: شعر باید انقلاب را همواره تفسیر و تعریف کند تا چیزی دیگر به جای انقلاب در ذهنیت ها رسوخ نیابد و جای گزین نشود.

۲. اهداف انقلاب: شعر باید اهداف انقلاب را همواره باز گوید و تشریح کند و به یادها آورد و زنده بدارد تا عرصه ای برای جولان ارتجاع باقی نماند.

۳. ارکان انقلاب: شعر باید ارکان انقلاب را سازد؛ یعنی طبقات محروم و فرودست و آگاهان و عدالت خواهان را...، تا فراموش نشود که در یک انقلاب راستین باید آنچه آگاهان می گویند، تحقق یابد و آنچه محرومان را از محرومیت نجات می دهد و به حقوق مغصوب و کرامت مهدور خویش می رساند، عملی گردد، نه آنچه برخورداران می طلبند.

۴. آفات انقلاب: شعر انقلاب باید از آفات انقلاب آگاه باشد و آنها را پیوسته نشان دهد، تا انقلاب از آفت زدگی برهد و به آفت زدایی برسد، وگرنه، مکتب برباد رفته است.

۵. تصویر محیط انقلاب: شعر انقلاب، در تصویرگری محیط انقلاب، باید هر دم دو تصویر را در دیدگاه جامعه قرار دهد و ذهنیت جامعه را به آن دو تصویر متوجه سازد و دیده جامعه را در آن باره تیز و حساس کند:

الف) تصویر زندگی برخورداران و شادخواران و ستمگران و بی خبری و نامردمی آنان، خود و خانواده هایشان.

ص: ۱۷۱

ب) تصویر زنـدگی محرومـان و سـتم کشـان و کمبودداران و زاغه نشـینان و فراموش شـدگان و تبـاه روزان و مرگ تـدریجی آنان، خود و خانواده هایشان.

ص: ۱۷۲

فصل چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

شعر دینی، شعری استوار و ثابت قدم است که از دیرزمان تاکنون، همواره مورد توجه شاعران بوده است و در آن طبع آزمایی کرده اند؛ حال یا آن را موضوع شعر خود قرار داده اند یا از موضع دین به شاعری پرداخته اند. ازآن سو، پیروزی نهضت امام خمینی(ره) در ایران، نوعی از شعر دینی مقاوم را پدید آورد که با محتوای بدیع و احیای قالب های سنتی و بهره بجا از شعر نو و سپید، توانست نقشی بی بدیل در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کند.

همچنین پاسداشت هنر و ادبیاتی که در راه آرمان های انقلاب و دفاع از کیان ایران اسلامی تلاش کرده است، از رسالت های مهم رسانه ملی و اصحاب آن به نظر می رسد. در این میان، شعر دینی که بی شک سهمی ــ هر چند اندک ــ در پیروزی انقلاب اسلامی و نیز جریان های مختلف بعد از پیروزی داشته است، می تواند از موضوع های بسیار مناسب برای پردازش در رسانه ملی به شمار آید.

ص: ۱۷۳

معرفی کارشناسان

۱. حمید سبزواری۱۱. ساعد باقری۲۱. سیمین دخت وحیدی

۲. محمود شاهرخی۱۲. جواد محدثی۲۲. یوسف علی میرشکاک

۳. مشفق کاشانی۱۳. علی رضا قزوه۲۳. احمد عزیزی

۴. علی معلم دامغانی۱۴. عبدالجبار کاکایی۲۴. محمدرضا عبدالملکیان

۵. محمدرضا حکیمی۱۵. محمدکاظم کاظمی۲۵. اکبر بهداروند

۶. حسین الهی قمشه ای۱۶. مصطفی محدثی خراسانی۲۶. حمیدرضا شکارسری

۷. محمدعلی مجاهدی(پروانه)۱۷. علی اکبر رشاد۲۷. محمدرضا سهرابی نژاد

۸. غلام علی حدادعادل۱۸. صادق رحمانی۲۸. محمدحسین جعفریان

۹. علی موسوی گرمارودی۱۹. فاطمه راکعی۲۹. ضیاءالدین ترابی

۱۰. سید حسن ثابت محمودی۲۰. صدیقی وسمقی۳۰. مجتبی تونه ای

موضوع های پیشنهادی

۱. دیدگاه مثبت و منفی دین اسلام درباره شعر و شاعری

ــ شعر و شاعری در قرآن کریم

ــ چیستی شعر دینی

ــ ویژگی های شعر دینی

۲. تطوّر شعر دینی در دوره های گوناگون تاریخی (عصر صفوی و قاجار، دوره مشروطه و در حکومت پهلوی اول و دوم)

۳. شعر با موضوع و موضع دین

۴. تعهد در شعر دینی

۵. ولایت در شعر دینی

۶. انتظار در شعر دینی

ص: ۱۷۴

۷. شعر دینی و انقلاب اسلامی

۸. چیستی شعر انقلاب

۹. ویژگی های شعر انقلابی

۱۰. وظایف شاعر عصر انقلاب

۱۱. شعارزدگی در شعر انقلاب

۱۲. قالب های رایج در شعر انقلاب

۱۳. بهره گرفتن از ادبیات کهن در شعر انقلاب

۱۴. شعر انقلاب و قالب جدید غزل _ مثنوی

۱۵. غزل حماسی در شعر پس از انقلاب

۱۶. چیستی مقاومت و جنگ تحمیلی

۱۷. یادبود در گذشتگان شعر دینی:

_ سلمان هراتی

_ سپیده کاشانی

_ سید حسن حسینی

_ نصرالله مردانی

_ قیصر امین پور

_ طاهره صفارزاده و...

پرسش های کارشناسی

۱. شعر دینی را تعریف کنید.

۲. چگونگی تطور شعر دینی را در تاریخ ادبیات ایران زمین توضیح دهید.

۳. ویژگی های شعر دینی را برشمارید.

۴. انواع شعر دینی را نام ببرید.

ص: ۱۷۵

۵. شعر با موضوع و شعر با موضع دینی را توضیح دهید.

۶. تفاوت شعر با موضوع و موضع دین در چیست؟

۷. قالب های رایج در شعر دینی را بیان کنید.

۸. چرا در عصر صفوی و قاجار، شعر با موضوع دینی رونق یافت؟

۹. آیا در دوره مشروطه، شعر دینی وجود داشته است؟

۱۰. ارزیابی شما از شعر دینی در عصر پهلوی اول و دوم چیست؟

۱۱. تعهد، در شعر دینی چه نقشی دارد؟

۱۲. تأثیر رویدادهای سترگ غدیر، عاشورا و انتظار را بر شعر دینی شیعه بیان کنید.

۱۳. آیا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شعر دینی وجود داشت؟

۱۴. آیا شعر دینی در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشت؟

۱۵. تعریف شما از شعر انقلابی چیست؟

۱۶. ویژگی های شعر انقلاب را بیان کنید.

۱۷. به نظر می رسد شعر انقلاب، در مردمی شدن، بسیار موفق بوده است. آیا با این دیدگاه موافقید؟

۱۸. بعضی معتقدند شعر انقلاب، شعری شعارزده است. نظر شما چیست؟

۱۹. شعر انقلاب، شعری صریح است و پرده پوشی نمی کند؛ چرا؟

۲۰. معروف است که غزل حماسی، در دوران پس از انقلاب و با شعر انقلابی این دوره پدید آمد. آیا این مطلب را می پذیرید؟

۲۱. آیا شعر انقلاب توانست در شورآفرینی زمان دفاع مقدس موفق باشد؟

۲۲. به نظر شما، وظیفه شاعر شعر دینی در عرصه کنونی جامعه چیست؟

کتاب های مناسب برای معرفی در رسانه

۱. قیصر امین پور، تنفس صبح.

۲. قیصر امین پور، آیینه های ناگهان.

۳. سلمان هراتی، از آسمان سبز.

۴. سلمان هراتی، دری به خانه خورشید.

۵. علی رضا قزوه، از نخلستان تا خیابان.

۶. علی رضا قزوه، عشق علیه السلام.

۷. علی رضا قزوه، شبلی و آتش.

۸. سید حسن حسینی، هم صدا با حلق اسماعیل.

۹. سید حسن حسینی، گنجشک و جبرئیل.

۱۰. علی معلم دامغانی، رجعت سرخ ستاره.

۱۱. زکریا اخلاقی، تبسم های شرقی.

۱۲. حسین اسرافیلی، تولد در میدان.

۱۳. ساعد باقری، نجوای جنون.

۱۴. پرویز بیگی حبیب آبادی، غریبانه.

۱۵. نصرالله مردانی، قیام نور.

۱۶. سیمین دخت وحیدی، موج های بی قرار.

۱۷. یوسف علی میرشکاک، ماه و کنعان.

۱۸. سهیل محمودی، دریا در غدیر.

۱۹. عبدالجبار کاکایی، آوازهای نسل سرخ.

۲۰. سید فضل الله قدسی، خاکستر صدا.

۲۱. شیرین علی گلمرادی، آینه در کربلاست.

۲۲. حمیدرضا شکارسری، باز جمعه ای گذشت.

۲۳. قادر طهماسبی (فرید)، عشق بی غروب.

۲۴. احمد عزیزی، کفش های مکاشفه.

۲۵. غلام رضا شکوهی، آهی بر باغ آینه.

۲۶. حسین دارند، یک سوره از شب های مهتابی.

۲۷. محمدحسین جعفریان، چشمه بی نشان.

پنج مناسبت؛ پنج گونه شعر دینی

هر سال با توجه به مناسبت های شمسی و قمری، می توان رویداد هایی را یافت که کاملاً با گونه خاصی از شعر دینی همخوان است. ازاین رو، این امکان وجود دارد که با دستاویز قراردادن آن مناسبت، به بررسی نوع خاصی از شعر دینی در رساله ملی پرداخت، مسابقه ها و میزگرد ها ترتیب داد و آن شعر دینی را از جنبه های گوناگون بررسی کرد. نویسنده، پنج مناسبت مهم و نوع شعری را که می توان بررسی کرد، اینجا می آورد:

۱. محرم و صفر بررسی شعر عاشورایی

۲. رحلت امام خمینی(ره) و رویداد غدیر خم بررسی شعر ولایت

۳. میلاد امام زمان(ع) بررسی شعر انتظار

۴. هفته دفاع مقدس بررسی شعر پایداری و مقاومت

۵. دهه مبارک فجر بررسی شعر انقلاب

به همین ترتیب، می توان مناسبت های دیگری را یافت و در هر یک، به نوع خاصی از شعر دینی پرداخت.

کتاب نامه

الف) کتاب ها

* قرآن کریم، برگردان: سید علی موسوی گرمارودی، تهران، قدیانی، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۱.آتشی، منوچهر، «شعر چیست؟»، مجموعه مقالات شعر چیست؟، به کوشش: عزیزالله زیادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۰.

۲.آژند، یعقوب، ادبیات نوین ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۶۳.

۳.آقابخشی، علی و مینو افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، چاپ نخست، ۱۳۷۹.

۴.آل احمد، جلال، ارزیابی شتابزده، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۵۷.

۵.________________________، هفت مقاله، تهران، رواق، چاپ سوم، تابستان ۱۳۵۷.

۶.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ. ق.

۷.ابوالحسنی (منذر)، علی، بوسه بر خاک حیدر(ع): بحثی در آرمان و آرمان فردوسی و پرتوگیری از قرآن و احادیث معصومین(ع) همراه با نقد نظریات و آرای برخی شاهنامه پژوهان معاصر، تهران، عبرت، چاپ نخست، تابستان ۱۳۷۸.

۸.احسان بخش، صادق، آثار الصادقین، رشت، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، چاپ نخست، تابستان ۱۳۶۹.

۹.احمدی بیرجندی، احمد، در ساحل غدیر: غدیریه های فارسی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ نخست، ۱۳۷۷.

۱۰.ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، سخن، چاپ نخست (ویراست دوم)، ۱۳۸۰.

۱۱.اشارات: ماهنامه ادبی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (ویژ ه نامه شهادت زهرا)، تیر ۱۳۸۴.

۱۲.اقبال، جاوید، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، برگردان: شهیندخت کامران مقدم (صفیاری)، مشهد، به نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۱۳.اقبالی، معظمه (اعظم)، شعر و شاعری در ایران اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۶.

۱۴.اکبرلو، منوچهر، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی؛ بخش اول: شعر، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ نخست، پاییز ۱۳۷۱.

۱۵.امین پور، قیصر، «نظام ارباب و رعیتی در روستای شعر، لغو شده است»، مجموعه مقالات شعر چیست؟، به کوشش: عزیزالله زیادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۰.

۱۶.______________، تنفس صبح: گزیده دو دفتر شعر تنفس صبح و در کوچه های آفتاب، تهران، سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۱۷.امینی نجفی، عبدالحسین، الغدیر، برگردان: محمدتقی واحدی، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۶۲.

۱۸.______________، الغدیر، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ ه_.ق.

۱۹.امینیان، ناهید، شکوفه های انقلاب: مجموعه ای از اشعار انقلابی، تهران، میثم، ۱۳۵۸.

۲۰.ایزدپناه، عباس، در قلمرو فلسفه و ادبیات دینی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۸.

۲۱.باقریان موحد، سیدرضا، میراث ادبی علمای شیعه: برگزیده متون نظم و نثر فارسی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۲۲.بال سرخ قنوت، به اهتمام: محمدعلی مجاهدی (پروانه)، تهران، دفتر ادبیات آیینی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۶.

۲۳.بهار، محمدتقی، بهار و ادب فارسی، به کوشش: محمد گلبن، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

۲۴.______________، دیوان ملک الشعرای بهار، تهران، آزادمهر، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۲۵.بهبودی، هدایت الله، درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطه، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۷۵.

۲۶.بیگی حبیب آبادی، پرویز، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۶، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۲۷.پژوم، جعفر، نامی و نامه ای از مهدی اخوان ثالث (م. امید)، بی جا، نشر سایه، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۰.

۲۸.پورقمی، ناصر، شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، تهران، مروارید، ۲۳۳۵ شاهنشاهی.

۲۹.ترابی، ضیاءالدین، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، مؤسسه فرهنگی سماء، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۳۰.تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، بی تا.

۳۱.توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران ـ قم، سمت و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۵.

۳۲.تونه ای، مجتبی، شکستنی شده ام (مجموعه شعر)، قم، انتشارات پردیسان، چاپ نخست، بهار، ۱۳۸۰.

۳۳.________________، موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، میراث ماندگار، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

۳۴.جامی، نورالدین عبدالرحمان، دیوان کامل جامی، مقدمه: هاشم رضی، تهران، انتشارات پیروز، بی تا.

۳۵.جشنی آرانی، ماشاءالله، تجلی قرآن و معارف اسلامی در اشعار بیدل دهلوی، تهران، هستی نما، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۳.

۳۶.حجازی، سید علی رضا، حسین بن علی در آینه شعر از آغاز تا پایان قرن سیزدهم هجری قمری، قم، فارس الحجاز، چاپ نخست، اسفند ۱۳۸۲.

۳۷.الحسینی، سید اشرف الدین (نسیم شمال)، باغ بهشت، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۵۷.

۳۸.حسینی، سیدحسن، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۳۹.حکیمی، محمدرضا، ادبیات و تعهد در اسلام، قم، دلیل ما، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴.

۴۰.____________________، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۶۸.

۴۱.________________ ، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، زمستان ۱۳۶۸.

۴۲.________________ ، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۴۳.خرم شاهی، بهاءالدین و سیامک انصاری، قرآن و مثنوی، تهران، قطره، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۴۴.خرمشاهی، بهاءالدین، حافظ نامه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۴۵.________________ ، شیخ آقا بزرگ تهرانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۴۶.خزاعی نیشابوری، حسین بن علی، تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

۴۷.خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی۴، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۹.

۴۸.خورشید سرایان، گردآوری: سید علی اصغر صائم کاشانی، [بی جا]، انتشارات تالار کتاب، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۷.

۴۹.داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۵۰.دایره المعارف تشیع، زیرنظر: احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، انتشارات شهید سعید محبی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۵۱.دبیران، حکیمه، «تأثیر قرآن در آثار سعدی»، ذکر مجموعه مقالات جمیل سعدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، جلد دوم، پاییز ۱۳۶۹.

۵۲.درستی، احمد، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۱.

۵۳.درگاهی، حسین و دیگران، شورش در خلق عالم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۸.

۵۴.دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۴.

55.دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (۴ جلد)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۳.

56.دیوان حافظ، تحصیح: غنی ـ قزوینی، تهران، ققنوس، چاپ نخست، ۱۳۷۷.

57.دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب فروشی زوار، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.

58.ذاکر حسین، عبدالرحیم، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، علم، ۱۳۷۷.

59.ذکر جمیل سعدی: مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگد اشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی علیه الرحمه، گردآوری: کمیسیون ملی یونسکو ـ ایران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، پاییز ۱۳۶۹.

60.ذوالقدری (میرصادقی)، میمنت، واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن، تهران، کتاب مهناز، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

61.رادفر، ابوالقاسم، مناقب علوی در آیینه شعر فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۱.

62.راشد محصل، محمدرضا، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۰.

63.الرحمن، منیب، شعر دوره مشروطه، برگردان: یعقوب آژند، تهران، روزگار، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

64.رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

65.رستگار فسایی، منصور، انواع شعر فارسی، شیراز، نوید، چاپ نخست، ۱۳۷۲.

66.روحانی (زیارتی)، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی(ره)، [بی جا]، دارالعلم و دارالفکر، چاپ چهارم، دی ۱۳۵۸.

67.____________________، نهضت امام خمینی(ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد سوم، پاییز ۱۳۷۴.

۶۸.______________________________ ، نهضت امام خمینی(ره)، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ نخست، جلد دوم، خرداد ۱۳۶۴.

۶۹.روزبه، محمدرضا، ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران، روزگار، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۷۰.روشه، گی، تغییرات اجتماعی، برگردان: منصور وثوقی، تهران، نی، چاپ دهم، ۱۳۷۹.

۷۱.رهنما، زین العابدین، زندگانی امام حسین بن علی بن ابی طالب(ع)، تهران، زوار، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۸.

۷۲.ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، برگردان: ابوالقاسم سری، تهران، سخن، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۷۳.زرقانی، سید مهدی، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۷۴.زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی، تهران، علمی، چاپ نهم، پاییز ۱۳۷۴.

۷۵.______________________________ ، جست وجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.

۷۶.______________________________ ، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.

۷۷.سبزواری، حمید، سرود درد، تهران، کیهان، چاپ نخست، بهار ۱۳۶۷.

۷۸.سجادی، سید عبدالحمید، گزیده ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۷۹.سعیدیان، عبدالحسین، دانشنامه ادبیات، تهران، ابن سینا، چاپ نخست، ۱۳۵۳.

۸۰.سلیم، غلام رضا، جامعه شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی، تهران، توس، چاپ نخست، ۱۳۷۷.

۸۱.سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، قم، آیت عشق، چاپ نخست، زمستان ۱۳۸۳.

۸۲.سلیمانی، فرامرز، شعر، شهادت است، تهران، موج، بهار ۱۳۶۰.

۸۳.سمرقندی، امیردولت شاه، تذکره الشعراء، به همت: محمد رمضانی، تهران، پدیده خاور، چاپ دوم، آبان ۱۳۶۶.

۸۴.سهرابی نژاد، محمدرضا، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۲۲، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۸۵.سید حسینی، رضا، مکتب های ادبی، تهران، نگاه، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱.

۸۶.سیف فرغانی، دیوان سیف فرغانی، تصحیح و مقدمه: ذبیح الله صفا، تهران، فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۸۷.شاله، فیلیس، شناخت زیبایی (استتیک)، برگردان: علی اکبر بامداد، تهران، کتاب خانه طهوری، چاپ چهارم، ۱۳۵۷.

۸۸.شریعتی، علی، مجموعه آثار ۲ (خودسازی انقلابی)، تهران، الهام، چاپ ششم، تابستان ۱۳۷۷.

۸۹.______________، مجموعه آثار ۷ (شیعه)، تهران، سحاب کتاب، چاپ نخست، بی تا.

۹۰.شعر چیست؟، به کوشش: عزیزالله زیادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۰.

۹۱.شفیعی کدکنی، محمدرضا (م.سرشک)، از بودن و سرودن، تهران، توس، چاپ دوم، تیر ۱۳۵۷.

۹۲.______________________، شعر معاصر عرب، تهران، توس، خرداد ۱۳۵۹.

۹۳.شکارسری، حمیدرضا، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۵۴، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۹۴.شهباز، حسن، سیری در بزرگ ترین کتاب های جهان، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.

۹۵.شهریار، سید محمدحسین، دیوان شهریار، تهران، انتشارت زرین و انتشارات نگاه، چاپ هفدهم، تابستان ۱۳۷۵.

۹۶.شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و مقدمه: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۹۷.شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، محرم ۱۴۰۵ _ مهر ۱۳۶۳.

۹۸.صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست وپنج سال شعر مذهبی ایران، ۱۳۵۵ _ ۱۳۸۰، گردآوری و تنظیم: امیرمسعود طاهریان، مشهد، شرکت به نشر، چاپ نخست، ۱۳۸۰.

۹۹.صفارزاده، طاهره، بیعت با بیداری، شیراز، انتشارات نوید، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۵.

۱۰۰.______________، سفر پنجم، تهران، رواق، چاپ دوم، اسفند ۱۳۵۶.

۱۰۱.طباطبایی بروجردی، حسین، جامع الاحادیث الشیعه، قم، مطبعه علمیه، بی تا.

۱۰۲.عارف قزوینی، ابوالقاسم، دیوان عارف قزوینی، تدوین: محمدعلی سپانلو و مهدی اخوت، تهران، نگاه، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۰۳.عبدالمحمدی، عباس، «تفکر دینی در ادبیات مشروطه»، مجموعه مقالات ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، جلد دوم، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۸.

۱۰۴.عبید زاکانی، کلیات عبید زاکانی، به کوشش، پرویز اتابکی، تهران، انتشارات کتاب فروشی زوار، چاپ دوم، ۱۳۴۳.

۱۰۵.عزیزی، احمد، از ولایت باران، تهران، سروش، چاپ دوم، آبان ۱۳۷۹.

۱۰۶.غدیر در شعر فارسی، گزینش و توضیح: سید مصطفی موسوی گرمارودی، قم، الهادی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۴.

۱۰۷.فرخی، محمد، دیوان فرخی یزدی، تصحیح و مقدمه: حسین مکی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۵۷.

۱۰۸.فرشیدور، خسرو، حماسه انقلاب: مجموعه شعر همراه مقدمه ای درباره شعر امروز ایران، تهران، مؤلف، مهر ۱۳۵۷.

۱۰۹.فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث و قصص مثنوی، ترجمه کامل و تنظیم مجدد: حسین داودآبادی، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۷۶.

۱۱۰.________________، مقاله های بدیع الزمان فروزانفر، مقدمه: عبدالحسین زرین کوب، به کوشش: عنایت الله مجتهدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۲.

۱۱۱.فیض، مصطفی، توصیف خاکیان از آفتاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱.

۱۱۲.______________، چراغ عجم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱.

۱۱۳.قبانی، نزار، شعر، زن و انقلاب، برگردان: عبدالحسین فرزاد، تهران، امیرکبیر، چاپ نخست، ۱۳۶۴.

۱۱۴.قزوه، علی رضا، عشق علیه السلام، تهران، انجمن شاعران ایران، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۱.

۱۱۵.______________ ، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۱، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۱۱۶.کاظمی، محمدکاظم، گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۴۹، تهران، کتاب نیستان، چاپ نخست، ۱۳۷۸.

۱۱۷.کاکایی، عبدالجبار، آوازهای نسل سرخ (نگاهی به شعر معاصر ایران)، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ نخست، پاییز ۱۳۷۶.

۱۱۸.کلینی، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء، [بی تا].

۱۱۹.کنگره بررسی تأثیر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، جلد دوم، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۸.

۱۲۰.______________ ، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی۴، جلد نخست، چاپ نخست، مهر ۱۳۷۷.

۱۲۱.گروهی از نویسندگان، مبانی جامعه شناسی، تهران، سمت، چاپ نخست، زمستان ۱۳۷۳.

۱۲۲.______________ ، نهضت مشروطیت ایران (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ نخست، تابستان ۱۳۷۸.

۱۲۳.گوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ هشتم، بهار ۱۳۷۶.

۱۲۴.گوته، یوهان ولفگانگ فون، دیوان غربی _ شرقی، برگردان: محمود حدادی، تهران، بازتاب نگار، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۲۵.گوهر عشق (گزیده اشعار غدیر)، گردآورنده: ضیاءالدین تربی، تهران، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۵.

۱۲۶.گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، برگردان: منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

۱۲۷.متقی هندی، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق _ ۱۹۸۹م.

۱۲۸.________________ ، کنزالعمال، عمان، بیت الافکار الدولیه، چاپ سوم، ۲۰۰۵م.

۱۲۹.متین، غلام حسین، شعر برای بیداری، [بی جا]، چاپ نوبهار، چاپ نخست، تابستان ۱۳۵۷.

۱۳۰.مجاهدی (پروانه)، محمدعلی، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم، مرکز تحقیقات سپاه، چاپ نخست، ۱۳۷۹.

۱۳۱.____________________________ ، کاروان شعر عاشورا، قم، زمزم هدایت، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۶.

۱۳۲.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، مکتبه اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

۱۳۳.محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، اسفند ۱۳۷۴.

۱۳۴. ________________ ، فرهنگ غدیر، قم، نشر معروف، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۸۶.

۱۳۵. ________________ ، هنر در قلمرو مکتب، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۶.

۱۳۶.محمدزاده، مرضیه، دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،چاپ نخست، جلد اول و دوم، زمستان ۱۳۸۳.

۱۳۷.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، برگردان: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۹.

۱۳۸.محمدی، کاظم، مولانا و ترجمه آیات قرآن، کرج، نجم کبری، چاپ نخست، تابستان ۱۳۸۶.

۱۳۹.مرغه ای، زین العابدین، سیاحت نامه ابراهیم بیک، تهران، نشر سپیده، چاپ چهارم، بهار ۱۳۵۷ شاهنشاهی.

۱۴۰.مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۱۴۱.مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، چاپ بیست و ششم، پاییز ۱۳۷۴.

۱۴۲.________________ ، عرفان حافظ (تماشاگه راز): مباحثی پیرامون شناخت واقعی خواجه حافظ، تهران، صدرا،چاپ هفتم، زمستان ۱۳۶۹.

۱۴۳.مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۶.

۱۴۴.من می گویم شما بگرید: مراثی عاشورایی، به کوشش: علی رضا قزوه، تهران، رکت انتشارات سوره مهر، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

۱۴۵.موسوی گرمارودی، سید علی، زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی، تهران، قدیانی، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

۱۴۶.________________________ ، عبور، تهران، توس، چاپ نخست، اردیبهشت ۱۳۴۹.

۱۴۷.میرزاده عشقی، سید محمدرضا، کلیات مصور عشقی، تالیف و نگارش: علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۵۷.

۱۴۸.میرزاده، نعمت (م.آزرم)، سحوری، تهران، رواق، چاپ نخست، تابستان ۱۳۵۷.

۱۴۹.________________ ، گلخون، تهران، تیرنگ، چاپ نخست، بهمن ۱۳۵۸.

۱۵۰.________________ ، لیله القدر، تهران، انتشارات رشناوند، اردیبهشت ۱۳۵۷.

۱۵۱.میرشکاک، یوسف علی، زخم بی بهبود (گزیده اشعار یوسف علی میرشکاک)، به اهتمام: عبدالجواد موسوی، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ نخست،۱۳۸۵.

۱۵۲.ناتل خانلری، پرویز، هفتاد سخن، تهران، توس، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۱۵۳.ناگهان بهار: مجموعه غزل شاعران حوزه علمیه قم، به کوشش: یدالله گودرزی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ نخست، بهار ۱۳۷۳.

۱۵۴.نسیم غدیر: غدیریه هایی از شاعران امروز، جمع و تدوین: علی رضا میرزامهد، تهران، مرکز آموزش و پژوهش دفتر بررسی اسلامی، اسفند ۱۳۷۸.

۱۵۵.نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، به اهتمام: محمد معین، تهران، صدای معاصر، چاپ دهم، ۱۳۷۶.

۱۵۶.نظامی گنجه ای، کلیات خمسه نظامی گنجه ای، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۷.

۱۵۷.نگرشی موضوعی بر وصیت نامه امام خمینی(ره)، تهران، دانشگاه امام حسین(ع) با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ نخست، پاییز ۱۳۷۶.

۱۵۸.نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول با ترجمه فارسی، برگردان و فراهم آورنده: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، بی تا.

۱۵۹.واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، حج خونین: گزیده اشعار سروده شده به مناسبت فاجعه

خونین مکه مکرمه و در رثای شهدای گران قدر حج ۱۳۶۶، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، بهمن ۱۳۶۷.

ص: ۱۹۰

۱۶۰.واحد روابط عمومی و بین الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شعر شهادت، تهران، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست، تابستان ۱۳۶۷.

۱۶۱.هراتی، سلمان، از آسمان سبز، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نخست، آذر ۱۳۶۴.

۱۶۲.یاحقی، محمدجعفر، جویبار لحظه ها: جریان های ادبی معاصر ایران، تهران، جامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۱۶۳.________________، چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی، تهران، جامی، چاپ نخست، ۱۳۷۴.

۱۶۴.یادنامه استاد مهرداد اوستا، به کوشش: محمدحسین رحمانی، قم، مرکز بررسی های اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۷۳.

۱۶۵.یاسایی، محمدحسین، «تأثیر قرآن در آثار سعدی»، مجموع مقالات ذکر جمیل سعدی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، جلد سوم، پاییز ۱۳۶۹.

ب) نشریه ها

۱.اکبرلو، منوچهر، «دارم اندر دست خونین جامه ای ... نگاهی اجمالی به مرثیه سرایی در ادب پارسی»، جوان، ۸/۱/۱۳۷۸.

۲.بهداروند، محمدمهدی، «ویژگی ادبیات دینی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۷، تیر ۱۳۸۰.

۳.بهرامی سیاوشانی، داود، «هنر مقوبل و تعهدات مکتبی»، پیام آزادی، ۷/۷/۱۳۷۸.

۴.تسخیری، محمدعلی، «شعر انقلابی پس از صدر اسلام»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۰۵، آبان ۱۳۸۲.

۵.رحمانی، صادق، «کوتاه درباره شعر دینی»، جام جم، ۲۳/۸/۱۳۷۹.

۶.زارعی، احمد، «ارزیابی شعر انقلاب اسلامی بر پایه میراث فرهنگی»، مجله شعر، شماره ۱۷.

۷.زرشناس، شهریار، «شعر؛ زبان ملکوت»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸.

۸.صحتی سردرودی، محمد، «شعر و شاعری در آیینه شریعت»، مجله شعر، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۵.

۹.کاظمی، محمدکاظم، «ادبیات دینی از دیروز تا امروز»، قدس، ۳/۳/۱۳۷۹.

۱۰.________________، «ادبیات دینی؛ بایدها و نبایدها»، نگاه حوزه، شماره ۶۹ و ۷۰.

۱۱.________________________ ، «انقلاب اسلامی و شعر مذهبی در ایران»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸.

۱۲.کاکایی، عبدالجبار، «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان»، جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۰.

۱۳.ماری شمیل، آنه، «شعر دینی در جهان معاصر اسلامی»، برگردان: سید حسن اسلامی، کیهان اندیشه، شماره ۶۱.

۱۴.محدثی خراسانی، مصطفی، «شعر انقلاب و نگاه تازه به مفاهیم دینی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۰، بهمن ۱۳۷۸.

۱۵.نمکی آرانی، میثم، «شعر، غدیر و علی(ع)»، کیهان فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱۷۰، آذر ۱۳۷۹.

ص: ۱۹۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹